

ما همگام با زائرین پیاده

ما همگام با زائرین پیاده، بسوی نجف، کربلا رهسپاریم
 برای حسین و غمِ اهل بیتش، سرشکِ غم از دیده ی خود بباریم
 پیاده کنیم طی ره کربلا را، در این راه ما ذره ای کم نیاریم
 شب و روز ما اندر این دشت و صحرا، ز خاک و ز خاشاک باکی نداریم
 پیاده رویم از نجف با اُمید، خدا، تا که از کربلا سر در آریم
 تُو هم باقری بهر ماها دعا کن، تمنّای یاری ی ما از خدا کن
 بزن بر سر و سینه، گو، یا حسین جان، بزودی نصیب همه کربلا کن
 همه اندر این اجتماعِ حسینی، نمایند شرکت تو هم زان صفا کن
 بگو از ته دل حسین یا حسین جان، حسین یا حسین یا حسین یا حسین جان

همه زائرین همچو جابر

همه زائرین همچو جابر ، سوی کربلا رهسپارند
 پیاده همانند جابر ، در این ره قدم میگزارند
 نجف تا حریم حسینی ، روانه به لیل و نهارند
 عمودِ یک و دو و سه ، تا ، عمودِ سلام می‌شمارند
 همه طی کنند این ره با صفا را - پیاده کنند طی ره کربلا را
 بگویند همه یا حسین یا حسین جان - نظر کن به ما زائرین تو ز احسان
 زهرسو نوای حسین یا حسین است - حسین نور تابنده بر هر دو عین است
 یکی سوره ای را ز قرآن بخواند - یکی آیه هائی ز رحمان بخواند
 یکی با خدا زیر لب داره نجوا - یکی هم توسّل به اُمّ ابیها
 یکی هم بخواند دعای توسّل - یکی نوحه خواند همانند بلبل
 بناگه بگوید یکی زان میانه ، که اینجا عمودِ سلام است
 همه دستها روی سینه ، که اکنون گّه احترام است
 بگوئید با هم سلامّ علیکم ، الا ای شهیدانِ راهِ خدائی
 الا ای که جمله شما ها ، شده در ره حق فدائی
 ببین باقری زائرین پیاده ، در این روزها سوی کربلا بیا
 بلی زائرین حریم حسینی ، همه عاشقانند و اهل ولایت
 سروده شده توسط حجة الاسلام سید محمد باقری پور ماه صفر سال ۱۳۹۸

روایات پیاده ر فتن به کربلا

در روایات بسیاری بر فضیلت اربعین و پیاده روی به سوی حرم کربلای معلی و بارگاه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) تاکید شده است. از حسین بن سعید نقل شده است که از امام صادق (ع) درباره زائر قبر حسین (علیه السلام) سؤال شد. «فَقَالَ مَنْ اغْتَسَلَ فِي الْفُرَاتِ ثُمَّ مَشَى إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) كَانَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا وَيَضَعُهَا حَجَّةٌ مُتَقَبَّلَةٌ بِمَنَاسِكَهَا»؛ (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۴۷) حضرت در پاسخ فرمود: هر آن که در فرات غسل کند و سپس با پای پیاده به سوی مرقد حسین (علیه السلام) برود، به ازای هر قدمی که برمی دارد و بر زمین می گذارد، حَجَّی مقبول با تمام اعمال و مناسک برای او خواهد بود.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مِثْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: يَا عَلِيُّ زُرْ الْحُسَيْنَ وَ لَا تَدْعُهُ. قَالَ: قُلْتُ مَا لِمَنْ أَتَاهُ مِنَ الثَّوَابِ؟ قَالَ: مَنْ أَتَاهُ مَا شِئَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً. فَإِذَا أَتَاهُ، وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكَئِنَّ يَكْتُبَانِ مَا خَرَجَ مِنْ فِيهِ مِنْ خَيْرٍ وَ لَا يَكْتُبَانِ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ مِنْ شَرٍّ وَ لَا غَيْرَ ذَلِكَ. فَإِذَا انْصَرَفَ وَ دَعَا وَ قَالَوا: يَا وَلِيَّ اللَّهِ مَغْفُوراً لَكَ أَنْتَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ حِزْبِ رَسُولِهِ وَ حِزْبِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِهِ، وَ اللَّهُ لَا تَرَى النَّارَ بِعَيْنِكَ أَبَداً وَ لَا تَرَكَ وَ لَا تَطْعَمُكَ أَبَداً. (ابن قولویه، کامل الزیارات ص ۱۳۴). کامل الزیارات: علی بن میمون صانع، از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: ای علی قبر حسین علیه السلام را زیارت کن و ترک مکن. عرض کردم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند: کسی که پیاده زیارت کند آن حضرت را، خداوند به هر قدمی که برمی دارد، یک حسنه برایش نوشته، و یک گناه از او محو می فرماید، و یک درجه مرتبه اش را بالا می برد. و وقتی به زیارت رفت، حق تعالی دو فرشته را موکل او می فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر و بد می باشد را ننویسند. و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می گویند: ای ولی خدا! گناهانت آمرزیده شد. و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسولش می باشی، به خدا قسم هرگز تو آتش را به چشم نخواهی دید و آتش نیز هرگز تو را نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد نمود.

حسین بن ثویر از امام صادق (ع) نقل می کند که حضرت فرمود: إِذَا أَتَيْتَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَأَغْتَسِلْ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ ثُمَّ الْبَسْ ثِيَابَكَ الطَّاهِرَةَ ثُمَّ امْشِ خَافِئاً فَإِنَّكَ فِي حَرَمٍ مِنْ حَرَمِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ بِالتَّكْبِيرِ وَ التَّهْلِيلِ؛ (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۵۲) زمانی که به زیارت ابا عبدالله (ع) رفتی، پس غسل کن در نهر فرات و سپس لباس های پاک بپوش؛ آن گاه با پای برهنه راه برو؛ پس تو در حریمی از حرم خدا و حرم پیامبرش هستی و بر تو باد به تکبیر و گفتن لا اله الا الله.

حُسَيْنُ بْنُ ثَوْبَرٍ بْنِ أَبِي فَاحْتَهَ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا حُسَيْنُ مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ «ص» إِنْ كَانَ مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَمَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً حَتَّى إِذَا صَارَ فِي الْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُصْلِحِينَ [الْمُفْلِحِينَ الْمُتَجَبِّينَ] حَتَّى إِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ «ص» يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى. حسين بن ثوبان بن ابی فاخته می گوید، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ای حسین کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین ابن علی علیهما السلام باشد اگر پیاده رود خداوند مَنان به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید تا زمانی که به حائر برسد و پس از رسیدن به آن مکان شریف حق تبارک و تعالی او را از رستگاران قرار می دهد تا وقتی که مراسم و اعمال زیارت را به پایان رساند که در این هنگام او را از فائزین محسوب می فرماید تا زمانی که اراده مراجعت نماید در این وقت فرشته ای نزد او آمده و می گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سلام رسانده و به تو می فرماید: «از ابتداء عمل را شروع کن، تمام گناهان گذشته ات آمرزیده شد.

عن الصادق عليه السلام: مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ «ص» إِنْ كَانَ مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً حَتَّى إِذَا صَارَ فِي الْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُصْلِحِينَ [الْمُفْلِحِينَ الْمُتَجَبِّينَ] حَتَّى إِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى. امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابشان می فرماید: کسی که به قصد زیارت امام حسین (علیه السلام) از منزلش خارج شود، خداوند بابت هر قدمی که برای زیارت اباعبدالله (علیه السلام) بر می دارد، یک حسنه برایش می نویسد و یک سیئه از او محو می کند. وقتی که به حرم می رسد، خداوند او را جزء صالحین برگزیده می نویسد. وقتی مناسک او تمام شد، خداوند نام او را جزء فائزین می نویسد. وقتی می خواهد بازگردد یک فرشته الهی در مقابل او قرار می گیرد و می گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به شما سلام می رساند، و پیغام می دهد که عمل را از سرگیر که گذشته ات بخشیده شده است. (کامل الزیارات باب ۴۹/ص ۱۳۲ الی ۱۳۵) (دریاب ۴۹، ۱۰، روایت در این باب وجود دارد)

قدامة بن مالك از امام صادق (ع) نقل می کند که حضرت فرمود: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ مُحْتَسِباً لَا أُشْرَأُ وَلَا بَطَرٌ وَلَا سُمْعَةٌ مُحْصَتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا يَمْضِي الثَّوْبُ فِي الْمَاءِ فَلَا يَبْقَى عَلَيْهِ ذَنْسٌ وَ يَكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةٌ وَ كَلَّمَا رَفَعَ قَدَمًا عُمْرَةً؛ (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۹) کسی که حسین (ع) را برای رضای خدا زیارت کند، نه برای خوش گذرانی و تفریح و نه به جهت کسب شهرت

(و فخر فروشی)، گناهانش فرو می ریزد، همان طور که لباس در آب شسته شده (و پاک می شود) و در نتیجه، هیچ آلودگی بر او باقی نمی ماند و با هر گامی که بر زمین می گذارد، حجی برایش نوشته می شود و با هر قدمی که برمی دارد، عمره ای برایش ثبت می گردد.

ابن مشکان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) مِنْ شِيعَتِنَا لَمْ يَرْجَعْ حَتَّى يَغْفَرَ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ وَ يَكْتَبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاهَا وَ كُلُّ يَدٍ رَفَعَتْهَا دَابَّتُهُ أَلْفٌ حَسَنَةً وَ مِجَى عَنْهُ أَلْفٌ سَيِّئَةً وَ يَرْفَعُ لَهُ أَلْفُ دَرَجَةٍ . (بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۵) هر که از شیعیان ما حسین (علیه السلام) را زیارت کند، باز نمی گردد، مگر این که همه گناهانش بخشیده می شود و به ازای هر قدمی که برمی دارد و هر دستی که به سوی آسمان توسط هرکسی بالا می رود، برایش هزار حسنه نوشته میشود و هزار گناهش پاک می شود و هزار درجه بالا میرود.

بشیر دَهَّان می گوید: در پایان یک گفت و گوی طولانی که با امام صادق (ع) داشتم، ایشان به من فرمود: وَيَحْكُ يَا بَشِيرُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَتَاهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ وَ اغْتَسَلَ فِي الْفَرَاتِ كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ مَبْرُورَاتٌ مُتَقَبَّلَاتٌ وَ عَزْوَةٌ مَعَ نَبِيِّ أَوْ إِمَامٍ عَادِلٍ؛ (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۴۳) ای بشیر! به درستی که مؤمن زمانی که به زیارت حسین بن علی (ع) بیاید، در حالی که حَقَّش را بشناسد و (پیش از زیارت) در فرات غُسل نماید، به ازای هر قدمی، حج و عمره ای مقبول و یک جهاد در رکاب پیامبر یا امام عادل برایش نوشته می شود.

عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَخْرُجُ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِأَوَّلِ خُطْوَةٍ مَغْفِرَةٌ ذُنُوبِهِ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَقْدُسْ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَأْتِيَهُ فَإِذَا أَتَاهُ نَاجَاهُ اللَّهُ تَعَالَى فَقَالَ عَبْدِي سَلْنِي أُعْطِكَ ادْعُنِي أُجِبْكَ اظْلُبْ مِنِّي أُعْطِكَ سَلْنِي حَاجَهُ أَقْضِيهَا [أَقْضِيهَا] لَكَ قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعْطِيَ مَا بَدَلَ . بشیر دَهَّان، می گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: شخصی که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السلام می رود، زمانی که از اهلش جدا شد با اولین گامی که برمی دارد تمام گناهانش آمرزیده می شود سپس با هر قدمی که برمی دارد پیوسته تقدیس و تنزیه شده تا به قبر برسد و هنگامی که به آنجا رسید حق تعالی او را خوانده و با وی مناجات نموده و می فرماید: بنده من از من بخواه تا به تو اعطاء نمایم، من را بخوان اجابت نمایم، از من طلب کن به تو بدهم، حاجتت را از من بخواه تا برایت روا سازم . راوی می گوید، امام علیه السلام فرمودند: «و بر خداوند متعال حق و ثابت است آنچه را که بذل نموده اعطاء فرماید.»

ابوصامت از امام صادق (ع) نقل می کند: مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ (ع) مَا شِئاً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفٌ حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفٌ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ فَإِذَا أَتَيْتَ الْفَرَاتَ فَاغْتَسَلَ وَ عَلَّقَ نَعْلَيْكَ وَ امْشِ حَافِئاً

وَ امْشِ مَشَى الْعَبْدِ الذَّلِيلِ فَإِذَا أُتْبِتَ بَابَ الْحَيْرِ فَكَبِّرِ اللَّهَ أَزْبَعًا؛ (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۴۳) هر کسی پیاده به زیارت قبر حسین (ع) برود، خداوند برای هر قدمی هزار حسنه نوشته و هزار گناه از او پاک می کند و رتبه اش هزار درجه بالا می رود. پس هرگاه به فرات رسیدی، غسل کن و کفش هایت را درآور و پابرهنه راه برو؛ به مانند عبد ذلیل راه برو؛ پس وقتی به درب حَرَم رسیدی، چهار بار تکبیر بگو و کمی راه برو و دوباره چهار بار تکبیر بگو.

از رُفاعة بن موسی نقل شده است که امام صادق (ع) فرمود: إِنَّ مَنْ خَرَجَ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) عَارِفًا بِحَقِّهِ وَ اغْتَسَلَ فِي الْفُرَاتِ وَ خَرَجَ مِنَ الْمَاءِ كَانَ كَمَثَلِ الَّذِي خَرَجَ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِذَا مَشَى إِلَى الْحَيْرِ لَمْ يَوْفَعْ قَدَمًا وَ لَمْ يَضَعْ أُخْرَى إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ؛ (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۴۷) به درستی کسی که (برای زیارت) به سوی مرقد حسین (بن علی) (ع) برود، در حالی که حَقِّش را می شناسد و (پیش از زیارت) در فُرَات غسل کند و از آب خارج شود، مثل کسی است که از گناهانش خارج شود. پس هنگامی که به باب الحسین (ع) رسید، قدم از قدم بر نمی دارد، مگر این که خداوند برایش ده حسنه می نویسد و ده گناهش پاک می گردد.

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً مُوَكَّلِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا هُمْ بِزِيَارَتِهِ الرَّجُلُ أَعْطَاهُمُ اللَّهُ ذُنُوبَهُ فَإِذَا خَطَا مَحْوَهَا ثُمَّ إِذَا خَطَا ضَاعَفُوا لَهُ حَسَنَاتِهِ فَمَا تَزَالُ حَسَنَاتُهُ تَضَاعَفُ حَتَّى تُوجِبَ لَهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ اكْتَنَفُوهُ وَ قَدَّسُوهُ وَ يُنَادُونَ مَلَائِكَةَ السَّمَاءِ أَنْ قَدَّسُوا زَوَّارَ حَبِيبِ اللَّهِ فَإِذَا اغْتَسَلُوا نَادَاهُمْ مُحَمَّدٌ ص يَا وَفَدَ اللَّهُ أَبْشِرُوا بِمَرَاغِقَتِي فِي الْجَنَّةِ ثُمَّ نَادَاهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَا ضَامِنٌ لِقَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ وَ دَفْعِ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ثُمَّ التَّقَاهُمْ [اِكْتَنَفَهُمُ] النَّبِيُّ ص عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ حَتَّى يَنْصَرِفُوا إِلَى أَهْلِيهِمْ . امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند متعال زیارت آن حضرت را می نماید حق تعالی گناهان او را در اختیار این فرشتگان قرار می دهد و زمانی که وی قدم برداشت فرشتگان تمام گناهانش را محو می کنند و سپس قدم دوم را که برداشت حسناتش مضاعف و دو چندان می کنند و پیوسته با قدم هائی که برمی دارد حسناتش مضاعف می گردد تا به حدی می رسد که بهشت برایش واجب و ثابت می گردد، سپس اطرافش را گرفته و تقدیسش می کنند و فرشتگان آسمان نداء داده و می گویند: زَوَّارِ دُوسْتِ خُدا را تقدیس نمائید . و وقتی زَوَّار غسل کردند حضرت مُحَمَّد (ص) ایشان را مورد نداء قرار داده و میفرماید : «ای مسافران خدا! بشارت باد بر شما که در بهشت با من هستید.» سپس امیر المؤمنین علیه السلام به ایشان نداء نموده و می فرماید: «من ضامنم که حوائج شما را بر آورده نموده و بلاء را در دنیا و آخرت از شما دفع کنم،

سپس پیامبر اکرم (ص) با ایشان از طرف راست و چپ ملاقات فرموده تا بالأخره به اهل خود بازگردند.»

از علی صائغ نقل شده که امام صادق (ع) فرمود: ای علی! به زیارت حسین (ع) برو و آن را ترک مکن. علی صائغ می گوید: عرض کردم: چه ثواب و پاداشی برای زائرش دارد؟ امام فرمود: مَنْ أَتَاهُ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً فَإِذَا أَتَاهُ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكَينِ يَكْتُبَانِ مَا خَرَجَ مِنْ فِيهِ مِنْ خَيْرٍ وَ لَا يَكْتُبَانِ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ مِنْ سَيِّئٍ وَ لَا غَيْرَ ذَلِكَ فَإِذَا انْصَرَفَ وَدَعَا وَ قَالَوا يَا وَلِيَّ اللَّهِ مَغْفُورٌ لَكَ أَنْتَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ حِزْبِ رَسُولِهِ وَ حِزْبِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِهِ وَ اللَّهُ لَا تَرَى النَّارَ بِعَيْنِكَ أَبَدًا وَ لَا تَرَكَ وَ لَا تَطْعُمُكَ أَبَدًا؛ (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۷) کسی که به زیارت ایشان برود، خداوند به ازای هر قدمی، حسنه ای برایش می نویسد و از او گناهی را پاک می کند و یک درجه ارتقای رتبه پیدا می کند. پس وقتی به مرقد حسین (ع) رسید، خداوند دو فرشته را بر او مأمور می کند تا هرچه از خیر و خوبی و صلاح از دهانش خارج می شود، برایش بنویسند و اگر چیزی خواست که به صلاحش نبود، برایش ثبت نکنند و هنگامی که از زیارت بازمی گردد، با او وداع کرده و می گویند: ای دوست خدا! بخشیده شدی؛ تو از حزب خدا و حزب پیامبرش و حزب اهل بیتش هستی. به خدا سوگند هرگز به چشم خودت آتش را نخواهی دید و آتش نیز تو را نمی بیند و نمی سوزاند.

در روایت دیگری دارد که امام صادق (ع) می فرماید: إِذَا أَرَادَ الْإِنْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ لَهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا مَضَى؛ (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۸)

عَلِيُّ بْنُ مَيْمُونٍ الصَّائِغُ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا عَلِيُّ زُرِ الْحُسَيْنَ وَ لَا تَدَعُهُ قَالَ قُلْتُ مَا لِمَنْ أَتَاهُ مِنَ الثَّوَابِ قَالَ مَنْ أَتَاهُ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً فَإِذَا أَتَاهُ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكَينِ يَكْتُبَانِ مَا خَرَجَ مِنْ فِيهِ مِنْ خَيْرٍ وَ لَا يَكْتُبَانِ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ مِنْ شَرٍّ وَ لَا غَيْرَ ذَلِكَ فَإِذَا انْصَرَفَ وَدَعَا وَ قَالَوا يَا وَلِيَّ اللَّهِ مَغْفُوراً لَكَ أَنْتَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ حِزْبِ رَسُولِهِ وَ حِزْبِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِهِ وَ اللَّهُ لَا تَرَى النَّارَ بِعَيْنِكَ أَبَدًا وَ لَا تَرَكَ وَ لَا تَطْعُمُكَ أَبَدًا. علی بن میمون صائغ، از حضرت صادق (ع) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: «ای علی قبر حسین علیه السلام را زیارت کن و ترک مکن.» عرض کردم: «ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟» حضرت فرمودند: «کسی که پیاده زیارت کند خداوند به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید و یک درجه مرتبه اش را بالا می برد و وقتی به زیارت رفت حق تعالی دو فرشته را موکل او می فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر و بد می باشد را

ننویسند و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می گویند: «ای ولی خدا گناهانت آمرزیده شد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسولش می باشی و خداوند هرگز چشمانت را به آتش جهنم بینا نمی کند و آتش نیز تو را ابدًا نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد نمود.» (منبع: کامل الزیارات، باب چهل و نهم)

از سدید صیرفی نقل شده که می گوید: در محضر باقرالعلوم (ع) نشسته بودیم که جوانی در مجلس از مرقد امام حسین (ع) یاد نمود؛ امام به او فرمود: مَا أَتَاهُ عَبْدٌ فَحَطَّا خُطْوَةً إِلَّا كَتَبَتْ لَهُ حَسَنَةً وَ حُطَّتْ عَنْهُ سَيِّئَةٌ؛ (بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۰) بنده ای به سوی این مرقد قدم برنمی دارد، مگر این که حسنه برایش نوشته شده و گناهی از او کنار گذاشته می شود.

سنت حسنه پیاده رفتن به کربلا

جابر بن عبدالله، نخستین زائر کربلای معلی در روز اربعین سال ۶۱ هجری است. این سنت حسنه در سال‌های حضور ائمه معصومین (ع) با وجود حکومت سفاک و خونریز اموی و عباسی انجام شده است. او برای اولین بار با پای پیاده از مدینه به کربلا آمد و به زیارت امام حسین (ع) توفیق یافت. (بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۳۴)

زیارت کربلا با پای پیاده در زمان «شیخ انصاری» (متوفی سال ۱۲۸۱ قمری) رسم بوده است، اما در برهه ای از زمان به ورطه فراموشی سپرده می‌شود که در نهایت توسط «شیخ میرزا حسین نوری» دوباره احیا می‌شود. این عالم بزرگوار اولین بار در عید قربان به پیاده روی از نجف تا کربلا اقدام کرد که ۳ روز در راه بود و حدود ۳۰ نفر از دوستان و اطرافیانش وی را همراهی می‌کردند، نیز با وی بودند، «محدث نوری» از آن پس تصمیم گرفت، هر سال این کار را تکرار کند، ایشان آخرین بار در سال ۱۳۱۹ هجری با پای پیاده به زیارت حرم أباعبدالله حسین (ع) رفت.

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی یکی از مراجع عالیقدر جهان تشیع که خود بارها با پای پیاده از عتبه علویه، رهسپار عتبه حسینی شده است، درباره مراقبه و بزرگداشت روز اربعین حسینی چنین می‌گوید: «به هر روی بر مراقبه کننده لازم است که بیستم صفر (اربعین) را برای خود روز حزن و ماتم قرار داده بکوشد که امام شهید را در مزار حضرتش (ع) زیارت کند، هر چند تنها یک بار در تمام عمرش باشد، چنانکه حدیث شریف، علامت‌های مؤمن را پنج امر ذکر کرده است: ۵۱ رکعت نماز در شبانه روز، زیارت اربعین، انگشت در دست راست کردن، پیشانی بر خاک گذاشتن و بلند بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ گفتن در نمازها». (ترجمه المراقبات، کریم فیضی، صفحه ۸۵)

آیت الله مکارم شیرازی که در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰ هجری قمری در نجف اشرف ساکن بود دو بار توفیق پیاده‌روی از نجف تا کربلا را داشته است. وی با پای برهنه از مسیر شط (رودخانه) که حدود ۲۰ کیلومتر طولانی‌تر از مسیر کنونی نجف کربلاست و حدود ۳ روز به طول می‌انجامید، به زیارت اباعبدالله الحسین (ع) مشرف شدند. ایشان می‌گویند: وقتی به یکی از این مُضیف‌ها رسیدیم، صاحب مُضیف دعوت و اصرار کرد که مهمان او بشویم و آنجا استراحت کنیم، به او توضیح دادیم که چون امروز کم راه رفته‌ایم و باید مسافت بیشتری را طی کنیم، فرصت ماندن نداریم، پس از کمی اصرار او و امتناع ما، ناگهان صاحب مُضیف که معلوم بود چند وقتی است که مهمان برایش نرسیده و از این بابت خیلی ناراحت است، ناگهان چاقویش را در آورد و تهدید کرد که من مدتی است مهمان برایم نیامده است و شما حتماً باید مهمان ما بشوید. اینقدر مهمانی کردن زائر امام حسین (ع) در نزد اینها اهمیت وارزش داشت... البته بالاخره بعد از اینکه توضیح بیشتری برایش دادیم و قول دادیم که از طرف او زیارت کنیم، اجازه داد که ما برویم.

شیخ مرتضی انصاری از جمله احیاکنندگان سنت پیاده روی برای زیارت امام حسین (ع) بود و خود ایشان نیز پیاده از نجف به کربلا می‌آمد.

میرزا حسین نوری، صاحب موسوعه حدیثی «مستدرک الوسائل» در عید قربان هر سال به صورت پیاده به کربلا می‌آمد.

سید مهدی بحر العلوم در دسته عزای «طوریج» که پیاده به کربلا می‌آمدند، حضوری پررنگ داشت. شیخ جعفر کاشف الغطاء در یکی از پیاده روی هایش به کربلا، به حضور حضرت ولی عصر (ع) شرفیاب شد و حضرت ایشان را به سینه خویش چسبانده و فرموده است: «خوش آمدی ای زنده کننده شریعت ما».

آیت الله مرعشی نجفی بیست بار پیاده به همراه تعدادی از طلاب که همه از مراجع و بزرگان شدند، به کربلا مشرف شد.

همچنین بزرگانی مانند: سید محمدحسین طهرانی، سید احمد مستنبط، شیخ عباس قوچانی، شیخ حسن نجابت شیرازی و سید عبدالحسین دستغیب و شهید صدر اول و شهید صدر دوم در این پیاده روی شرکت می‌کردند. شهید صدر دوم (سید محمد صدر) حتی فتوا به وجوب پیاده روی به سوی حرم های امیرمؤمنان و سیدالشهداء (ع) را صادر کرد و با این فتوا به مبارزه با سیاست ضددینی حزب بعث رفت و در برخی از خطبه های جمعه اش در نجف اشرف بر این موضوع تأکید می‌کرد. (برگرفته از کتاب «بیعت عاشقان» نوشته علی ساعدی در مجلد دوم)

تاکید مراجع بر راهپیمائی اربعین

مقام معظم رهبری می فرمایند: ترکیب «عشق و ایمان» و «عقل و عاطفه» از ویژگی‌های منحصر به فرد مکتب اهل بیت است و حرکت عاشقانه و مؤمنانه مردم از کشورهای مختلف جهان در زیارت اربعین، بدون تردید از جمله شعائر الهی است. ... حرکت عظیم مردم از ایران و سایر کشورهای جهان برای حضور در راهپیمائی اربعین، جلوه‌ای از ویژگیهای برجسته مکتب اهل بیت علیهم السلام است که در آن، هم «ایمان، اعتقاد قلبی و باورهای راستین» موج می‌زند و هم «عشق و محبت». (بیانات رهبر معظم انقلاب در درس خارج فقه درباره ی زیارت اربعین)

آیت الله مکارم شیرازی: بر شکوه راهپیمائی اربعین حسینی زائران اباعبدالله (ع) تاکید دارد و می گوید: این حرکت عظیم بی نظیر است، سوگواران حضرت سیدالشهدا از نجف و دیگر نقاط با پای پیاده به سمت کربلای معلی در حرکت هستند و غوغای عجیبی را به پا کرده اند و باید این را حفظ کرد. وی با تاکید بر اینکه مراقب باشیم مبدا کسانی با بدعت‌ها و برنامه‌های نادرست خود این عظمت و شکوه را زیر سؤال ببرند، خاطرنشان می کند: مراسم سوگواری امام حسین (ع) سرمایه بزرگی است که بسیار می‌توان از آن استفاده کرد؛ ما به چنین سرمایه‌ای افتخار می‌کنیم و معتقدیم باید با تمام وجود از این سرمایه غنی حراست و پاسداری کرد.

آیه الله مکارم شیرازی فرموده اند: پیاده روی روز اربعین از سوی زائران حسینی در نوع اظهار بر سنت پیاده روی به ویژه برای زیارت امام حسین (ع) و امام رضا (ع) تأکید و تصریح شده است. (بیانات آیت الله مکارم شیرازی در دیدار نمایندگان هیأت‌های دانشجویی عازم پیاده روی اربعین حسینی)

آیت الله محمدتقی بهجت رحمة الله علیه می فرمایند: ... امام زمان خودش را به واسطه امام حسین علیه السلام به همه عالم معرفی می‌کنند ... بنابراین در آن زمان باید همه مردم عالم، حسین علیه السلام را شناخته باشند... اما الان هنوز همه مردم عالم، حسین علیه السلام را نمی‌شناسند و این تقصیر ماست، چون ما برای سیدالشهدا علیه السلام طوری فریاد زدیم که همه عالم صدای ما را بشنود، پیاده روی اربعین بهترین فرصت برای معرفی حسین «ع» به عالم است. (محمدحسین رخشاد، در محضر بهجت).

آیت الله وحید خراسانی: با بیان روایتی از امام صادق (ع) در مورد اجر کسانی که به شوق امام حسین (ع) و به خاطر محبت رسول خدا (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه زهرا (س) به زیارت آن حضرت می‌روند، خاطر نشان می‌کند: خوشا به حال آنان که با پای پیاده در بیابان‌ها به سمت کربلا حرکت می‌کنند، وی همچنین از همه زائرانی که موفق به زیارت امام حسین (ع) در اربعین می‌شوند

می خواهد که در حرم مطهر آن حضرت در شب و روز اربعین دست به دعا بردارند و برای فرج امام زمان (عج) دعا کنند.

آیت الله صافی گلپایگانی: خاطرنشان می کند: حضور میلیونی زائران با پای پیاده از شرق و غرب و دور و نزدیک به سوی کربلای مقدس، کنگره عظیمی است که به دنیا اعلام می کند راه حسین و اهداف او جاودان و فراموش ناشدنی است و شهدای این راه شهدای حق و شهامت و قهرمانی هستند، خداوند آنها را با اصحاب حسین محشور کند که جان خود را فدای حسین (علیه السلام) کردند و رحمت خدا بر آنها و جان پاکشان باد.

آیت الله شبیری زنجانی: آرزو می کند که روزی از زائران حرم باشد. ایشان پیاده روی اربعین را تجلی عظمت شیعه می داند و می گوید: من آرزو داشتم توان جسمی ام به قدری بود که می توانستم در پیاده روی شرکت کنم در حالی که هر لحظه بر عظمت حماسه پیاده روی اربعین حسینی در سرزمین کربلای معلی افزوده می شود گروهی با تمسک به برخی از روایات می گویند: نیاز نیست که برای زیارت ائمه به حرم آنها سفر کنیم بلکه قلب دوستاران آنان حرم آنهاست.

آیت الله نوری همدانی: اجتماع ۲۰ میلیونی شیعیان جهان در عزاداری اربعین را اجتماعی بی نظیر می خواند و می گوید: اجتماع اربعین حسینی، نمایش قدرت اسلام، ایمان و نظام است. مهمترین شعار این اجتماع بزرگ به تبعیت از سرور آزادگان جهان، شعار هیئات من الذله است. وی با اشاره به بی نظیر بودن این اجتماع بزرگ، تصریح می کند: بعد از این اجتماع حدود ۲۰ میلیونی، اجتماع ۲ تا ۳ میلیونی حج تمتع قرار دارد که هر دو مایه مباهات مسلمانان هستند.

آیت الله علوی گرگانی: جهان از حضور میلیونی زائران در مراسم اربعین بهت زده شده است. حتی مورخان غیرمسلمان از این حضور میلیونی در شرایط سخت و دشوار عراق تعجب کرده و از آن بهت زده شده اند. این مرجع تقلید با اشاره به توطئه و شیطنت دشمنان برای اختلاف و تضعیف اعتقادات مسلمانان و کمرنگ کردن دین مبین اسلام اظهار می دارد: بغض و کینه دشمنان تمام نشدنی است و دست به هرکاری می زنند تا نور الهی را خاموش کنند؛ ولی دشمنان بدانند نور حق خاموش نشدنی است.

آیت الله حسینی بوشهری: مدیر حوزه های علمیه سراسر کشور در خصوص پیاده روی روز اربعین اظهار می دارد: وظیفه ماست که این شعائر را حفظ کنیم و در این میان توجه به یکی از آنها که اقامه دیگر شعائر هم در طول تاریخ به برکت آن بوده اهمیت فراوانی دارد؛ عزاداری سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله (ع) از جمله مهمترین شعائر الله محسوب می شود. آیت الله بوشهری با بیان اینکه دلیل قیام امام حسین (ع) از زبان خود ایشان زنده شدن بدعت ها و مردن سنت ها بوده است

خاطر نشان می کند: برپایی عزای حسینی موجب یادآوری این اهداف و تقویت اراده دینی مردم می شود. (پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران)

زیارت امام حسین علیه السلام از بالای بام منزل

وظیفه کسانی که در روز اربعین، نمی توانند امام حسین را در کربلا و در کنار مرقد شریف ایشان، زیارت کنند، چیست؟ امام صادق، در این باره می فرماید: یا سَدِیْرُ، تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا، قَالَ: فَمَا أَجْفَاكُمْ قَالَ: فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قُلْتُ: قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ. قَالَ: يَا سَدِیْرُ، مَا أَجْفَاكُمْ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلْفَ أَلْفِ مَلَكٍ شُعْبٌ غُبْرٍ يَبْكُونَ وَيَزُورُونَ لَا يَفْثُرُونَ، وَمَا عَلَيْكَ يَا سَدِیْرُ أَنْ تَزُورَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ فَرَسِخٌ كَثِيرَةٌ. فَقَالَ لِي: اصْعَدْ فَوْقَ سَطْحِكَ، ثُمَّ تَلْتَفِئْ يَمَنَةً وَيَسْرَةً، ثُمَّ تَرَفَّعْ رَأْسَكَ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ انْحَوِ نَحْوَ الْقَبْرِ، وَتَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، تُكْتَبُ لَكَ زُورَةٌ، وَالزُّورَةُ حُجَّةٌ وَعُمْرَةٌ. قَالَ سَدِیْرُ: فَرُبَّمَا فَعَلْتُ فِي الشَّهْرِ أَكْثَرَ مِنْ عِشْرِينَ مَرَّةً. (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۸۹). الکافی کلینی: «ای سَدِیر! قبر حسین علیه السلام را در هر روز، زیارت می کنی؟». گفتم: فدایت شوم، نه، فرمود: «چه قدر جفاکارید». فرمود: «او را هفته ای یک بار، زیارت می کنید؟». گفتم: نه. فرمود: «در هر ماه، چه طور؟». گفتم: نه. فرمود: «در هر سال، چه؟». گفتم: گاه، چنین می شود. فرمود: «ای سَدِیر چه قدر به حسین علیه السلام جفا می کنید آیا نمی دانی که خدای عزوجل، دو هزار هزار فرشته پریشان غبارآلود دارد که می گریند و زیارت می کنند و خسته نمی شوند. چه می شود ای سَدِیر که قبر حسین علیه السلام را در هر هفته، پنج بار و در هر روز، یک بار، زیارت کنی؟». گفتم: فدایت شوم میان ما و او فرسنگ ها راه است. امام علیه السلام به من فرمود: «به بالای بام خانه ات برو. سپس به راست و چپ، توجه کن و آن گاه، سرت را به سوی آسمان، بالا ببر و به سوی قبر حسین علیه السلام رو کن و بگو: "السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ: سلام بر تو، ای اباعبدالله، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد". برایت، یک زیارت نوشته می شود و زیارت، [معادل] یک حج و عمره است». [سَدِیر گوید: پس از آن،] گاه در یک ماه، بیش از بیست بار، آن را به انجام می رساندم.

زیارت سایر امامان

روایتی از امام صادق (ع) درباره زیارت امیرالمؤمنین (ع) وارد شده است که می فرماید: «مَنْ زَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ فَإِنْ رَجَعَ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ». (وسائل، ج ۱۴، ص ۴۸۰)

صفوان جمّال می گوید: در سفری به همراه امام صادق (ع) وارد کوفه شدیم؛ حضرت فرمود: ای صفوان! بگو کاروان بایستد؛ این جا قبر جدم امیرمؤمنان (ع) است. شتر حضرت را خواباندم؛ ایشان پایین آمده و غسل کردند و لباس های شان را تعویض فرمودند؛ پس کفش های خود را قبل از حرکت از پای درآوردند و به من فرمودند: هرآنچه را که انجام می دهیم، تو نیز تکرار کن. پس به طرف تپه های سفیدرنگی حرکت کردند و به من فرمودند: قَصْرُ خُطَاكَ وَ أَلْقِ دَقْنَكَ نَحْوَ الْأَرْضِ فَإِنَّهُ يُكْتَبُ لَكَ بِكُلِّ خُطْوَةٍ مِائَةُ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ يُمَضَى عَنْكَ مِائَةُ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ تُرْفَعُ لَكَ مِائَةُ أَلْفِ درجَةٍ وَ تُقْضَى لَكَ مِائَةُ أَلْفِ حَاجَةٍ وَ يُكْتَبُ لَكَ ثَوَابُ كُلِّ صَدِيقٍ وَ شَهِيدٍ مَاتَ أَوْ قُتِلَ ثُمَّ مَشَى وَ مَسَّيْتُ مَعَهُ وَ عَلَيْنَا السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ...؛ (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۸۰) قدم هایت را کوتاه بردار و سرت را پایین بیاورد، به درستی که با هر قدمی، صدهزار حسنه برایت نوشته می شود و صدهزار گناه پاک می گردد و رتبه ات صدهزار درجه بالا می رود و ثواب هر صدیق و شهیدی که کشته شده یا از دنیا رفته، برایت نوشته می شود. سپس حضرت پیاده حرکت کردند و من نیز پیاده حرکت کردم و آرامش سنگینی بر ما حاکم بود.

مرحوم شیخ صدوق (ره) در کتاب شریف «ثواب الاعمال» و مشهدی آن را در کتاب «المزار» آورده و سند آن در هر دو مورد صحیح است. متن حدیث چنین است: «قُلْتُ لِلرُّضَا: مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ أَحَدٍ مِنَ الْأَئِمَّةِ، قَالَ: لَهُ مِثْلُ مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ. قُلْتُ: مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ أَبِي الْحَسَنِ؟ قَالَ: مِثْلُ مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ». (ثواب الاعمال، ص ۹۸؛ المزار، ص ۳۲)

عبد العظیم حسنی نقل می کند: قال: سمعت أبا جعفر الثاني (عليه السلام) يقول: «ما زار أبا (عليه السلام) أحد فأصابه أذى من مطر أو برد أو حرّ، إلّا حرّم الله جسده على النار؛ (بحارالانوار ج ۹۹، ص ۳۱، عن أمالي الصدوق: ۶۵۴) شنیدم از امام جواد (ع) که حضرت فرمودند: زیارت نمی کند پدر مرا احدی از مردم که به توسط باران یا سرما یا گرما در این راه اذیت شده است مگر اینکه خداوند متعال بدن او را بر آتش جهنم حرام می کند.

در طول تاریخ بسیاری از بزرگان و فرمانفرمایان و سلاطین جهان به زیارت امام رضا علیه السلام تشریف حاصل کرده اند که معروف تر از همه سفر زیارت شاه عباس کبیر است که به نقل از مطلع الشمس سه مرتبه به زیارت مشهد مشرف شد. در ۲۵ ذیحجه سال ۱۰۰۶ و سال ۱۰۰۸ و سال

۱۰۰۹ بنابر نذری که کرده بود پیاده به مشهد رفت و شیخ بهائی و میرداماد می خواستند شاه را منع کنند که پیاده رفتن موجب آزار شاه نشود گفت استخاره می کنم چون استخاره کرد. این آیه آمد فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی شاه گفت کار مرا مشکل تر کردید که باید با پای برهنه بروم... (عالم آرای عباسی ص ۴۲۵)

پاداش زائران پیاده امام(ع)

پیامبر اکرم 'درباره استحباب پیاده به زیارت رفتن فرموده اند: «مَنْ إِبْرَتْ قَدَمَاهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَرَّمَهَا عَلَى النَّارِ». محقق اردبیلی فرموده است: بدین حدیث شریف نبوی می توان برای چند نمونه پیاده رفتن و پیاده روی استدلال کرد؛ از جمله پیاده روی در حرم، پیاده بودن در نماز میت؛ بلکه در عموم عبادات و پیاده روی در زیارت امام حسین(ع) و غیر آن. (احمد بن محمد مقدس اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، ج ۲، ص ۴۰۸)

پیاده روی در زیارت امامان(ع) در حقیقت انجام سه عبادت است : ۱. زیارت پیشوایان؛ ۲. خضوع و تذلل برای خداوند؛ ۳. بزرگداشت شعائر الهی. بنابراین پیاده روی اجرای مضاعف برای زائران دارد.

پاداش زیارت پیاده امام شهیدان بسیار فراوان است از جمله :

نوید آسمانیان هنگام آمادگی برای زیارت : امام صادق(ع) فرمود: «وقتی یکی از شما لوازم سفر را آماده می کند و برای زیارت آماده می شود، آسمانیان به هم نوید رسیدن زائر را می دهند». (ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۳۷۵)

درود ملائکه و بدرقه و همراهی فرشتگان : امام صادق(ع) فرمودند: «وقتی زائر از منزل بیرون می آید، خداوند چهارهزار فرشته را مأمور سلام و درود بر او می کند تا به دیدار قبر امام حسین(ع) شرفیاب شود». (ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۳۷۵) و در حدیث دیگر فرموده است: «وقتی از خانه به قصد زیارت امام حسین(ع) بیرون می آید، هفتصد فرشته از بالای سر و زیر پا و سمت راست و چپ و پیش رو و پشت سر (شش جهت) او را همراهی میکنند، تا به جایگاه امن خویش بازگردند». (کامل الزیارات، ص ۳۵۱)

هر گام پیاده روی، یک حسنه : حسین بن علی بن ثویر بن ابی فاضه می گوید: امام صادق(ع) به من فرمود: «ای حسین هر کس از خانه خارج شود و آهنگ زیارت امام حسین(ع) داشته باشد، اگر پیاده باشد، هر گامش یک کار نیک شمرده می شود و یک گناه از او بخشیده می شود».

پیاده روی در آفتاب و محو گناهان: امام صادق (ع) فرموده است: «وقتی زائر امام حسین (ع) زیر تابش خورشید قرار می گیرد، گناهانش محو می گردد؛ همان طور که آتش همه را تباه می سازد. تابش آفتاب گناهی برایش باقی نمی گذارد و وقتی بازمی گردد، از گناهان پاک است و به مقامی می رسد که در خون پییدگان در راه خدا نمی رسند». (ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۴۹۶)

هفتاد ملک در حال رنج و عرق برایش تسبیح می گویند: در روایت آمده است: «خدای متعال از هر ذره عرق زائران قبر امام حسین (ع) هفتاد هزار فرشته می آفریند که برای ایشان تسبیح می گویند و استغفار می کنند و تا روز قیامت این کار ایشان ادامه دارد». (محمد بن جعفر مشهدی، المزار الکبیر، ص ۴۱۷)

استقبال ملائکه در کربلا و قرار گرفتن در شمار صالحان: از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «به راستی که چهار هزار ملک در نزد قبر امام حسین (ع) پریشان و غبارآلود مشغول گریه بر امام هستند و بزرگ ایشان فرشته ای به نام منصور است که هر زائری برسد، به استقبال او می روند». (الکافی، ج ۴، ص ۵۸۱) و در روایتی آمده که وقتی به حائر حسینی رسید، نامش در شمار صالحان ثبت می گردد (سائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۳۹) و وارد شده که وقتی مناسک خود را ادا کند، خداوند او را در شمار فائزان ثبت نام می کند (کامل الزیارات، ص ۲۵۳) و در راه بازگشت، تمام گناهانش آمرزیده می شود.

حسین بن علی بن ثویر می گوید: امام صادق (ع) فرمودند: «وقتی زائر قصد بازگشت کند، فرشته ای نزد او می رسد و به او می گوید: من پیام آور خدایم. خداوند سلامت می رساند و میگوید: کار را از سر گیر، زیرا گذشته ها بخشوده شد». (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۳۹)

مدت زیارت، جزو عمر زائر محسوب نمی شود: محمد بن مسلم از امام باقر و صادق نقل می کند که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَوَّضَ الْحُسَيْنِ ع مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْإِمَامَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَ الشَّفَاءَ فِي تَرْبِيَّتِهِ وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ وَ لَا تُعَدُّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ جَائِئاً وَ رَاجِعاً مِنْ عُمْرِهِ»؛ (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۳) خداوند در برابر شهادت، به امام حسین (ع) چنین پاداشی داد: امامت در نسب او، شفا در تربت او، اجابت دعا در نزد قبر او و این که مدت زمان رفت و برگشت زائرانش، جزو عمرشان محاسبه نمی شود.

سید بحر العلوم به قصد زیارت سامرا در حال حرکت بود و در بین راه، درباره این مسئله فکر می کرد که چگونه گریه برای امام حسین (ع) گناهان را می آرمزد! در همان حال، به ناگاه اسب سوار عربی را در کنار خود حاضر دید. ایشان به سید بحر العلوم سلام کرد و فرمود: «جناب سید! شما را در حال فکر می بینم، به چه می اندیشی؟ اگر مسئله علمی است، مطرح بفرمایید، شاید من هم بی اطلاع نباشم.» سید بحر العلوم در جواب گفت: «در این اندیشه ام که چگونه و بر چه اساس، حق تعالی

این همه ثواب به زائران و گریه‌کنان حضرت سیدالشهدا (ع) عطا می‌کند؛ تا جایی که در ازای هر قدمی که زائر او بر می‌دارد، ثواب یک حج و عمره در نامه عملش نوشته می‌شود و در ازای یک قطره اشک بر مظلومیت او تمام گناهان صغیره و کبیره‌اش آمرزیده می‌شود؟! آن مرد عرب فرمود: «از این همه فضیلت برای زائران و گریه‌کنان آن حضرت تعجب مکن! اینک برای شما مثالی می‌آورم تا مشکلات حل شود: سلطانی به همراه خادمین و غلامان خویش به شکار رفت. در صحرا و بیابان به دنبال شکاری افتاد تا جایی که همراهان خود را گم کرد. پس از مدتی سرگردانی، در حالی که گرسنگی و تشنگی بر او غلبه کرده بود، از دور چادر سیاهی را مشاهده کرد. خود را به آن خیمه و چادر رسانید. در آن، پیرزنی را با پسرش دید که در گوشه‌ای از خیمه‌شان بز شیردهی را نگهداری می‌کردند که با مصرف شیر آن، زندگی خود را می‌گذرانند. آن مادر و پسر، با ورود سلطان، با آنکه او را نمی‌شناختند، برای احترام ورود مهمان و اکرام و اطعام او، بز را دوشیدند و آنگاه سرش را بردند و بریان کردند؛ چراکه برای پذیرایی از مهمان‌هایش چیز دیگری نداشتند. سلطان با نوشیدن شیر آن بز و تناول از گوشت کباب شده‌اش، از مرگ حتمی نجات یافت و شب در همان خیمه به استراحت پرداخت. روز بعد، سلطان همراهان خویش را یافت و دستور داد آن پیرزن و پسرش را با احترام و عزت فراوان به بارگاهش آورند. آنگاه وزیران و مشاوران خود را در مجلس عمومی حاضر ساخت و خطاب به آنان گفت: «دیروز در شکارگاه از غلامان خود دور افتادم. تشنه و گرسنه، گرم‌زده و خسته، در بیابان سرگردان شده بودم که به خیمه این پیرزن برخورددم. تمام دارایی این پیرزن و پسرش بزی بود که از شیر آن گذران زندگی می‌کردند. بز را کشتند و کباب کردند و برای من حاضر ساختند، در حالی که مرا هرگز نشناخته بودند. حال بگوئید به این پیرزن و پسرش چه چیزی عطا کنم تا آن محبتشان را تلافی کرده باشم.» یکی گفت: «صد گوسفند به ایشان عطا کنید! یکی از وزیران گفت: صد گوسفند و صد اشرفی به آن‌ها ببخشید!» یکی از حاضران گفت: «فلان مزرعه را به آن‌ها هدیه کنید!» در این حال، سلطان گفت: «بدانید که هرچه به ایشان دهم بازهم کم است؛ چرا که اینان هرچه را داشتند، برای من فدا کردند و من نیز می‌بایست هرچه از سلطنت، ثروت و تاج‌وتخت دارم، به ایشان بدهم تا مقابله به مثل کرده باشم.» بیان آن سید اسب‌سوار به اینجا که رسید، خطاب به سید بحر العلوم فرمود: «جناب بحر العلوم! حضرت سیدالشهدا (ع) هر آنچه که از مال و منال، اهل و عیال، پسر و برادر، دختر و خواهر و سر و پیکر که داشت، همه را در راه خدا فدا ساخت. پس در این حال، اگر خداوند به زیارت کنندگان و گریه‌کنان او آن همه اجر و ثواب عطا نماید، نباید تعجب کرد.» آن تک سوار عرب، چون این مطلب را فرمود، به ناگاه از نظر سید غایب شد. (العبری الحسان، ج ۱، ص ۱۱۹)

اطعام برای سوگواران و عزاداران حسینی

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: **الْبَيْتُ الَّذِي يُمْتَارُ مِنْهُ الْخَيْرُ وَ الْبِرْكَةُ أَسْرَعُ إِلَيْهِ مِنَ الشَّفَرَةِ فِي سَنَامِ الْبَعِيرِ**. (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۶۲)؛ خیر و برکت به خانه ای که در آن اطعام می‌شود، سریعتر از سرعت فرو رفتن تیغ در کوهان شتر می‌رسد.

امیرالمؤمنین علی (ع) چنین می‌فرماید: **فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالاً فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَلْيُحْسِنْ مِنْهُ الضِّيَافَةَ**. (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۲)؛ کسی که خداوند مالی به او عنایت کرد، باید به اقوامش کمک کند، مهمانی شایسته ای برگزار نماید.

امام صادق (ع) درباره ثواب و پاداش اطعام مؤمنان می‌فرماید: **مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا حَتَّى يُشْبِعَهُ لَمْ يَدِرْ أَحَدٌ مِنَ خَلْقِ اللَّهِ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْآخِرَةِ لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ**. (الکافی، ج ۲، ص ۲۰۱)؛ هرکس مؤمنی را اطعام نماید و غذائی بخوراند تا او را سیر کند، هیچ یک از خلق خدا نمی‌تواند ثواب او را بشمارند، نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل؛ مگر خداوند عالمیان.

روزی امام صادق (ع) به یکی از یاران خود به نام ثابت فرمودند: **يَا ثَابِتُ أَمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تُعْتِقَ كُلَّ يَوْمٍ رَقَبَةً؟** ای ثابت آیا توان آزاد کردن برده‌ای را در هر روز نداری؟ ثابت گفت توان این کار را ندارم. حضرت فرمودند: **أَمَا تَقْدِرُ أَنْ تُعْدِيَ أَوْ تُعَشِّيَ أَرْبَعَةً مِنَ الْمُسْلِمِينَ؟** آیا توان اطعام نهار یا شام چهار نفر از مسلمین را نداری؟ ثابت گفت: **أَمَّا هَذَا فَإِنِّي أَقْوَى عَلَيْهِ؛** این کار در توان من هست. آنگاه حضرت فرمودند: **هُوَ وَ اللَّهُ يَعْدِلُ عَتَقَ رَقَبَةٍ**. (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۶۴)؛ به خدا قسم این برابر آزاد کردن برده است.

همان گونه که دادن طعام مستحب است، قبول آن از سوی دوستان و برادران نیز مستحب می‌باشد، حتی اگر تصمیم داریم روزه مستحبی بگیریم، ولی به میهمانی دعوت شدیم، بهتر آن است که دعوت برادرمان را پاسخ‌گوییم و در این هنگام هم ثواب روزه را خواهیم داشت و هم اجر قبول دعوت یک مؤمن را.

امام صادق (ع) می‌فرماید: **الْمُنْجِيَاتُ إِطْعَامُ الطَّعَامِ وَ إِفْشَاءُ السَّلَامِ وَ الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامُ**. (الکافی، ج ۴، ص ۵۱)؛ سه عامل است که انسان را از عذاب آخرت رهایی می‌بخشد: اطعام دادن، سلام کردن و نماز در شب به هنگامی که دیگران در خوابند. اگر در این حدیث دقت کنیم می‌بینیم که «اطعام» قبل از «نماز شب» ذکر شده و این نشان از اهمیت این امر در پیشگاه خداوند کریم دارد.

شخصی به محضر امام صادق (ع) رسید و عرض کرد: **فَمَا لِلْمُنْفِقِ فِي خُرُوجِهِ إِلَيْهِ وَ الْمُنْفِقِ عِنْدَهُ؟** کسی که برای رفتن و زیارت نمودن امام حسین (ع) متحمل هزینه و خرج شده و نیز نزد قبر مطهر

پول خرج کند، چه اجری دارد؟ قَالَ دَرَهُمْ بِأَلْفٍ دَرَهُمْ.؛ حضرت فرمودند: در مقابل هر یک درهمی که خرج کرده، هزار درهم دریافت خواهد نمود. (کامل الزیارات، ص ۱۹۴)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا قُتِلَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ «ص» فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَنْ تَتَّخِذَ طَعَامًا لِأَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَتَأْتِيَهَا وَتُسَلِّيَهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَجَرَتْ بِذَلِكَ السُّنَّةُ أَنْ يُصْنَعَ لِأَهْلِ الْمُصِيبَةِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ طَعَامٌ؛ محاسن/۴۱۹/۲. امام صادق علیه السلام نقل شده است که: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (وقتی جعفر بن ابی طالب شهید شد) امر فرمود به دخترش فاطمه زهراء سلام الله عليها اینکه: به خانه بنت عُمَيس و سایر زنان و اقارب او برود و تا سه روز برای آنان غذا طبخ نماید؛ و از این زمان عزاء به مدت سه روز در بین مسلمین سنت گردید. و (أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَمَّا قُتِلَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ «ص»... فَقَالَ اجْعَلُوا لِأَهْلِ جَعْفَرٍ طَعَامًا فَجَرَتْ السُّنَّةُ إِلَى الْيَوْمِ) لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَبِسَنَ نِسَاءَ بَنِي هَاشِمٍ السَّوَادَ وَ الْمُسُوحَ وَ كُنَّ لَا يَسْتَكِينَنَّ مِنْ حَرٍّْ وَ لَا بَرْدٍ وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْمَلُ لَهُنَّ الطَّعَامَ لِلْمَأْتَمِ؛ محاسن/۴۲۰/۲) امام زین العابدین (ع) وقتی خانم‌های بنی‌هاشم سیاه می‌پوشیدند و عزاداری می‌کردند تمام ایام عزاداری امام زین العابدین (ع) اطعام می‌کردند.

اگر کسی پرسید فلسفه این اطعام چیست؟ بگویید امام زین العابدین (ع) برای بانوانی که در مدینه برای اباعبدالله الحسین (ع) عزاداری می‌کردند غذا تهیه می‌کردند که اینها وقت خودشان را صرف عزاداری کنند. اتفاقاً در روایت نوشته است که این عزاداران روز و شب و گرما و سرما نمی‌شناختند.

در مسیر بیش از ۸۵ کیلومتری

در مسیر بیش از ۸۵ کیلومتری حرم امیرالمومنین (ع) تا حرم ابا الفضل العباس (ع) هر ۵۰ متر تیرک چراغی وجود دارد که بر روی آن شماره ای نصب شده است. مجموع این ۱۴۵۲ تیرک بهترین مقیاس برای تعیین میزان مسیر طی شده توسط افرادی است که به سمت کربلا پیاده می‌روند.

این جمعیت میلیونی که هرساله از سراسر جهان در کربلا گردهم آمده و مردمان این سرزمین چه مهمان‌نوازانی هستند و چه زیبا از زائران امام حسین (ع) پذیرایی می‌کنند؛ به گونه ای که هیچ زائری بدون پذیرایی نخواهد ماند و در این خصوص نگرانی ندارد. بسیاری از ساکنان این سرزمین مقدس، خودشان تمکّن مالی چندانی ندارند و در زندگی خویش با مشکلاتی مواجه هستند؛ اما اینان در طول سال، مقداری از پولشان را برای زائران اربعین ذخیره کرده و در این روزها از مهمانان ویژه ابی‌عبدالله پذیرایی می‌کنند.

تهران - الکوثر: معنی لغوی موکب دسته، حرکت دسته جمعی، راهپیمایی، کاروان، قافله، مسیر است. در مسیر زائران موکب‌ها و خیمه‌های فراوانی برای پذیرایی برپا شده است که صحنه‌های بسیار زیبایی را خلق می‌کنند. اکثر مردم قبایل و عشایر مختلف در این مسیر خیمه و چادر برپا کرده و با تمامی دارایی خود حتی به اندازه قرص نان یا با شستن پای زائران به مردم خدمت می‌کنند و این خدمت را برای خود افتخاری بزرگ می‌دانند. در طول مسیر علاوه بر موکب‌ها و خیمه‌های کوچک، خیمه‌های بزرگ و درمانگاه‌هایی وجود دارد که برای استراحت و درمان مناسب‌تر هستند.

در مسیر اصلی پیاده روی زائران حسینی که ۸۲ کیلومتر طول دارد موکب‌های فراوانی برای پذیرایی از زائران وجود دارد که مهم‌ترین آنان موکب ستاد بازسازی عتبات عالیات، موکب‌های امام رضا(ع)، موکب شیعیان عربستان، موکب شباب قاسم، موکب مضیف حضرت عباس(ع) و موکب مدینه الزائرین است که علاوه بر آنان اهالی هر منطقه‌ای که در مسیر پیاده روی زائران قرار دارند نیز مبادرت به برپایی موکب کرده‌اند و با ارائه خدمات رفاهی زائران را در طی طریق به سمت کربلای معلی یاری می‌کنند.

کتاب می‌خوانیم: «تبلیغات موکب‌ها برای جذب میهمانان شگفت‌آور است. هر کسی به زبانی تلاش می‌کند تا صبحانه را در موکبش صرف کنی. بعضی‌ها راه را بر تو می‌بندند و به التماس کشان کشان به سمت سفره خانه موکبشان هدایت می‌کنند؛ «هله بزوار ابا عبدالله هله»؛ خوش آمد به زائران امام حسین (ع)... در مقابل موکب‌ها، بزرگان محله روی صندلی‌های معمولی به ردیف نشسته‌اند و آنها به استقبال و اکرام و اجلال زائران افتخار می‌کنند. کم و کاستی‌ها را گوشزد، و جوانان موکب را به خوش رفتاری و مهمان‌نوازی تشویق می‌کنند». (کتاب «هروله تا عرش» صفحه ۳۸ مجموعه خاطرات یک زائر پیاده از مهران تا کربلاست، که توسط خداداد ابراهیمی تألیف شده)

به گزارش «نسیم آنلاین»، با وجود شلوغی بسیار زیاد در مرز مهران و زمان زیاد برای عبور از آن، وقتی وارد خاک عراق می‌شوی، نخستین موکب عراقی از آن بسیج مردمی (الحشد الشعبي) است؛ رزمندگان بسیج مردمی عراق همانگونه که دلاورانه در حال نبرد با گروهک تروریستی - تکفیری داعش هستند، با تلاش و مهمان‌نوازی ویژه از زائران، با غذا، آب و چای پذیرایی می‌کنند. پس از پذیرایی عراقی‌ها در مرز، زائران باید حدود ۵۰۰ متر تا یک کیلومتر خود را به محل توقف خودروهای مسافرکش عراقی برسانند. اتوبوس‌های عراقی، ون‌ها و خودروهای شخصی آماده انتقال زائران به شهرهای مقدس نجف، کاظمین و کربلا هستند. رسیدن به نجف بدلیل ترافیک و وجود محل‌های ایست و بازرسی حدود هشت ساعت زمان می‌برد؛ البته برای رسیدن به کربلا این میزان کمی بیشتر می‌شود. «بدره» با مردمی مهمان‌نواز، نخستین شهری است که زائرانی ایران از مرز

مهران وارد آن می‌شوند؛ افراد فعال در موکب‌های این شهر وقتی خودروهای زائران ایرانی را مشاهده می‌کنند با مسدود کردن راه آنها، به سرعت غذا، آب و چای به آنها می‌رسانند و از زائران دعوت می‌کنند تا از خودروها پیاده شده و در موکب‌ها پذیرایی شوند، اما زائرانی ایرانی ترجیح می‌دهند که در خودرو پذیرایی شده تا زودتر به نجف، کربلا یا کاظمین برسند. در ادامه مسیر برای رسیدن به شهر نجف اشرف، شهرهای کوت و دیوانیه و ده‌ها روستا را مشاهده می‌کنی که مردمان آن نیز در مهمان‌نوازی مثال‌زدنی هستند. در نزدیکی‌های کوت برای اقامه نماز مقابل یکی از موکب‌ها می‌ایستیم و به همراه همراهان نماز مغرب و عشا را بجا می‌آوریم؛ بعد از نماز، عراقی‌ها به سرعت سفره اطعام را پهن کرده و اجازه ندادند زائران بدون صرف غذا از موکب خارج شوند؛ پس از صرف شام، سینی بزرگ شیرینی بامیه عراقی به همراه سینی چای آماده بود؛ مسوول موکب می‌گفت که زائران باید از بامیه خورده و چای عراقی برای رفع خستگی بنوشند. سرانجام پس از یک ساعت پذیرایی کریمانه موکب عراقی، راهی نجف اشرف شدیم؛ در بین راه با توجه به ترافیک موجود، کودکان عراقی را مشاهده می‌کردیم که با زبان شیرین خود زائران را به صرف شام و چای دعوت می‌کنند. از مرز زرباطیه (مهران) تا نجف در حدود هشت ساعت طول کشید و در بین راه، بارها کودکان و جوانان عراقی با آب و چای از زائران حسینی پذیرایی کردند. زائران به هنگام ورود به شهر نجف به دلیل محدودیت ترافیکی، مجبور شدند از خودروها پیاده شده و به سمت حرم مطهر امیرالمومنین علی(ع) حرکت کنند. در این مسیر نیز موکب‌های عراقی با این حال که ساعت از نیمه شب گذشته بود در حال خدمت‌رسانی به زائران حسینی و علوی بودند؛ در مقابل خانه یک عراقی، دختر بچه کوچکی حدود هفت ساله در کنار یک پیرمردی که سینی لیوان شیر در دست داشت، ایستاده بود؛ آنها در حد توانشان از زائران پذیرایی می‌کنند. موکبی در نجف اشرف، پریزهای متعددی تعبیه کرده تا زائران اربعین به راحتی بتوانند وسایل الکترونیکی خود را شارژ کنند. پس از اقامت دو روزه در نجف اشرف و زیارت مرقد مطهر امیرالمومنین علی(ع) به سمت کربلا، دیار عاشقان رهسپار شدیم. راه حدود ۸۲ کیلومتری نجف به کربلا مملو از موکب‌های عراقی و ایرانی است. آمار دقیقی از موکب‌های مسیر نجف به کربلا وجود ندارد اما می‌توان گفت که صدها موکب عراقی در این مسیر مستقر هستند و از زائران حسینی پذیرایی کریمانه می‌کنند. در شهر مقدس کربلا نیز قدم به قدم موکب عراقی در حال پذیرایی از زائران حسینی هستند؛ وقتی که در خیابان‌ها و کوچه‌های کربلا به سمت حرم مطهر سیدالشهدا(ع) و حضرت ابوالفضل(ع) قدم برمی‌داری، کودکان و نوجوانانی را می‌بینی که دست زائران حسینی را گرفته و از آنها خواهش می‌کنند تا در

موکب آنها پذیرایی شوند و به گونه ای با التماس زائران را برای پذیرایی در موکب خود دعوت می کنند که انسان از کرامت آنها شرمنده می شود.

وقتی رسیدیم به موکب انگار دنیا را بهمان داده بودند. خستگی و گرما امانمان را بریده بود. رفتیم داخل و افتادیم. کمی که نشستیم، یکباره حس کردیم همه چیز عجیب و غریب است انگار. مثل اینکه داشتیم خواب میدیم. همه تعجب کرده بودند از تمیزی و زیبایی آنجا. تمیزی همه چیزش. حتی لیوان ها و بشقاب ها و... صاحب موکب هم که مرد میانسالی بود، آرام و قرار نداشت و مثل پروانه دور بچه ها میگشت. کلی راه آمده بودیم. تشنه بودیم و توی آن هوای گرم، آبمیوه ها بدجوری چشمک می زدند... چند لیوان آبمیوه را با سلیقه، کنار هم چیده بودند توی یخچال. بچه های گروه باورشان نمی شد آبمیوه ها مجانی باشد. گفتند: راه بیفتیم، اینجا پولیه! بیاید بریم جای دیگه یه جرعه آب بخوریم اقلاً. یکی با ناامیدی از صاحب موکب پرسید: فلوس؟ فلوس؟ کم قیمه؟ (قیمتش چند است؟) صاحب موکب خشکش زد. انگار برای او که با تمام عشقش داشت کار می کرد شنیدن این حرف خیلی گران تمام شده بود. رنگ به رنگ شد. بعد، بی معطلی از جیبش اسکناسی درآورد! بجای دستمال گذاشت زیر یکی از لیوان های آبمیوه و در حالیکه به سختی می خواست فارسی صحبت کند، با همان لهجه غلیظ عربی گفت: بفرما... یا حسین (علیه اسلام).. صلوات بفرست. کیوان امجدیان. (کتاب "ستون هزار و چهارصد و پنجاه و دو" نشر فرآهنگ اندیشه)

بر پرچمی بر روی چادر موکب فدیة الحسین نوشته بودند: «لو تمطر دواش هم نزور حسین» به این مضمون که اگر داعشی های آدم کش همچون باران بر ما بریزند، دست از زیارت امام حسین بر نمی داریم. این زیارتی است که در بسیاری از موارد، زائرانش جانشان را از دست داده اند.

بر پرچمی در موکب طریق الشهاده نوشته بودند: لو قطعوا ارجلنا و الیدین - نأٹیک زحفاً سیدی یا حسین. اگر دست و پای ما را قطع کنند، با سینه خیز به سوی می آئیم ای آقایم، ای امام حسین! برپاکنندگان موکب خدام علی الأكبر نجف اشرف، این ابیات را نوشته بودند: تمشی إلیک توسلا خطواتی - و أعدھا إذ أنھا حسناتی - و وددت لو أن الطریق لکربلاء - من مولدی سیرا لحین مماتی - لأنادی فی یوم الحساب تفاخرا - أفنیت فی حب الحسین حیاتی. بسوی تو گام بر می دارم و آنها را به عنوان حسناتم می شمارم. دوست داشتم اگر سیر در راه کربلا از زمان تولد تا مرگ ادامه داشت، در روز قیامت با افتخار ناله سر دهم که تمام عمرم را در محبت به امام حسین گذراندم.

درموکبی نوشته بودند: «لا تسألنی ابن من، والأهل أین، هاک اسمی خادماً عند الحسین.» مضمونش این است که از اسمم و نام پدرم و اهلیم نپرسید؛ من خادم درگاه حسینم. این اکرام و اطعام را نه از باب صدقه ای به فقیری، بلکه از باب پذیرائی از عزیزترین مهمان، انجام می دهند. نه تنها در این

خدمت منتهی بر کسی نمی نهند، بلکه منت دیگران را برای قبول این خدمت می پذیرند و این کار را مایه افتخار و شرف خود می دانند. بر بسیاری از موکب ها می دیدی که این مضمون را نوشته اند. بر موکب طریق النجاة، متعلق به عشیره خفاجه نوشته بود: حب الحسین هویتنا و خدمه زوار الحسین شرف لنا . محبت به امام حسین (ع) هویت ماست و خدمت به زوار آن حضرت مایه شرافت ماست.

بر موکب خدام سفیر الحسین نوشته بودند: کل الخدم تنهان شفناه بالعین - بس بکرامة تعیش خدام الحسین . به تجربه یافته ام که همه خدمتکاران خوار می شوند، جز خدمت گزاران امام حسین (ع) که با عزت و کرامت زندگی می کنند.

در جایی نوشته بودند: حب الحسین یجمعنا دوما خادم الحسین . عشق به امام حسین ما را به عنوان خادمانش گرد هم می آورد.

موکب سبایا نینوا اهالی الموصل شعارشان این بود که: «والله لن تمحو ذکرا و لن تمیت وحینا». آیا امثال داعش می توانند بر چنین ملتی حکومت کنند! (منبع: وبسایت محمد فنائی اشکوری) زائر معلول از ناصریه: تک و تنها توی مسیر دیوانیه به السنیه دیدیمش، ازش پرسیدیم خسته نمیشی؟ گفت همه با پاهاشون میرن و خسته میشن؛ منم دستام توی این راه خسته میشه، گفت: ۱۱ ساله از شهر ناصریه با ویلچرم میرم سمت کربلا، این مسیر طولانی رو ۶ روزه با ویلچرم طی میکنم تا برسم کربلا، این حسین کیست که عالم همه دیوانه ی اوست ... (نویسنده: روح اله کرمی راد)

گاهی از پیاده ها می پرسیدیم که آیا احتمال نمی دهید که انفجاری در مسیر پیاده روی رخ دهد؟ آیا از اینگونه خطرات بالقوه نمی ترسید؟ چه اصراری دارید که در این برنامه شرکت کنید؟ جوابشان خیلی ساده و زیبا بود، اکثراً یک جواب می دادند و فقط یک شعر برآیمان می خواندند؛ لو قطعوا ازجلنا و الیدین - نأتیک زحفاً سیدی یا حسین . اگر پاها و دست هایمان را قطع کنند / با حالت سینه خیز خود را روی زمین می کشیم و به سمت تو می آئیم و به تو لبیک می گوئیم ای سید و مولای ما؛ ای حسین.

در کنار موکب دختر جوانی را همراه یک پیرمرد شکسته دیدیم و توجه مان به ایشان جلب شد. نشسته بودند روی صندلی های پلاستیکی کنار موکب و استراحت می کردند. دختر یک پا نداشت و دو عصا به جای یک پای نداشته در دستانش بود! به نظر می آمد که همین خسته اش کرده و نشسته اند اینجا تا رفع خستگی کند. ما هم گوشه ای کمین کرده بودیم تا این استراحت تمام شود و بلند شود و راه برود و ما از این راه رفتن فیلم بگیریم. خیلی گذشت ولی از جایشان بلند نشدند. شاید اگر

همینطور می‌گذشت بی خیال می‌شدیم اما گویی نیرویی نگه‌مان داشت. پیرمرد و دختر کم‌کم متوجه‌مان شدند و توقع داشتیم که خیلی از اینکه زیر نظر داریمشان خوشحال نشوند ولی همین که فهمیدیم اینگونه نیست نزدشان رفتیم. اول کار فقط می‌خواستیم از راه رفتن دختر چند ثانیه بگیریم و قصدمان از اول مصاحبه نبود ولی قسمتمان که بود! خود به خود به این کشیده شدیم. از پیرمرد پرسیدیم از کجا می‌آئید؟ خواست جوابی بدهد ولی دیدیم صدایی از دهانش بیرون نمی‌آید! متعجب ماندیم، با زحمت و بسیار ضعیف سخنی می‌گفت و سپس دختر کلامش را تکرار می‌کرد. دختر گفت از بصره می‌آئیم، پرسیدیم چند روز است که در جاده و بیابانید و گام بر می‌دارید؟ گفت چهارده روز! پرسیدیم سوار بر ماشین هم بوده اید؟ قاطع گفتند لا! ماشیاً، بالاقدام! وا ماندیم ناگهان! الله اکبر، آن پیرمرد با آن وضع و این دختر با این حال ۱۶ روز پیاده در جاده و اکنون فقط چند کیلومتر تا کربلاء... از حال دختر پرسیدیم گفت سال اول پیاده‌روی بعد از صدام (که هنوز البته امنیت مانند الآن نبود) در مسیر پیاده‌روی بمبی منفجر شد و پای من را هم با خودش برد. از حال پدرش پرسیدیم گفت ایشان سال‌ها در زندان صدام بوده و صدامیان لوله اسلحه را روی گلویش گذاشته‌اند و مستقیم به آن شلیک کرده‌اند و دیگر حنجره ندارد! پیرمرد سرش را بالا گرفت و آنچه که دیدیم دلمان را به درد آورد! سوراخی به اندازه یک مرمی فشنگ در میان گلویش به عمقی که انتهایش را نمی‌دیدیم. آن انفجار، این پای نداشته و آن عصاها، دوری راه، سن بالای پیرمرد و گلوئی شکافته‌ای که صدایی از آن بیرون نمی‌آمد، هیچ یک باعث آن نبود که عاشقانه، با پای پیاده به جاده و بیابان زنند و راه نپیمایند. آخر مگر عشق این چیزها می‌داند؟ آن هم عشق به حسینی قبله قلوب تمام ائمه و اولیاء و سرچشمه لطف‌های بیکران به محبانش است. و به یقین این عشق، تفسیر بیان زیبای رسول‌الله است که فرمود آتش عشق حسینم، هرگز در دل شیعیان سرد نخواهد شد. جانم به قربان این حسین... (از خاطرات یک مستند ساز از پیاده روی اربعین ۱۴۳۳)

در میان سیل انبوه زائرین، کودکی عراقی در حالی که عکس رهبر معظم انقلاب را به سینه داشت در حال توزیع آب معدنی بود. وقتی که کارتن آبش خالی شد به سراغش رفتیم و گفتگویی کوتاهی را با حیدر داشتیم. پرسیدم: اسمت چیه؟ گفت: حیدر، اهل کجائی؟ گفت: نجف، کلاس چندمی؟ راهنمائی، چرا عکس آیت‌الله سید علی خامنه‌ای رو زدی رو سینه‌ات؟ علاقه دارم به ایشان، همان لحظه رفیقش رسید و گفت چی می‌گویدی به هم؟ گفتیم: عکس آیت‌الله سید علی خامنه‌ای رو دیدم خوشحال شدم... گفت: ما اعتقاد داریم ولایت فقیه خیلی خوبه... مات و مبهوت خداحافظی کردم ازش... مرحبا به این معرفت... (مصاحبه از روح‌الله کرمی راد منبع: مکتب اربعین حسینی)

در کل این مسیر دو طرف آن چادر و ایستگاه های صلواتی وجود دارد و پشت این موکب ها روستاهایی هستند که عراقی ها در آن زندگی می کنند. برای خوابیدن در مسیر دو جا را می شود انتخاب کرد. یکی خانه های اطراف است که صاحب خانه ها در لب جاده می ایستند و به اندازه جایی که دارند زائران را با خود به خانه می برند و جایی دیگر حسینییه ها و چادرهایی است که در راه وجود دارد و می توان در آن اسکان گرفت و نکته ای که در خصوص حسینییه ها وجود دارد این است که قبل از غروب آفتاب برای اسکان گرفتن باید اقدام کرد در غیر این صورت حسینییه ها و چادرها پر می شود و سخت می شود که جایی را پیدا کرد. (منبع: خبرگزاری میزان)

حکایات زیارت امام حسین علیه السلام

اسم نصرانی درلیست زائرین: مرحوم علامه نوری از عالم بزرگوار و متقی و معدن علم و فضل، شیخ المشایخ شیخ جواد و او از پدر بزرگوارش عالم متقی شیخ حسین نجفی نقل می کند: مردی نصرانی در بصره تجارت داشت سود بسیار از بازرگانی به دست آورد، به طوری که بصره را برای سکونت و تجارت خود مناسب ندید. همکاران و دوستانش برای او نوشتند به بغداد بیا، بصره برای تو سزاوار نیست. ناگزیر اموال خود را گرد آورده، به سوی بغداد حرکت کرد تا بتواند به کسب خود ادامه دهد. در راه دزدان به وی حمله کردند و اموالش را چپاول نمودند. تاجر بینوا با دست خالی و پای پیاده خود را به یکی از بادیه نشین ها رسانیده و به عنوان مهمان بر آن ها وارد شد. کم کم با اهل قبیله مأنوس گردید، و در تغییر مکان با آن ها همراه، و در کار و شغل زراعت با آن ها همکاری می نمود. پس از مدتی با خود گفت: گویا من بر این مردم تحمیل شده ام. لذا روزی با جوانان و رفقا اندیشه خود را به میان گذاشت. به او گفتند: مطمئن باش تو بر ما تحمیل نشده ای. زیرا بودجه روزانه معینی برای خوردن و آشامیدن میهمانان منظور است، و با بود و نبود تو تغییری در آن داده نمی شود، آسوده باش. تا این که عده ای از آن ها قصد زیارت ائمه (علیهم السلام) کردند و جهت توشه راه، گندم و خرما تهیه کردند، این نصرانی هم شوق زیارت پیدا کرد و گفت: از تنهایی در اینجا خسته می شوم، اگر مانعی ندارد مرا هم با خود ببرید تا کمکی برای شما باشم. لذا آن نصرانی را هم با خود بردند. از توشه آن ها می خورد و مواظب ااث آن ها بود، تا به نجف اشرف وارد شدند، زیارت کرده سپس عازم کربلا شدند. ایام عاشورا بود، چون داخل کربلا شدند، همه کربلا پر از ماتم و شور و گریه بود. کنار صحن منزل کردند و اثاثیه خود را پیش نصرانی گذاشتند و به او گفتند: همین جا بمان تا فردا بعد از ظهر ما نزد تو می آییم. شب عاشورا بود، نصرانی در آنجا ماند. چون مقداری از شب گذشت، سه بزرگوار دید که از حرم خارج شدند، یکی از آن ها به دیگری فرمود: نام زائرانی را که در این شهر آمده

اند در دفتر مخصوص ثبت کن. آن دو نفر جدا شدند و رفتند، مدتی گذشت و برگشتند و صورت اسامی را تقدیم آقا نمودند. آقا نگاهی به دفتر کرد و فرمود: هنوز از افراد زائر باقی مانده است. دوباره رفتند و برگشتند و گفتند: کسی باقی نمانده است. آقا فرمود: باز هم لیست کمبود دارد، آن را کامل کنید. برای سومین بار به همه جا مراجعه کردند، برگشتند و گفتند: هیچ کس باقی نمانده است مگر این مرد نصرانی. فرمود: چرا اسم او ننوشته اید؟ «أَلَيْسَ قَدْ حُلَّ بِسَاحَتِنَا؛ آیا او در حریم ما وارد نشده است؟» [دارالسلام: ج ۲، ص ۱۴۴] پس آن نصرانی از خواب کفر بیدار شد و نور ایمان در دلش تابید، و خداوند عوض اموال دنیوی نعمت‌های اخروی به او لطف فرمود.

چاووشی برای زوار: از فاضل صالح شیخ حسن مازندرانی نقل می‌شود که در مجلس بحث شیخ الفقهاء صاحب جواهر بودم که ایشان فرمود: دیشب در خواب دیدم مجلس بزرگی برپاست و در آن مجلس بسیاری از علماء حاضرند و دربان‌ها ایستاده اند. من اجازه خواستم و داخل شدم، دیدم همه علماء گذشته تشریف دارند، و در صدر مجلس علامه مجلسی نشسته است. از این‌که ایشان بر همه مقدم بودند تعجب کردم، علت آن را از نگهبانان پرسیدم، گفتند: علامه مجلسی نزد ائمه (علیهم‌السلام) به «باب الاثمه» معروف است، و این مقام و منزلت را به خاطر اینکه چاووشی برای زوار مرسوم نموده به او داده اند. مرحوم نوری می‌فرماید: با رایج شدن چاوش، مردم به زیارت ائمه (علیهم‌السلام) تشویق و ترغیب می‌شوند. و ممکن است مراد تألیفات آن بزرگوار باشد که موجب نشر احادیث و آثار اهل بیت (علیهم‌السلام) و مردم به سوی خاندان عصمت راه یافتند. [دارالسلام: ج ۲، ص ۲۴۴]

زیارت عاشورا خواند اولاددار شد: مرحوم شیخ علی اکبر سعیدی که از بزرگان یزد بود نقل می‌کرد: یک دختر زرتشتی اسلام آورد، و با مرحوم حاج ابوالقاسم بلور فروش ازدواج کرد، حدود بیست سال گذشت، بچه دار نمی‌شد به او پیشنهاد شد زیارت عاشورا بخواند، این زن مسلمان شده چهل روز زیارت عاشورا را با صد لعن و سلام و دعای علقمه خواند، خداوند به او اولاد پسری عنایت کرد.

زیارت عاشورا به نیابت امام امام زمان عج: مرحوم آیت الله شیخ علی اکبر نهانندی نقل می‌کند که: سید جلیل سید احمد اصفهانی معروف به خوشنویس، برایم نوشت که در روز جمعه در مسجد سهله در حجره نشسته بودم، ناگاه سید بزرگوار و معممی بر من داخل شد، به آنچه در زاویه حجره - یک فرش و تعدادی کتاب و ظرف - بود نظر کرد و فرمود: برای حاجت دنیا تو را کفایت می‌کند، تو هر روز صبح به نیابت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زیارت عاشورا می‌خوانی، بقدری کفایت معیشت هر ماهت را از من بگیر که اصلاً محتاج به احدی نباشی، و قدری پول به من داد و گفت: این کفایت یک ماه تو را می‌نماید و رو به در مسجد رفت. و من به زمین چسبیده بودم و زبانه بند آمده

بود و هر چه خواستم سخن بگویم و یا برخیزم نتوانستم، تا آن سید خارج شد، همین که بیرون رفت گویا قیودی از آهن بر من بود باز شد، پس برخاستم از مسجد خارج شدم، آنچه جستجو کردم اثری از آن آقا ندیدم. [عیقری الحسان: ج ۱، ص ۱۱۳]

زیارت امام حسین بدعت است: از سلیمان اعمش نقل شده که گفت: همسایه ای داشتم که با او رفت و آمد می کردم. شب جمعه ای پیش او رفتم و درباره زیارت امام حسین (علیه السلام) سؤال کردم، آن شخص گفت، بدعت است و هر بدعتی گمراهی و هر گمراهی در آتش است. سلیمان گوید: با غیض و غضب از کنار او برخاستم و با خود گفتم: سحر پیش او می روم و برخی از فضایل حضرت حسین (علیه السلام) را برای او نقل می کنم، اگر بر عناد خود اصرار ورزید، او را می کشم. هنگام سحر سراغ او رفتم، درب خانه اش را کوبیدم و او را با نام صدا زدم، همسرش گفت: شوهر به زیارت امام حسین (علیه السلام) رفته است. سلیمان گوید: دنبال او به زیارت آن حضرت رفتم، چون داخل حرم شدم او را در سجده دیدم که گریه می کند، و مشغول توبه و استغفار است. بعد از مدتی طولانی سر از سجده برداشت. به او گفتم: تو دیشب منکر زیارت امام حسین (علیه السلام) بودی و آن را بدعت می دانستی، اکنون خود به زیارت آمده ای؟! در جواب گفت: ای سلیمان، مرا ملامت نکن. من تا دیشب ائمه (علیهم السلام) را قبول نداشتم، اما خوابی دیدم که مرا به وحشت انداخت: مردی جلیل القدر را - با قامتی متوسط که از بزرگی جلالت و جمال و کمال قادر بر توصیف او نیستم - دیدم که گروهی اطراف او بودند، و در کنارش بزرگواری بود که تاجی بر سر داشت. از یکی از خدام پرسیدم: این ها چه کسانی هستند؟ گفت: این محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و آن دیگری علی مرتضی (علیه السلام) - وصی او - است، با دقت نگاه کردم ناقه ای از نور - که بین زمین و آسمان در حرکت بود - دیدم که بر او هودجی از نور بود و در آن دو زن نشسته بودند. گفتم: این ناقه از کیست؟ گفت: از خدیجه کبری و فاطمه زهرا (سلام الله علیهما) است. گفتم: این جوان کیست؟ گفت: حسن بن علی (علیه السلام) است. گفتم: به کجا می روند؟ گفت: به زیارت سیدالشهدا حسین بن علی (علیهما السلام) که در کربلا مظلوم شهید شده است. آن گاه خواستم به جانب هودجی که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در آن بود، بروم، دیدم رقعه هایی از آسمان فرو می ریزد. پرسیدم: این رقعها چیست؟ گفت: در این رقعها نوشته: «امان من الله لزوار الحسین (علیه السلام) ليله الجمعة؛ امان است از جانب خداوند برای زائرین امام حسین (علیه السلام) در شب جمعه». من هم از آن رقعها درخواست کردم. گفت: تو می گویی زیارت بدعت است، به تو داده نمی شود، تا معتقد به فضل و شرف آن بزرگوار باشی و به زیارت او بروی. (ناگاه هاتفی ندا کرد: آگاه باشید که ما و شیعیان ما در درجه عالی ای از بهشت هستیم). پس با ترس و وحشت بیدار شدم و در همان ساعت اراده

زیارت سید خودم امام حسین (علیه السلام) نمودم و اکنون به سوی پروردگار توبه می‌کنم. سوگند به خدا ای سلیمان، تا زنده‌ام زیارت آن حضرت را ترک نخواهم کرد. [دارالسلام: ج ۱، ص ۲۴۵ - نجم الثاقب: ص ۲۷۷]. به نقل از مزار ابن المشهدی و منتخب طریحی، بحارالانوار: ج ۱۰۱، ص ۵۸ به نقل از مزار کبیر]

من با این ذلت و خواری دیگر به کربلا نمی‌روم؟ : مرحوم آخوند ملا عبدالحمید قزوینی گوید: در طول مدت مجاورتم زیارت مخصوصه حسینیّه را مداومت نموده‌ام. مگر آن ایام که تصمیم گرفتم چهل شب در مسجد سهله بیتوته کنم، همه آن‌ها را پیاده و غالباً از بیراهه می‌رفتم، و معمولاً در ایوان اطاق‌های صحن مطهر و یا در خود صحن یا توابع آن منزل می‌نمودم، چون بضاعتی نداشتم قادر بر پرداخت کرایه منزل نبودم. اتفاقاً روزی به اراده کربلا بیرون رفتم، چون به بلندی وادی السلام رسیدم، جمعی از اعیان را دیدم که برای مشایعت آقازاده‌ای بیرون آمده‌اند، پس او را با کمال احترام سوار کجاوه کردند، و دعای سفر در گوش او خواندند و قدری با او همراه شدند، و او با نوکر و لوازم سفر روانه گردید. چون این را دیدم و ذلت خود را مشاهده کرد، ملول و خجل شدم، و تصمیم گرفتم دیگر این‌گونه با ذلت و خواری به زیارت نروم، چون برگشتم بر همان اراده بودم. تا آنکه وقت زیارت مخصوصه رسید، چند نفر از طلاب از من خواستند با آن‌ها به زیارت بروم. من قبول نکردم و گفتم: کرایه مسافرخانه ندارم و پیاده هم نمی‌روم. گفتند: تو همیشه پیاده می‌رفتی! گفتم: دیگر نمی‌روم. گفتند: این دفعه که ما اراده پیاده رفتن داریم بیا که ما از راه باز نمایم، بعد خود می‌دانی. بعد از اصرار، توشه راه خریدند و روانه شدیم. فردای آن روز، روز زیارت بود. صبح بیرون رفتیم تا ظهر در کاروانسرای شور بخوابیم و در شب به کربلا برسیم. کاروانسرا مخروبه بود و هوا هم گرم و کسی نبود، به علاوه در آنجا خوف دزد هم بود. پس از صرف غذا خوابیدیم. من از همراهان زودتر بیدار شدم. و آفتابه برداشته برای وضو رفتم. در اثنای وضو که مشغول مسح پا بودم شخصی را دیدم در لباس اعراب، پیاده از در کاروانسرا داخل گردید، و با سرعت به نزد من آمد. گمان کردم دزد است، لکن نترسیدم چون چیزی با خود نداشتم. نزدیک آمد و متوجه من شد و گفت: ملا عبدالحمید قزوینی توهستی؟ چون بدون سابقه آشنایی نام مرا برد تعجب کردم گفتم: آری منم. گفت: تویی که گفتمی من با این ذلت و خواری دیگر به کربلا نمی‌روم؟ گفتم: آری، گفت: اینک آماده شو که مولای تو حضرت ابوالفضل و آقای تو حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) به استقبال تو آمده‌اند، که قدر خود را بدانی و به زرق و برق بی‌اعتبار دنیا افسرده و مهموم نگردی. چون این سخن را شنیدم مات و مبهوت شدم که او چه می‌گوید: ناگاه دو نفر سوار با شمایل آن بزرگوار که شنیده و در کتب اخبار و متقل خوانده بودم دیدم، با آلات و اسلحه حرب، حضرت ابوالفضل

(علیه السلام) در جلو و علی اکبر (علیه السلام) از پشت سر، از در کاروانسرا داخل صحن گردیدند. چون این واقعه را دیدم، بی اختیار خود را از بالای صدفه پایین انداختم، دویدم خود را به پای اسبهای ایشان انداختم، بوسیدم، و به دور اسبهای ایشان گردیدم، و زانو و رکاب و پایشان را می بوسیدم. با خود گفتم: خوبست رفقا را هم بیدار کنم تا به خدمت آن دو فرزند حیدر کرار (علیه السلام) برسند، پس با سرعت به نزد ایشان رفتم و یکی را با دست حرکت دادم و گفتم: ملا محمد جعفر برخیز که حضرت عباس و علی اکبر (علیهما السلام) به استقبال آمده اند. بیا به خدمت ایشان شرفیاب شو. ملا محمد جعفر چون این سخن را شنید گفت: آخوند چه می گویی؟ شوخی می کنی! گفتم: نه والله! راست می گویم. بیا بین هر دو تشریف دارند. چون این حالت و اصرار را از من دید دانست که چیزی هست، برخاست، چون رفتیم کسی را ندیدیم، و از در کاروانسرا هم بیرون رفته، اطراف صحرا را که هموار بود و تا مسافت بسیار دور دیده می شد مشاهده کردیم، اثری یا غباری از آن پیاده و دو سوار ندیدیم. پس متأسف و متحیر برگشتیم. از عزم و اراده سابق نادم شدم و توبه کردم و تصمیم گرفتم که هرگز زیارت آن مظلوم را ترک نکنم، اگر چه از نظر ظاهر بر وجه ذلت و زحمت باشد. [دارالسلام عراقی: ص ۴۴۸. خلاصه از واقعه هفتم]

زیارت گروهی از آسمان: از حضرت ابی عبدالله (ع) شنیدم که فرمودند: مساحت قبر حسین بن علی صلوات الله علیهما بیست ذراع در بیست ذراع بوده و آن باغی است از باغ های بهشت و از آنجا فرشتگان به آسمان عروج می کنند و هیچ فرشته مقرّبی و نبّی مرسلی نیست، مگر آنکه از خدا طلب زیارت آن حضرت را می کند، لذا فوجی از آسمان به زمین آمده تا آن حضرت را زیارت کرده و فوجی پس از زیارت از زمین به آسمان می روند.

زیارت فرشته ها و انبیاء: صفوان جمّال گفت: وقتی حضرت ابوعبدالله (علیه السلام) به حیره تشریف آوردند به من فرمودند: آیا مایل به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) هستی؟ عرض کردم: فدایت شوم آیا قبر آن حضرت را زیارت می کنی؟ حضرت فرمودند: چگونه آن را زیارت نکنم و حال آن که خداوند متعال در هر شب جمعه با فرشتگان و انبیاء و اوصیاء به زمین هبوط کرده و او را زیارت می کنند، البتّه حضرت محمّد (صلی الله علیه و اله) افضل انبیاء و ما افضل اوصیاء هستیم. (طبق فرموده مرحوم مجلسی مقصود از زیارت حق تعالی، انزال رحمت های خاصه اش بر آن حضرت و زوّار آن جناب می باشد). سپس صفوان عرض کرد: فدایت شوم پس، هر شب جمعه قبر آن حضرت را زیارت کرده تا بدین وسیله زیارت پروردگار را نیز کرده باشیم؟ حضرت فرمودند: بلی، ای صفوان ملازم این باش برای زیارت قبر حسین (علیه السلام) را می نویسد و این تفضیلی است (یعنی زیارت قبر حسین (علیه السلام) این فضیلت را دارد که در آن زیارت پروردگار نیز می باشد).

هفتاد هزار فرشته : از حضرت ابو عبدالله (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: خداوند متعال مخلوقی زیادتیر از فرشتگان نیافریده ، در هر شب هفتاد هزار فرشته از آسمان نازل شده و از اول شب تا طلوع صبح بیت الله الحرام را طواف می کنند و پس از طلوع صبح به طرف قبر نبی اکرم (صلی الله علیه و اله) برگشته و به آنجا که رسیدند به حضرتش سلام نموده و بعداً به نزد قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) رفته و به آن جناب سلام کرده و پس از آن به نزد قبر حسین (علیه السلام) آمده و بر آن وجود مبارک سلام داده و قبل از طلوع آفتاب به آسمان عروج می کنند و پس از ایشان فرشتگان روز که آنها نیز هفتاد هزار نفر هستند به زمین آمده ابتداء بیت الله الحرام را طواف کرده و طول روز به آن اشتغال دارند و پس از غروب آفتاب به طرف قبر رسول خدا (صلی الله علیه و اله) رفته و بر آنجناب سلام داده و پس از آن نزد قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) می آیند و بر آن حضرت سلام کرده و بعد به نزد قبر حسین (علیه السلام) حاضر شده و بر آن حضرت سلام داده و سپس پیش از غروب آفتاب به آسمان می روند.

زیارت پنجاه هزار فرشته : اسحاق بن عمار نقل می کند: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) عرض کردم : شب عرفه در حائر بوده و نماز می خواندم و در آنجا قریب پنجاه هزار نفر از مردمی دیدم زیبا روی و خوش بو که طول مدت شب را در آنجا نماز می خواندند و هنگامی که صبح طلوع نمود به سجده رفتم و پس از برداشتن سر احدی از ایشان را ندیدم . امام (علیه السلام) به من فرمودند: پنجاه هزار فرشته به حسین (علیه السلام) عبور کرده و در حالی که آن حضرت کشته شده بودند پس به آسمان بالا رفتند و خداوند متعال به ایشان وحی فرستاد: به پسر حبیبم مرور کردید در حالی که او کشته شده بود، پس چرا کمک و یاری او نکردید؟ حال به زمین فرو روید و نزد قبرش ساکن شوید و با هیئتی ژولیده و حالی غمگین باقی بمانید تا قیامت بپا شود. (ترجمه کامل الزیارات ص ۳۷۷)

دعای معصومین (علیه السلام) : امام صادق (علیه السلام) به من فرمودند: ای معاویه به جهت ترس و وحشت زیارت قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) را ترك مکن ، زیرا کسیکه زیارت آن حضرت را ترك کند چنان حسرتی بخورد که آرزو نماید قبر آن حضرت نزد او باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود، آیا دوست داری که خدا تو را در زمره کسانی ببیند که حضرت رسول (صلی الله علیه و اله) و حضرت علی و فاطمه و ائمه (علیه السلام) در حقشان دعاء فرموده اند. (ترجمه کامل الزیارات ص ۳۷۸)

دعای امام صادق (علیه السلام) : معاویه بن وهب گفت : اذن خواستم که بر امام صادق (علیه السلام) داخل شوم ، به من گفته شد که داخل شو، پس داخل شده آن جناب را در نمازخانه منزلشان یافتم ، نشستم تا حضرت نمازشان را تمام کردند، پس شنیدم که با پرودگار مناجات نموده

و می فرمودند: بار خدایا، از کسی که ما را اختصاص به کرامت داده و وعده شفاعت دادی و مختص به وصیت نمودی (یعنی: ما را وصی پیامبرت قرار دادی) و علم به گذشته و آینده را به ما اعطاء فرمودی، و قلوب مردم را مایل به طرف ما نمودی، من و برادران و زائرین قبر پدرم حسین (علیه السلام) را بیامرزد. آنانکه اموالشان را انفاق کرده و بدنهایشان را به سختی و تعب انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما، و به امید آنچه در نزد تست به خاطر صله و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت و به جهت اجابت فرمان ما و به قصد وارد نمودن غیظ بر دشمنان ما. اینان اراده و نیتشان از این ایثار تحصیل رضا و خشنودی تو است، پس تو هم از طرف ما این ایثار را جبران کن و بواسطه رضوان احسانشان را جواب گو باش، و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده اند را بهترین جانشینان آنها قرار بده و مراقب و حافظشان باش. و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی از ایشان و از هر مخلوق ضعیف و قوی، خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جَنّی محفوظ فرما و به ایشان برترین چیزی را که در بودنشان از وطن های خویش از تو آرزو کرده اند اعطاء کن. و نیز به ایشان برتر و بالاتر از آنچه را که بواسطه اش ما را بر فرزندان و اهل و نزدیکانشان اختیار کرده اند ببخش. بار خدایا دشمنان ما بواسطه خروج بر ایشان آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار داده اند ولی این حرکت اعداء ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان از باب مخالفتشان است با مخالفین ما، پس تو این صورت هائی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده مورد ترحم خودت قرار بده. و نیز صورت هائی را که روی قبر ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) می گذارند و بر می دارند، مشمول لطف و رحمت قرار بده و همچنین به چشم هائی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته اند، نظر عنایت فرما و دل هائی که برای ما به جزع آمده و بخاطر ما سوخته اند را ترحم فرما. بار خدایا به فریادهائی که بخاطر ما بلند شده برس، خداوندا من این ابدان و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می شوند آنها را سیراب نمائی. و پیوسته امام (علیه السلام) در سجده این دعاء را می خواندند و هنگامی که از آن فارغ شدند، عرض کردم: فدایت شوم این فقرات و مضامین ادعیه ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عزّ و جلّ را نمی شناسد، گمانم این است که دوزخ هرگز به آن فائق نیاید!!! به خدا سوگند آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین علیه السلام) را زیارت کرده ولی به حج نروم. امام (علیه السلام) به من فرمودند: چقدر تو به قبر آن جناب نزدیک هستی، پس چه چیز تو را از زیارتش باز می دارد؟ سپس فرمودند: ای معاویه زیارت آن حضرت را ترك مکن. عرض کردم: فدایت شوم نمی دانستم که امرچنین بوده و اجر و ثواب آن این

مقدار است. حضرت فرمودند: ای معاویه کسانی که برای زائرین امام حسین (علیه السلام) در آسمان دعاء می کنند به مراتب بیشتر هستند از آنانکه در زمین برای ایشان دعاء و ثناء می نمایند. مصافحه با رسول خدا (صلی الله علیه و اله): معاویه بن وهب از حضرت ابی عبدالله نقل کرده، وی گفت: امام (علیه السلام) به من فرمودند: ای معاویه به خاطر ترس و خوف زیارت امام حسین (علیه السلام) را ترك مکن، زیرا کسی که آن را ترك کند چنان حسرتی بخورد که آرزو کند قبر آن حضرت نزدش باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود آیا دوست داری که خدا تو را در زمره کسانی ببیند که حضرت رسول (ص) و حضرات علی و فاطمه و ائمه (علیهم السلام) در حقشان دعاء فرموده اند؟! آیا دوست داری از کسانی باشی که به واسطه آموزش لغزشهای گذشته طومار اعمال تغییر یابد و گناهان هفتاد سال از تو آمرزیده شود؟! آیا دوست داری از کسانی باشی که از دنیا رفته بدون اینکه گناه قابل مؤ اخذ داشته باشی؟! آیا دوست داری از کسانی باشی که رسول خدا (ص) با آنها مصافحه می فرمایند؟!

مصافحه با رسول خدا (صلی الله علیه و آله): معاویه بن وهب از حضرت ابی عبدالله نقل کرده، وی گفت: امام (علیه السلام) به من فرمودند: ای معاویه به خاطر ترس و خوف زیارت امام حسین (علیه السلام) را ترك مکن، زیرا کسی که آن را ترك کند چنان حسرتی بخورد که آرزو کند قبر آن حضرت نزدش باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود آیا دوست داری که خدا تو را در زمره کسانی ببیند که حضرت رسول (صلی الله علیه و اله) و حضرات علی و فاطمه و ائمه (علیهم السلام) در حقشان دعاء فرموده اند؟! آیا دوست داری از کسانی باشی که به واسطه آموزش لغزشهای گذشته طومار اعمال تغییر یابد و گناهان هفتاد سال از تو آمرزیده شود؟! آیا دوست داری از کسانی باشی که از دنیا رفته بدون اینکه گناه قابل مؤ اخذ داشته باشی؟! آیا دوست داری از کسانی باشی که رسول خدا (صلی الله علیه و اله) با آنها مصافحه می فرمایند؟! (کامل الزیارت، ۳۸۳)

نماز زائر: عنبسه از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) نقل کرد: شنیدم از امام صادق (علیه السلام) که می فرمودند: خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی (علیه السلام) موکل ساخته که او را نزد قبر عبادت کنند، يك نماز از يك نفر آنها معادل با هزار نماز آدمیان می باشد و ثواب نمازشان برای زوار قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) است. و وزر و وبال زوار برای قاتل آن حضرت که لعنت خدا و ملائکه و مردم اجمعین بر او باد محسوب می گردد حوض کوثر: محمد بصری، از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) نقل کرد: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از پدرم شنیدم به یکی از دوستانشان که از زیارت (مقصود زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) است) سؤ ال کرده بود فرمودند: چه کسی را زیارت می کنی و چه کسی را با این زیارت اراده

می نمائی؟ یعنی: با این زیارت قصد تقرب به چه کسی را داری؟ عرض کرد: مراد و مقصودم خداوند تبارک و تعالی است، یعنی قصد تقرب به خدا می باشد. حضرت فرمودند: کسی که بدنبال زیارت یک نماز بخواند و با این نماز قصد تقرب خدا را داشته باشد، در روزی که خدا را ملاقات می کند بر او نوری احاطه می کند که تمام اشیائی که او را می بینند فقط نور مشاهده می نمایند و خداوند متعال زوار قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) را مورد اکرام قرار می دهد و آتش جهنم را از رسیدن به آنها باز می دارد. و زائر در نزد حوض کوثر مقامی بسیار مرتفع و مرتبه ای لایتنهای دارد و امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در کنار حوض ایستاده اند با او مصافحه کرده و وی را از آب سیراب می فرماید و احدی در وارد شدن بر حوض بر وی سبقت نمی گیرد مگر پس از او و سیراب شدن او، و پس از سیراب گشتن به جایگاهش در بهشت برگشته و در حالی که فرشته ای از جانب امیرالمؤمنین (علیه السلام) با او بوده که به صراط امر می کند برای وی پائین بیاید و با او مدارا کرده تا از روی آن بگذرد و به آتش جهنم فرمان می دهد که حرارت و سوزشش را به او نرساند تا وی از آن گذر کند.

و نیز با او فرستاده ای است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را فرستاده اند. حسرت زیارت: هشام بن سالم از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) در حدیثی طولانی نقل کرده که شخصی نزد امام صادق (علیه السلام) مشرف شد و به آن جناب عرض کرد: ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله): آیا پدر شما را می توان زیارت کرد؟ حضرت فرمودند: بلی، علاوه بر زیارت نماز هم نزد قبر می توان خواند، منتهی نماز را باید پشت قبر بجا آورد نه مقدم و جلو آن. آن شخص عرض کرد: کسی که آن حضرت را زیارت کند چه ثواب و اجر دارد؟ حضرت فرمودند: اجر او بهشت است مشروط به اینکه به آن حضرت اقتداء کرده و از او تبعیت کند. عرض کرد: اگر کسی زیارت آن حضرت را از روی بی رغبتی و بی میلی ترک کند چه خواهد دید؟ حضرت فرمودند: روز حسرت (روز قیامت) حسرت خواهد خورد. عرض کرد: کسی نزد قبر آن جناب اقامت کند اجر و ثوابش چیست؟ حضرت فرمودند: هر یک روز آن معادل یک ماه می باشد. عرض کرد: کسی که برای رفتن و زیارت نمودن آن حضرت متحمل هزینه و خرج شده و نیز نزد قبر مطهر پول خرج کند چه اجر دارد؟ حضرت فرمودند: در مقابل هر یک درهمی که خرج کرده هزار درهم دریافت خواهند نمود. عرض کرد: اجر کسی که در سفر به طرف آن حضرت فوت کرده چیست؟ حضرت فرمودند: فرشتگان مشایعتش کرده و برای او حنوط و لباس از بهشت آورده و وقتی کفن شد بر او نماز خوانده و روی کفنی که بر او پوشانده اند، فرشتگان نیز کفن دیگری قرار می دهند و زیر او را از ریحان فرش می نمایند و زمین را چنان رانده و جلو برده که از جلو فاصله سه میل طی شده و از پشت و جانب سر و طرف پا نیز

مانند آن این مقدار مسافت و فاصله منهدم و ساقط می گردد. و برای آن دربی از بهشت به طرف قبرش گشوده شده و نسیم و بوی خوش بهشتی به قبر او داخل گشته و تا قیام قیامت بدین منوال خواهد بود. آن شخص می گوید: محضر مبارکش عرضه داشتم: کسی که نزد قبر نماز بگذارد اجر و ثوابش چیست؟ حضرت فرمودند: کسی که نزد قبر مطهرش دو رکعت نماز بخواند از خداوند چیزی را در خواست نمی کند، مگر آنکه حق جل و علی آن را به او اعطاء می فرماید. عرض کردم: اجر کسی که از آب فرات غسل کرده و سپس به زیارت آن جناب رود چیست؟ حضرت فرمودند: زمانی که شخص از فرات غسل کرده در حالی که اراده زیارت آن حضرت را داشته باشد تمام لغزش ها و گناهانش ساقط و محو شده و وی نظیر آن روزی می باشد که از مادر متولد شده است. آن شخص می گوید: عرض کردم: اجر کسی که دیگری را مجهز کرده و به زیارت قبر آن حضرت بفرستد، ولی خودش بواسطه عارضه و علتی که پیش آمده به زیارت نرود، چیست؟ حضرت فرمودند: به هر یک درهمی که خرج کرده و انفاق نموده حقتعالی همانند کوه احد حسنت برای او منظور می فرماید و باقی می گذارد و بر او چند برابر آنچه متحمل شده و بلا و گرفتاری هائی که بطور قطع نازل شده تا به وی اصابت کرده را از او دفع می نماید و مال و دارائی او را حفظ و نگهداری می کند. آن شخص می گوید: عرض کردم: اجر و ثواب کسی که نزد آن حضرت کشته شود چیست؟ مثلاً سلطان ظالمی بر وی ستم کرده و او را آنجا بکشد؟ حضرت فرمودند: اولین قطره خونس که ریخته شود خداوند متعال تمام گناهانش را می آمرزد و طینتی را که از آن آفریده شده فرشتگان غسل داده تا از تمام آلودگی ها و تیره گی ها پاک و خالص شده همان طوری که انبیاء مخلص خالص و پاک می باشند و بدین ترتیب آنچه از اجناس طین اهل کفر با طینت وی آمیخته شده زدوده می گردد. و نیز قلبش را شستشو داده و سینه اش را فراخ نموده و آنرا مملو از ایمان کرده و بدین ترتیب خدا را ملاقات کرده در حالی که از هر چه ابدان و قلوب با آن مخلوط هستند پاک و منزه می باشد و برایش مقرر می شود که اهل بیت و هزار تن از برادران ایمانی خود را بتواند شفاعت کند. و فرشتگان با همراهی جبرئیل و ملک الموت متولی خواندن نماز بر او می گردند و کفن و حنوطش را از بهشت آورده و در قبرش توسعه داده و چراغ هائی در آن می افروزد و دربی از آن بهشت باز می کنند و فرشتگان برایش اشیاء تازه و تحفه هائی بدیع از بهشت می آورند و پس از هیجده روز او را به خطیره القدس (بهشت) برده پس پیوسته در آنجا با اولیاء خدا خواهد بود تا نفخه ای که با دمیده شدنش هیچ چیز باقی نمی ماند دمیده شود. و وقتی نفخه دومی دمیده شد و وی از قبر بیرون آمد اولین کسی که با او مصافحه می کند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اوصیاء (سلام الله علیهم) بوده که به وی بشارت داده و می گویند: با ما باش و سپس او را کنار حوض کوثر آورده و

از آن به او می نوشانند و سپس به هر کسی که او بخواهد و دوست داشته باشد نیز می آشامانند. آن شخص می گوید: عرض کردم: اجر و ثواب کسی که به خاطر زیارت آن حضرت حبس شده چیست؟ حضرت فرمودند: در مقابل هر روزی که حبس شده و غمگین می گردد سرور و شادی منظور شده که تا قیامت ادامه دارد و اگر پس از حبس او را زدند در قبال هر يك ضربه ای که به وی اصابت می کند يك حوریه ای به او داده شده و به ازاء هر دردی که بر پیکرش وارد می شود هزار هزار حسنه ملاحظه گردیده و هزار هزار لغزش و گناه از او محو و زائل گشته و هزار هزار درجه ارتقاء داده می شود و از ندیمان رسول خدا (صلی الله علیه و اله) محسوب شده تا از حساب فارغ گردد و پس از آن فرشتگانی که حَمَله عرش هستند با او مصافحه کرده و به او می گویند: آنچه دوست داری بخواه. و زننده وی را برای حساب حاضر می کنند پس هیچ سئوالی از او نکرده و با هیچ چیز اعمالش را نسنجیده و محاسبه نکرده بلکه دو بازویش را گرفته و او را برده و به فرشته ای تحویل داده و آن فرشته به او جرعه ای از حمیم (آب داغ جهنم) و جرعه ای از غسلین (آب چرك که از پوست و گوشت دوزخیان جاری می باشد) می چشانند و سپس او را روی تکه ای سرخ از آتش قرار داده و به وی می گویند: بچش چیزی را که دست هایت بواسطه زدن شخصی که او را زدی برای تو پیش فرستاده اند، کسی را که زدی پیک و پیام آور خدا و رسول خدا بود و در این هنگام مضروب را آورده و نزدیک درب جهنم نگاه داشته و به او می گویند: به زننده خود بنگر و به آنچه به سرش آمده نظر نما آیا سینه ات شفاء می یابد؟ این غذایی که به او وارد شد بخاطر قصاص برای تو می باشد، پس می گوید: حمد خدا را که من و فرزند رسول خدا را یاری فرمود.

احسان به اهل بیت: عبدالله بن عبدالرحمن اصم نقل کرده: حدیث گفت برای ما معاذ، از ابان، که گفت: از او شنیدم که می گفت: حضرت ابوعبدالله (علیه السلام) فرمودند: کسیکه به زیارت قبر حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) رود محققا به رسول خدا و به ما اهل بیت احسان نموده و غیبتش جایز نبوده و گوشتش بر آتش حرام است و در مقابل هر يك درهمی که انفاق کرده خداوند متعال انفاق اهالی و سکنه ده هزار شهرهائی که در کتابش مضبوط و معلوم است را به او اعطاء می فرماید، و بدنبال آن حوائج و نیازمندی هایش را روا می فرماید، و آنچه را که از خود باقی گذارد حق تعالی حافظ آنها است و در خواست و سؤ ال چیزی از خدا نمی کند مگر آنکه باری تعالی اجابتش می فرماید اعم از آنکه سریع و بدون مهلت حاجتش را روا کرده یا با تاخیر و مهلت آنرا برآورده نماید. دعای مستجاب: صفوان جمّال از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) حدیثی طولانی را نقل کرده و در ضمن آن می گوید: محضر مبارك امام (علیه السلام) عرضه داشتم: چه اجر و ثوابی است برای کسی که نزد قبر مطهر آن حضرت امام حسین (علیه السلام) نماز بخواند؟ حضرت فرمودند: کسی

که نزد قبر آن جناب دو رکعت نماز بخواند چیزی را از خدا نخواستہ مگر آنکه حق تعالی آن را به وی اعطاء می فرماید. عرض کردم : چه اجر و ثوابی است برای کسی که از آب فرات غسل کرده و سپس به زیارت آن حضرت رود؟

امام (علیه السلام) فرمودند: هنگامی که با اراده زیارت آن حضرت از فرات غسل می کند تمام گناہانش ریخته شده و پاک می گردد، مثل اینکه تازه از مادر متولد گردیده . عرض کردم : ثواب و اجر کسی که خودش بخاطر جہتی نمی تواند به زیارت رود ولی دیگری را مجہز ساخته و به زیارت فرستد چه می باشد؟ حضرت فرمودند: در مقابل هر یک درہمی که خرج کرده خداوند متعال به قدر کوه اُحد از حسنات به وی داده و چند برابر ہزینہ ای را کہ متحمل شدہ برایش باقی می گذارد، و نیز بلاہائی کہ نازل شدہ را از وی دور می گرداند و همچنین مال و دارائی وی را حفظ و نگہداری می فرماید

لوازم زائر : محمّد بن مسلم برای ما نقل کرد کہ : محضر مبارک حضرت ابی عبداللّٰہ (علیہ السلام) عرض کردم : ہرگاہ بہ زیارت پدر بزرگوارتان حضرت امام حسین (علیہ السلام) می رویم آیا بہمان ہیئت و کیفیتی کہ بہ حج می رویم باشیم؟ حضرت فرمودند: بلی . عرض کردم : پس آنچه بر حاجی لازم است بر ما نیز لازم است؟ حضرت فرمودند: چہ چیزہائی را گفتی؟ عرض کردم : اشیائی را کہ بر حاجی لازم می باشد، حضرت فرمودند: بر تو لازم است کہ با ہمراہانت خوش رفتار باشی ، سخن اندک بگوئی و حتی الامکان تکلم نکنی مگر بہ خیر. بر تو لازم است زیاد بیاد خدا باشی . و بر تو لازم است جامہ و لباس ہایت را نظیف و پاکیزہ نگاہ داری . و بر تو لازم است پیش از اینکه بہ حائر برسی غسل نمائی . لازم است بر تو کہ خاشع بودہ و زیاد نماز خواندہ و بسیار بر محمّد و آل محمّد صلوات بفرستی و بہ آنچه از تو نیست و مال دیگری است احترام گذارده و بر نداری . لازم است بہ آنچه حلال نیست نگاہ نکرده و چشم خود را از آن فرو ببندی . لازم است وقتی برادر ایمانی خود را نیازمند دیدہ و ملاحظہ کردی کہ بواسطہ نداشتن نفقہ از ادامہ عمل عاجز است بہ دیدنش رفتہ او را کمک کردہ و بہ مواسات با او رفتار نمائی . بر تو لازم است تقیہ کہ دین تو بہ آن قائم است را رعایت کنی . واجب است از آنچه منہی هستی و از خصومت و دشمنی و زیاد قسم خوردن و از جدال کردن کہ در اثناء آن بہ خوردن قسم مبادرت می ورزی اجتناب و دوری کنی . و وقتی بہ این دستورها عمل کردی البتّہ حجّ و عمرہ تو تمام و کامل بودہ و بہ واسطہ صرف نفقہ و دور شدن از اہل و عیالت و روی تافتن از آنچه بہ آن مایل هستی از کسی کہ آنچه نزدش بودہ و تو آن را طلب کردی استحقاق پیدا می کنی کہ از سہرت مراجعہ کردہ در حالی کہ مغفرت و رحمت و رضوانش شامل تو شدہ باشد، حضرت امام صادق (علیہ السلام) فرمودند: هنگامی کہ ارادہ زیارت حضرت

حسین (علیه السلام) را نمودی پس آن حضرت را با حالی غمگین و اندوه ناک و ناراحت و ژولیده و گرفته و گرسنه و تشنه زیارت نما. زیرا حضرتش کشته شدند در حالی که غمگین و ناراحت و ژولیده و گرفته و گرسنه و تشنه بودند و از آن جناب حوائج و خواسته های خود را بخواه و سپس از آنجا برگرد و آن مکان شریف را وطن برای خود قرار مده . حسین بن ثویر بن ابی فاخته ، می گوید: حضرت ابو عبدالله (علیه السلام) فرمودند: ای حسین! کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین بن علی (علیه السلام) باشد، اگر پیاده رود خداوند مئان به هر قدمی که بر می دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید. تا زمانی که به حائر برسد و پس از رسیدن به آن مکان شریف حق تبارک و تعالی او را از رستگاران قرار می دهد، تا وقتی که مراسم و اعمال زیارت را به پایان برساند، که در این هنگام او را از فائزین محسوب می فرماید، تا زمانی که اراده مراجعت نماید، در این وقت فرشته ای نزد او آمده و می گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سلام رسانده و به تو می فرماید: از ابتداء عمل را شروع کن ، تمام گناهان گذشته ات آمرزیده شد. فرشته ها ملازم زوار : مفضل بن عمر نقل کرده که : حضرت ابو عبدالله (علیه السلام) فرمودند: گویا می بینم که فرشتگان با مؤمنین بر سر قبر حضرت حسین بن علی (علیه السلام) ازدحام کرده اند. راوی می گوید: عرضه داشتیم : آیا مؤمنین فرشته را می بینند؟

حضرت فرمودند: هرگز، هرگز، آنها به خدا قسم ملازم و همراه مؤمنین بودند، حتی با دست هایشان به صورت های آنها مسح می کشند. سپس امام (علیه السلام) فرمودند: خداوند مئان هر صبح و شام از طعام بهشت بر زوار امام حسین (علیه السلام) نازل می فرماید و خدمتکاران ایشان فرشتگانند. هیچ بنده ای از بندگان خداوند حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند متعال درخواست نمی کنند ، مگر آنکه خدا به او عطاء می فرماید. راوی می گوید: عرض کردم : به خدا قسم این کرامت می باشد. امام (علیه السلام) به من فرمودند: ای مفضل : برایت بیشتر بگویم ؟ عرضه کردم ، بلی سرور من .

حضرت فرمودند: گویا می بینم تختی از نور را که گذارده اند و بر روی آن قبه ای از یاقوت سرخ زده شده که با جواهرات آن را زینت نموده اند و حضرت امام حسین (علیه السلام) بر روی آن تخت نشسته اند و اطراف آن حضرت نود هزار قبه سبز زده اند و مؤمنین آن حضرت را زیارت کرده و بر آن جناب سلام می دهند. پس خداوند متعال به ایشان می فرماید: ای دوستانم از من سؤال کنید و بخواهید، پس زیاد اذیت شدید و خوار و مقهور گردیدید، امروز روزی است که حاجتی از حاجات دنیا و آخرتتان را از من درخواست نکرده ، مگر آنرا روا نمایم . پس خوردن و آشامیدنشان در بهشت می

باشد، پس به خدا قسم کرامت و احسانی که زوال نداشته و انتها آن را نمی توان درک کرد همین است . (ترجمه کامل زیارات ص ۴۴۳)

جزء عمر حساب نشود : حضرت ابی الحسن الرضا (علیه السلام) نقل نموده و آن جناب از پدر بزرگوارشان حکایت کرده اند که ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) فرمودند: ایام زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) جزء عمر زائر شمرده نشده و از اجلشان محسوب نمی گردد. (ترجمه کامل زیارات ص ۴۴۶)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که می خواهد در همسایگی رسول خدا (صلی الله علیه و اله) و حضرت علی و فاطمه (علیها السلام) باشد، زیارت حسین بن علی (علیه السلام) را ترك نکند . کنار نهرها : محمد بن ابی جریر قمی گفت : از حضرت ابا الحسن الرضا (علیه السلام) شنیدم که به پدرم می فرمودند: کسی که حضرت حسین بن علی (علیه السلام) را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد از هم صحبت های حق تعالی بالای عرش می باشد، سپس این آیه را قرائت فرمودند: اِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ، فی مقعد صدق عند ملیك مقتدر . (همانا اهل تقوی در باغ ها و کنار نهرها منزل گزینند، در منزل گاه صدق و حقیقت نزد خداوند عزت و سلطنت جاودانی متنعم می باشند).

طلب رحمت : حضرت ابو عبدالله (علیه السلام)، فرمودند: هنگامی که روز قیامت شود منادی ندا می کند: زوار حسین بن علی (علیه السلام) کجا هستند؟ گردن های تعدادی از مردم کشیده می شود که عدد آنها را غیر از خداوند متعال کس دیگری نمی داند، پس به ایشان گفته می شود قصد شما از زیارت قبر حضرت حسین بن علی (علیه السلام) چه بود؟ می گویند: پروردگار آن حضرت را زیارت کردیم بجهت محبتی که به رسول خدا (صلی الله علیه و اله) و حضرت علی و فاطمه (علیها السلام) داشته و به منظور طلب رحمت برای صاحب قبر به ازاء آنچه از آن حضرت صادر گردید. پس به آنها گفته می شود: ایشان محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین سلام الله علیهم هستند، به آنها ملحق شوید. شما با ایشان و در درجه و مرتبه آنها هستید، به لواء و پرچم رسول خدا (صلی الله علیه و اله) ملحق گردید، پس بطرف لواء آن حضرت رهسپار شده و در سایه آن قرار می گیرند، در حالی که لواء به دست امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می باشد و بدین ترتیب به بهشت وارد می شوند، ایشان جلو پرچم و سمت راست و جانب چپ و پشت آن بوده و چهار طرف لواء را گرفته اند.

از روی شوق : حضرت ابی جعفر (علیه السلام)، آن حضرت فرمودند: اگر مردم می دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین بن علی (علیه السلام) چه فضل و ثوابی است حتما از شوق و ذوق قالب

تهی می کردند و بخاطر حسرت ها نفس هایشان به شماره افتاده و قطع خواهد شد. راوی می گوید: عرض کردم: در زیارت آن حضرت چه اجر و ثوابی می باشد. حضرت فرمودند: کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت آن حضرت رود خداود متعال هزار حج و هزار عمره قبول شده برایش می نویسد و اجر و ثواب هزار شهید از شهداء بدر و اجر هزار روزه دار و ثواب هزار صدقه قبول شده و ثواب آزاد نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده باشند برایش منظور می شود و پیوسته در طول ایام سال از هر آفتی که کمترین آن شیطان باشد محفوظ مانده و خداوند متعال فرشته کریمی را بر او موکل کرده که وی را از جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و زیر قدم نگهدارش باشد و اگر در اثناء سال فوت کرد فرشتگان رحمت الهی بسویش حاضر شده و او را غسل داده و کفن نموده و برایش استغفار و طلب آمرزش کرده و تا قبرش مشایعتش نموده و به مقدار طول شعاع چشم در قبرش وسعت و گشایش ایجاد کرده و از فشار قبر در امانش قرار داده و از خوف و ترس دو فرشته منکر و نکیر بر حذرش می دارند و برایش دربی به بهشت می گشایند و کتابش را به دست راستش می دهند و در روز قیامت نوری به وی اعطاء می شود که بین مغرب و مشرق از پرتو آن روشن می گردد و منادی نداء می کند: این کسی است که از روی شوق و ذوق حضرت امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرده و پس از این نداء احدی در قیامت باقی نمی ماند مگر آنکه تمنا و آرزو می کند که کاش از زوَّار حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) می بود. (ترجمه کامل زیارات ص ۴۶۷)

محبت: ذریح محاربی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) عرض کردم: از خویشاوندان و فرزندانم کسی را ملاقات نکردم مگر وقتی به آنها خبر دادم به اجر و ثوابی که در زیارت قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) هست، من را تکذیب نموده و گفتند: تو بر حضرت جعفر بن محمد (علیه السلام) دروغ بسته و این خبر را از پیش خودت می گوئی! حضرت فرمودند: ای ذریح مردم را رها کن هر کجا که می خواهند بروند، بخدا قسم حق تعالی به زائرین امام حسین (علیه السلام) مباحات کرده و افتخار می نماید و مسافر و زائر را فرشتگان مقرب خدا و حاملین عرش رهبری می کنند حتی حق تعالی به فرشتگان می فرماید: آیا زوَّار حسین بن علی (علیه السلام) را می بینید که از روی شوق و محبت به آن حضرت و علاقه به حضرت فاطمه (علیها السلام) دخت رسول الله (صلی الله علیه و اله) به زیارت آمده اند؟ به عزت و جلال و عظمت خود قسم کرامت خویش را بر ایشان واجب کرده ام و ایشان را حتما به بهشتی که برای دوستانم و برای انبیاء و رسل و فرستادگانم آماده کرده ام داخل می کنم. ای فرشتگان من! ایشان زوَّار قبر حسین حبیب محمد رسول من بوده و محمد (صلی الله علیه و اله) حبیب من است و کسی که من را دوست داشته باشد حبیب من را نیز دوست می دارد و کسی که حبیب من را دوست داشته باشد دوست دار

حبیبم را نیز دوست دارد و کسی که نسبت به حبیب من بغض ورزد، کسی است که به من بغض می ورزد و بر من واجب است که به اشد عذاب، عذابش نموده و به آتش دوزخم او را بسوزانم و جهنم را مسکن و مکانش قرار داده و وی را چنان عذابی کنم که احدی از اهل عالم را آن طور عذاب نکرده باشم.

محبوبترین اعمال: حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) فرمودند: محبوب ترین اعمال نزد حق تعالی زیارت قبر حضرت حسین (علیه السلام) بوده و برترین اعمال نزد او جَل و علی ادخال سرور و شادی بر مؤمن است و نزدیک ترین بنده به خدا، بنده ای است که در حال سجود بدرگاه الهی گریان باشد. زیارت قبر مطهر: محمد بن سنان از بشیر دهان برایم نقل کرد و گفت: در هر سال به حج مشرف می شدم، یکسال تنبلی کرده و آنرا ترك کردم و سال بعد که به حج رفته و محضر حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) رسیدم به من فرمودند: ای بشیر چه چیز تو را در سال گذشته از حج سست و تنبل کرده؟ عرض کردم: فدایت شوم مالی داشتم که از مردم می خواستم و خوف داشتم تلف شود. لذا به حج نیامده ولی در عوض روز عرفه به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین (علیه السلام) رفتم. حضرت به من فرمودند: آنچه نصیب اهل موقف (حاجی ها) شد، از تو فوت نگردید، ای بشیر کسی که قبر حسین (علیه السلام) را زیارت کند، در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد، مانند: کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده

رزق و عمر طولانی و در زمره سعدا: عبدالملک خثعمی، از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام)، گفت: حضرت به من فرمودند: ای عبدالملک زیارت حسین بن علی (علیه السلام) را ترك مکن و یاران و اصحابت را به آن امر فرما، و شیعیان ما را امر کنید به زیارت آن حضرت، زیرا حق تعالی بواسطه آن عمر تو را طولانی کرده و روزی و رزق را واسع می فرماید و اموری که بدی و شر را جلب می کند دفع می نماید. در حال حیات سعید و سعادت مند نموده و نخواهی مرد مگر سعید و تو را در زمره سعدا می نویسد. (ترجمه کامل الزیارات ص ۴۹۴) و زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حضرتش از طرف خدا دارد واجب است.

مسافرین خدا: حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) حضرت فرمودند: خداوند متعال فرشتگانی دارد که موکل قبر مطهر حضرت حسین بن علی (علیه السلام) می باشند، هنگامی که شخص قصد زیارت آن حضرت را می نماید خداوند گناهان او را به این فرشتگان اعطاء نموده و در اختیار آنها می گذارد وقتی وی قدم گذارد فرشتگان گناهان را محو می کنند سپس وقتی قدم بعدی را برداشت حسنات او را مضاعف می نمایند و پیوسته حسنات او را مضاعف کرده تا جائی که بهشت را برای وی واجب می گردانند سپس اطرافش را گرفته و تقدیس و تنزیهش می نمایند و سپس فرشتگان آسمان را

نداء می دهند که زوّار حبیب حبیب خدا را تقدیس و تنزیه نمائید و وقتی زوّار غسل زیارت نمودند حضرت محمد(صلی الله علیه و اله) ایشان را نداء داده و می فرماید: ای مسافرین خدا بشارت باد شما را که با من در بهشت همراه خواهید بود. سپس امیرالمؤمنین (علیه السلام) ایشان را نداء داده و می فرماید: من ضامنم که حوائج شما را برآورده و در دنیا و آخرت بلاء و محنت را از شما دور نمایم . پس از آن فرشتگان دور ایشان حلقه زده و از راست و چپ آنان را در بر گرفته تا به اهل و خویشان و ندان خود بازگردند.

رحمت واسعه : عبدالله بن مسکان می گوید: حضور مبارك حضرت اباعبدالله (علیه السلام) رسیدم در حالی که گروهی از اهل خراسان خدمت آن جناب مشرف شده بودند، ایشان از آن جناب راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی (علیه السلام) و ثوابی که در آن است سؤال نمودند؟ حضرت فرمودند: پدرم از جدم نقل کردند که می فرمودند: کسیکه آن حضرت را صرفاً برای خدا و به قصد قربت زیارت کند خداوند متعال از گناهان رهایش نموده و او را همچون نوزادی که مادر زائیده قرار می دهد و در طول سفرش فرشتگان مشایعتش کرده و بالای سرش بال های خود را گشوده و با این حال او را همراهی کرده تا به اهلش باز گردد و نیز فرشتگان از خداوند می خواهند که او را بیامرزد و از اطراف و اکناف آسمان رحمت واسعه الهی او را فرا گرفته و فرشتگان نداء کرده و به وی می گویند: پاك هستی و آن کس که زیارتش نمودی نیز پاك و مطهر است و پیوسته وی را بین اهل و خویشان حفظش می نمایند.

سی حج مقبول : موسی بن قاسم حضرمی می گوید: حضرت ابو عبدالله (علیه السلام) در ابتداء حکومت ابو جعفر عباسی (منصور دوانیقی) وارد عراق شده و در نجف نزول اجلال فرمودند، به من فرمودند: ای موسی ، برو کنار جاده بزرگ بایست و منتظر باش که عنقریب مردی از طرف قادسیه خواهد آمد، هر گاه نزدیک تو شد به وی بگو: یکی از فرزندان رسول خدا(صلی الله علیه و اله) تو را می خواند، او بزودی با تو خواهد آمد. موسی می گوید: من به طرف جاده مزبور رفته و به آنجا رسیدم و کنار آن ایستاده و هوا بسیار گرم بود، پیوسته در آنجا ایستاده بودم بحدی که نزدیک بود مخالفت کرده و برگشته و ملاقات با او را ترك کنم ، در این هنگام چشمم به چیزی خورد که به جلو می آید و شبیه مردی است که روی شتری نشسته ، پس چشم به آن دوخته تا نزدیک به من شد، به او گفتم : ای مرد در اینجا یکی از فرزندان رسول خدا(صلی الله علیه و اله) شما را می خواند ایشان شما را به من معرفی کرده و پیام برایت فرستاده اند. مرد گفت : با هم به خدمتش برویم . موسی می گوید: او را بردم تا نزدیک خیمه رسیدیم ، وی شترش را خواباند و درب خیمه ایستاد منتظر اذن دخول بود، پس حضرت از درون خیمه او را خواندند، اعرابی داخل خیمه شد و من نیز نزدیک شده تا درب خیمه

رسیده و سخن ایشان را می شنیدم ولی آنها را نمی دیدم . حضرت ابو عبدالله (علیه السلام) به وی فرمودند، از کجا آمدی ؟ او گفت : از دورترین نواحی یمن . حضرت فرمودند: تو از فلان و فلان مکان هستی ؟ او عرض کرد: بلی من از فلان موضع می باشم . حضرت فرمودند: برای چه به این صوب و طرف آمدی ؟ عرض کرد: به قصد زیارت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) آمدم . حضرت فرمودند: تنها برای زیارت آمده ای و هیچ حاجت دیگری نداشتی ؟

عرض کرد: هیچ حاجتی نداشتم مگر آنکه به سر قبر مطهر آن حضرت رفته و نماز خوانده و جنباش را زیارت کرده و سپس از حضرتش خداحافظی کرده و به اهل و خویشانم برگردم . حضرت فرمودند: در زیارت آن حضرت چه می بینید؟ عرض کرد: در زیارتش برکت در عمر خود و اهل و اولاد و اموال و معایشمان بوده و حوائج و خواسته هایمان بر آورده شده و گرفتاریمان بر طرف می گردد، موسی می گوید: امام (علیه السلام) به وی فرمودند: ای برادر یمنی آیا از فضیلت زیارت آن حضرت بیشتر از این برایت نگوییم؟ آن مرد عرض کرد: از پسر رسول خدا زیادتر بفرمائید: حضرت فرمودند: زیارت امام حسین (علیه السلام) معادل يك حج مقبول و پاکیزه ای است که با رسول خدا (صلی الله علیه و اله) انجام شود. آن مرد از این گفتار تعجب کرد، حضرت فرمودند: آری ، به خدا سوگند معادل دو حج مقبول و پاکیزه ای است که با رسول خدا (صلی الله علیه و اله) انجام شود.

آن مرد بر تعجبش افزوده شد پس بدین ترتیب امام (علیه السلام) بر تعداد حج های مقبول می افزودند تا اینکه در آخر فرمودند: زیارت آن حضرت معادل با سی حج مقبول و پاکیزه ای است که با رسول خدا (صلی الله علیه و اله) انجام گیرد.

غریب و شهید : یزید بن عبدالملك می گوید: محضر مبارك حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) بودم پس گروهی که بر درازگوش ها سوار بودند بر ما گذشتند. حضرت به من فرمودند: اینها قصد کجا را دارند؟ عرض کردم : به زیارت قبور شهداء می روند. فرمودند، چه چیز ایشان را از زیارت غریب شهید باز داشت ؟!! مردی از اهل عراق محضر مبارکش عرض کرد: آیا زیارت آن حضرت امام حسین (علیه السلام) واجب است ؟ حضرت فرمودند: زیارت آن جناب از يك حج عمره و يك عمره و يك حج بهتر است . سپس حضرت تعداد حج و عمره ها را زیاد کرده تا بیست حج و بیست عمره شمردند و بعد فرمودند: البته تمام آنها مقبول و میروار باشند. راوی می گوید: به خدا سوگند از محضرش مرخص نشده بودم که مردی آمد و حضورش رسید و عرض کرد: من نوزده حج انجام داده ام ، از خداوند بخواهید که يك حج دیگر نصیبم شده و بدین ترتیب تا عدد بیست کامل گردد. حضرت فرمودند: آیا قبر امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرده ای ؟ آن مرد عرض کرد: خیر. حضرت فرمودند: زیارت آن حضرت از بیست حج بهتر می باشد.

شفاعت : عبدالله بن شعیب تیمی، از حضرت ابا عبدالله (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمودند: روز قیامت منادی ندا می کند: شیعیان آل محمد در کجا هستند؟! پس از میان مردم گردنهایی کشیده شده و افرادی بپا می خیزند که عدد آنها را غیر از حق تعالی کس دیگر نمی داند. ایشان در قسمتی از مردم بپا خاسته اند، سپس منادی ندا می کند: زوّار قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) در کجا هستند؟! خلق بسیاری به پا می خیزند. پس به ایشان گفته می شود: دست هر کسی را که دوست دارید بگیرید و آنها را به بهشت ببرید، پس شخصی که جزء زائرین است هر کسی را که بخواهد گرفته و به بهشت می برد، حتی بعضی از مردم به برخی دیگر می گویند: ای فلانی من را می شناسی ؟ من کسی هستم که در فلان روز و در فلان مجلس برای تو ایستاده و احترام از او نمودم پس من را نیز دریاب ، زائر او را نیز گرفته و به بهشت داخل نموده بدون اینکه دافع و مانعی در بین باشد.

ملائکه گریان : ابی الصباح کنانی می گوید: از حضرت امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: در طرف شما قبری است که هیچ مکروب و اندوهگینی به زیارت آن نمی رود، مگر آنکه خداوند متعال اندوهش را بر طرف کرده و حاجتش را روا می سازد و از روزی که آن حضرت شهید شدند چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته هستند اطراف قبر مطهرش بوده و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند و کسی که او را زیارت کند فرشتگان تا وطن و مأوایش مشایعتش کرده و اگر مریض و بیمار شود عیادتش کنند و اگر بمیرد جنازه اش را تشییع نمایند . ارواح طیبه عصمت زیارت حسین (علیه السلام) : جناب حاج ملا علی کازرونی رحمه الله علیه که یکی از افراد و با ایمان با اخلاص بود نقل فرمود: شب ۲۳ ماه رمضان بالای منزل تنها احیاء داشتم که هنگام سحر ناگاه حالت سستی و بی خودی به من دست داد.

در آن حال متوجه شدم که تمام عالم اعلاء مملو از جمعیت و غلغله است و سر و صدای فراوانی است از صدائی که فصیحتر و به من نزدیکتر بود، پرسیدم تو را به خدا تو کیستی ؟ فرمود: من جبرائیل هستم ، گفتم : چه خبر است امشب؟ فرمود: حضرت بی بی عالم فاطمه زهراء با مریم و آسیه و خدیجه و کلثوم (هنّ) برای زیارت قبر حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) می روند. و این جمعیت ارواح پیغمبران و ملائکه هستند. گفتم : برای خدا مرا هم ببرید، فرمود: زیارت تو از همین جا قبول است و سعادت داشتی که این منظره را ببینی . حضرت آیه الله شهید دستغیب فرمود برآستی حاجی مزبور علاقه شدیدی به حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) نصیبش شده بود که در همان مجلس دو ساعتی چند مرتبه که اسم مبارك حضرت را می برد بی اختیار گریان و نالان می شد. و تا چند دقیقه نمی توانست سخن بگوید و فرمود: من طاقت ذکر مصیبت آن حضرت را ندارم

زیارت امام حسین (علیه السلام): مرحوم سید بن طاووس رضوان الله تعالی علیه نقل نموده از محمد بن داود که گفت: همسایه ای داشتم معروف به علی بن محمد بود که ایشان برایم گفت من از ایام جوانی همراه زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) میرفتم تا اینکه سن من بالا رفت و نیروی جسمیم ضعیف شد و یک چند وقتی زیارت را ترك کردم، پس از مدتی بقصد زیارت پیاده حرکت کردم پس از چند روز بکربلا رسیدم و زیارت آقا امام حسین (علیه السلام) نائل شدم و دو رکعت نماز بجا آوردم و بعد از زیارت و نماز از فرط خستگی راه کنار حرم خوابم برد. در عالم خواب دیدم مشرف شدم خدمت آقای خودم ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) حضرت رویشان را به بنده کرد و فرمود: ای علی چرا به من جفا کردی با اینکه نسبت بمن خوبی و نیکی می کردی؟ عرض کردم: ای سیدی ای آقای من بدنم ضعیف شده و توانایی خود را از دست دادم و توان آمدن ندارم و چون فهمیده ام آخر عمرم است و با آن حالی که داشتم این چند روز راه را به عشق شما زیارت آمدم و روایتی از شما شنیدم دوست داشتم آن را از خود شما بشنوم. حضرت فرمود آن روایت را بگو: گفتم چنین نقل شده که (قال من زارنی فی حیوتی زرتہ بعد وفاتہ) هر که مرا در حال حیاتش زیارت کند و زیارت من نائل گردد من هم بعد از وفاتش او را زیارت میکنم و زیارت او می آیم حضرت فرمود بله من گفته ام، حتی اگر او را (زیارت کننده ام را) در آتش ببینم نجاتش خواهم داد.

حضرت موسی (علیه السلام) به زیارت حسین (علیه السلام): ابی حمزه ثمالی فرمود در اواخر سلطنت بنی مروان اراده زیارت آقا ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) را نمودم و پنهانی از اهل شام خود را به کربلا رساندم در گوشه ای پنهان شدم تا اینکه شب از نیمه گذشت پس بسوی قبر شریف روانه شدم تا آنکه نزدیک قبر مقدس و شریف رسیدم. ناگهان مردی را دیدم که بسوی من می آید و گفت خدا ترا اجر و پاداش دهد برگرد زیرا به قبر شریف نمی رسی من وحشت زده و ترسان مراجعت کردم و در گوشه ای دوباره خود را پنهان کردم تا آنکه نزدیک طلوع صبح شد باز به جانب قبر روانه شدم و چون دوباره نزدیک شدم باز همان مرد آمد و ممانعت کرد و گفت به آن قبر نمی توانی برسی. به او گفتم عافاك الله چرا من به آن قبر نمی رسم و حال اینکه از کوفه به قصد زیارت آن حضرت آمده ام بیا بین من و آن قبر حائل نشو، زیرا من می ترسم که صبح شود و اهل شام مرا ببینند و مرا در اینجا به قتل برسانند، وقتی این حرف را از من شنید گفت يك مقدار صبر کن چون حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) از خدای خود اجازه گرفته که به زیارت آقا سید الشهداء (علیه السلام) بیاید و خدا به او اجازه داده و با هفتاد هزار ملائکه به زیارت آقا آمده اند و از اول شب تا به حال در خدمت قبر شریف هستند و تا طلوع صبح کنار قبر هستند و بعد به آسمان عروج می کنند. ابوحمزه ثمالی

گوید از آن مرد پرسیدم که تو کیستی؟ گفت من یکی از آن ملائکه هستم که مامور پاسبانی و پاسداری قبر آقا سید الشهداء (علیه السلام) هستم و برای زوار آقا طلب مغفرت می کنیم تا این را شنیدم برگشتم پنهان شدم و هنگام طلوع صبح سر قبر حضرت آمدم دیگر کسی را ندیدم که مانع شود پس زیارت را کردم و بر کشندگان آن حضرت لعن نمودم و نماز صبح را در آنجا اقامه کردم و از ترس مردم شام سریع به کوفه برگشتم

احترام امام زمان به زوار حسین (علیه السلام) : مرحوم آیه الله حاج میرزا محمد علی گلستانه اصفهانی در آن وقتی که ساکن مشهد بودند برای یکی از علماء بزرگ مشهد نقل فرموده بودند که ، عموی من مرحوم آقای سید محمد علی از که مردان صالح و بزرگوار بود نقل میکرد، در اصفهان شخصی بود به نام جعفر نعلبند که او حرفهای غیر متعارف ، از قبیل آن که من خدمت امام زمان (علیه السلام) رسیده ام و طی الارض کرده ام میزد و طبعاً با مردم هم کمتر تماس می گرفت و گاهی مردم هم پشت سر او به خاطر آن که چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند، حرف می زدند. روزی به تخت فولاد اصفهان برای زیارت اهل قبور میرفتم ، در راه دیدم ، آقا جعفر به آن طرف می رود، من نزدیک او رفتم و به او گفتم دوست داری باهم راه برویم ؟ گفت مانعی ندارد، در ضمن راه از او پرسیدم مردم درباره شما حرفهایی می زنند آیا راست می گویند که تو خدمت امام زمان (علیه السلام) رسیده ای ؟ اول نمی خواست جواب مرا بدهد، لذا گفت آقا از این حرفها بگذریم و باهم مسائل دیگری را مطرح کنیم ، من اصرار کردم و گفتم : من انشاء الله اهلم . گفت : بیست و پنج سفر کربلا مشرف شده بودم تا آنکه در همین سفر بیست و پنجم شخصی که اهل یزد بود در راه با من رفیق شد چند منزل که باهم رفتیم ، مریض شد و کم کم مرضش شدت کرد تا رسیدیم به منزلی که قافله به خاطر نا امن بودن راه دو روز در آن منزل ماند تا قافله دیگری رسید و باهم جمع شدند و حرکت کردند و حال مریض هم رو به سختی گذاشته بود وقتی قافله می خواست حرکت کند من دیدم به هیچ وجه نمی توان او را حرکت داد لذا نزد او رفتم و به او گفتم من می روم و برای تو دعاء میکنم که خوب شوی و وقتی خواستم با او خدا حافظی کنم ، دیدم گریه می کند، من متحیر شدم از طرفی روز عرفه نزدیک بود و بیست و پنج سال همه ساله روز عرفه در کربلا بوده ام و از طرفی چگونه این رفیق را در این حال تنها بگذارم و بروم؟! به هرحال نمی دانستم چه کنم او همینطور که اشک می ریخت به من گفت : فلانی من تا يك ساعت دیگر می میرم این يك ساعت را هم صبر کن ، وقتی من مُردم هرچه دارم از خورجین و الاغ و سایر اشیاء مال تو باشد، فقط جنازه مرا به کربلا برسان و مرا در آنجا دفن کن . من دلم سوخت و هر طور بود کنار او ماندم ، تا او از دنیا رفت قافله هم برای من صبر نکرد و حرکت نمود. من جنازه او را به الاغش بستم و به طرف مقصد حرکت کردم

، از قافله اثری جز گرد و غباری نبود و من به آنها نرسیدم حدود يك فرسخ که راه رفتم ، هم خوف مرا گرفته بود و هم هرطور که آن جنازه را به الاغ می بستم ، پس از آنکه يك مقدار راه می رفت باز می افتاد و به هیچ وجه روی الاغ آن جنازه قرار نمی گرفت . بالاخره دیدم نمی توانم او را ببرم خیلی پریشان شدم ایستادم و به حضرت سید الشهداء (علیه السلام) سلامی عرض کردم و با چشم گریان گفتم : آقا من با این زائر شما چه کنم ؟ اگر او را در این بیابان بگذارم مسئولم و اگر بخواهم بیاورم می بینید که نمی توانم درمانده ام و بی چاره شده ام .

ناگهان دیدم ، چهار سوار که یکی از آنها شخصیت بیشتری داشت پیدا شدند و آن بزرگوار به من گفت : جعفر بائرما چه می کنی ؟ عرض کردم : آقا چه کنم ؟ در مانده شده ام نمی دانم چه بکنم ؟ در این بین آن سه نفر پیاده شدند، یکی از آنها نیزه ای در دست داشت با آن نیزه زد چشمه آبی ظاهر شد آن میت را غسل دادند و آن آقا جلو ایستاد، و بقیه کنار او ایستادند و بر او نماز خواندند و بعد او را سه نفری برداشتند و محکم به الاغ بستند و ناپدید شدند. من حرکت کردم با آنکه معمولی راه می رفتم دیدم به قافله ای رسیدم که آنها قبل از قافله ما حرکت کرده بودند، از آنها عبور کردم پس از چند لحظه باز قافله ای را دیدم ، که آنها قبل از این قافله حرکت کرده بودند از آنها هم عبور کردم بعد از چند لحظه دیگر به پل سفید که نزدیک کربلا است رسیدم و سپس وارد کربلا شدم و خودم از این سرعت سیر تعجب می کردم . بالاخره او را بردم در وادی ایمن (قبرستان کربلا) دفن کردم ، من در کربلا بودم ، پس از بیست روز رفقائی که در قافله بودند به کربلا رسیدند آنها از من سؤال میکردند تو کی آمدی ؟ و چگونه آمدی ؟ من برای آنها به اجمال مطالبی را میگفتم و آنها تعجب می کردند، تا آنکه روز عرفه شد وقتی به حرم حضرت سیدالشهداء اباعبدالله الحسین (علیه السلام) رفتم دیدم بعضی از مردم را بصورت حیوانات مختلف می بینم از شدت وحشت به خانه برگشتم باز دو مرتبه از خانه در همان روز بیرون آمدم ، باز هم آنها را به صورت حیوانات مختلف دیدم . عجیب تر این بود که بعد از آن سفر چند سال دیگر هم ایام عرفه به کربلا مشرف شده ام و تنها روز عرفه بعضی از مردم را به صورت حیوانات می بینم ولی در غیر آن روز آن حالت برایم پیدا نمی شود. لذا تصمیم گرفتم دیگر روز عرفه به کربلا مشرف نشوم و من وقتی این مطالب را برای مردم در اصفهان می گفتم آنها باور نمی کردند و یا پشت سر من حرف می زدند. تا آنکه تصمیم گرفتم که دیگر باکسی از این مقوله حرف نزنم و مدتی هم چیزی برای کسی نگفتم ، تا آنکه يك شب باهمسرم غذا می خوردیم ، صدای در حیاط بلند شد، رفتم در را باز کردم دیدم شخصی می گوید: جعفر حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) تو را میخواهد. من لباس پوشیدم و در خدمت او رفتم مرا به مسجد جمعه در همین اصفهان برد، دیدم آن حضرت در صفحه ای که منبر بسیار بلندی در آن

هست نشسته اند و جمعیت زیادی هم خدمتشان بودند من با خودم میگفتم: در میان این جمعیت چگونه آقا را زیارت کنم و چگونه خدمتش برسم؟ ناگهان دیدم به من توجه فرمودند و صدا زدند جعفر بیا، من به خدمتشان مشرف شدم فرمودند چرا آنچه در راه کربلا دیده ای برای مردم نقل نمی کنی؟ عرض کردم ای آقای من آنها را برای مردم نقل می کردم ولی از بس مردم پشت سرم بدگوئی کردند ترکش نمودم، حضرت فرمودند توکاری به حرف مردم نداشته باش تو آن قضیه را برای آنها نقل کن تا مردم بدانند که ما چه نظر لطفی به زوار جدّمان حضرت ابی عبداللّه الحسین (علیه السلام) داریم. (منبع: کتاب داستانهای از فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام))

من نمی دانستم مسئله به این عظمت است! : شخصی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: «نزد امام صادق علیه السلام رفتم، دیدم حضرت نماز می خواند، بعد از نماز، در سجده مناجات کرد و برای زوار قبر امام حسین علیه السلام بسیار دعا کرد. وقتی مناجات حضرت تمام شد، عرض کردم: فدایت شوم! آنچه من از شما شنیدم، اگر هم برای کسانی بود که خدا را نمی شناسند، گمان می کردم به آتش دوزخ دچار نمی شوند! به خدا که آرزو کردم حسین علیه السلام را زیارت می کردم و حج (مستحبی) انجام نمی دادم! حضرت در پاسخ فرمود: تو که به قبر سیدالشهدا علیه السلام نزدیک هستی، چرا به زیارت او نمی روی؟ عرض کردم: من نمی دانستم که مسئله به این عظمت است. حضرت فرمود: «دعا گویان زوار حسین علیه السلام، در آسمان از دعاگویان او در زمین بیشترند. زیارت را ترک مکن. هرکه آن را ترک کند، آن قدر حسرت می برد که آرزو می کند که قبر حضرت، نزد او می بود.» و سپس حضرت دوباره به تمجید زائران حضرت حسین علیه السلام و بیان فضایل آنان پرداخت.

چرا به زیارت نمی روی؟ : شخصی از بزرگان هند به قصد مجاورت کربلای معلّی به این شهر آمد و مدت شش ماه در آنجا ساکن شد و در این مدت داخل حرم مطهر نشده بود و هر وقت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را اراده می کرد، بر بام منزل خود رفته، به آن حضرت سلام می کرد و او را زیارت می نمود؛ تا این که سرگذشت او را به «سید مرتضی» که از بزرگان آن عصر و مرسوم به «نقیب الاشراف» بود رساندند. سید مرتضی به منزل او رفت و در این خصوص او را سرزنش نمود و گفت: «از آداب زیارت در مذهب اهل بیت علیه السلام این است که داخل حرم شوی و عقبه و ضریح را ببوسی. این روشی را که تو داری، برای کسانی است که در شهرهای دور می باشند و دستشان به حرم مطهر نمی رسد.» آن مرد چون این سخن را شنید گفت: «ای نقیب الاشراف» از مال دنیا هر چه بخواهی از من بگیر و مرا از رفتن معذور دار. هنگامی که سید مرتضی سخن او را شنید بسیار ناراحت شد و گفت: «من که برای مال دنیا این سخن را نگفتم؛ بلکه این روش را بدعت و زشت

می‌دانم و نهی از منکر واجب است.» وقتی آن مرد این سخن را شنید، آه سردی از جگر پر دردتش کشید. سپس از جا برخاست و غسل زیارت کرد و بهترین لباسش را پوشید و پا برهنه و با وقار از خانه خارج شد و با خشوع و خضوع تمام، نالان و گریان متوجه حرم حسینی گردید تا این که به در صحن مطهر رسید. نخست سجده شکر کرد و عتبه صحن شریف را بوسید. سپس برخاست و لرزان، مانند جوجه گنجشکی که آن را در هوای سرد در آب انداخته باشند، بر خود می‌لرزید و با رنگ و روی زرد، همانند کسی که یک سوم روحش خارج گشته باشد، حرکت می‌کرد تا این که وارد کفش کن شد. دوباره سجده شکر به جا آورد و زمین را بوسید و برخاست و مانند کسی که در حال احتضار باشد داخل ایوان مقدس گردید و با سختی تمام خود را به در رواق رسانید. چون چشمش به قبر مطهر افتاد، نفسی اندوهناک بر آورد و مانند زن بچه مرده، ناله جانسوزی کشید. سپس به آوازی دلگداز گفت: «أَهَذَا مَصْرَعُ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ؟ أَهَذَا مَقْتُلُ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ؟؛ آیا اینجا جای افتادن امام حسین علیه السلام است؟ آیا اینجا جای کشته شدن حضرت سیدالشهداء است؟» پس فریاد کشید و نقش زمین شد و جان به جان آفرین تسلیم نمود و به شهیدان راه حق پیوست. (منبع: داستان‌های علوی، ج ۴، ص ۲۱۰/ دارالسلام عراقی، ص ۳۰۱)

گوشت وارد شده به حرم امام حسین علیه السلام: شهید آیت الله دستغیب در کتاب "داستان‌های شگفت" خود این گونه می‌نویسد: «زن و شوهری برای زیارت امام حسین (علیه السلام) ساکن کربلا می‌شوند. روزی مرد وارد قصابی می‌شود و مقداری گوشت می‌خرد و به حرم امام حسین (علیه السلام) می‌رود، بعد از زیارت به خانه برگشته و گوشت را به همسرش می‌دهد و می‌گوید آبگوشتی درست کن. ظهر که می‌شود همسرش به مرد می‌گوید گوشت نپخته است و مرد می‌گوید اشکالی ندارد صبر کن تا شب بپزد. شب که می‌روند سراغ گوشت می‌بینند گوشت اصلاً نپخته است و مرد قصاب را سرزنش می‌کنند که گوشت بی کیفیت به آنها داده است و می‌گذارند تا صبح بپزد. صبح بیدار شدند دیدند گوشت هنوز نپخته است. مرد ظرف غذا را می‌برد قصابی و می‌گذارد روی میز و می‌گوید مرد حسابی ما زائر امام حسین (علیه السلام) هستیم بی انصافی است به ما گوشت بی کیفیت بدهی، از دیروز صبح که گوشت را خریدم تا امروز صبح گوشت اصلاً نپخته است. قصاب لبخندی زد و به او گفت وقتی گوشت را خریدی مستقیم رفتی داخل حرم امام حسین (علیه السلام)؟ زائر گفت چطور؟ بله رفتم. قصاب گفت مگر نمی‌دانی گوشتی که وارد حرم امام حسین (علیه السلام) شود آتش به او کارساز نیست، اگر می‌دانستم قصد زیارت داری به تو می‌گفتم.» در روایات آمده است سوزاندن بدن زائر امام حسین (علیه السلام) بر آتش جهنم حرام است. (منبع: انوارالملکوت، ج ۱، ص: ۲۷۲؛ علامه تهرانی، محمد حسین)

زیارت بدعت است: سلیمان اُعمش گوید که: در کوفه منزل داشتیم و مرا در آنجا همسایه ای بود که طریق اهل بیت نداشت؛ من بعضی از اوقات با او می نشستیم و مذاکره می نمودم. در شب جمعه ای به او گفتم: تو چه می گوئی در زیارت حسین علیه السّلام؟ گفت: بدعت است و هر بدعت ضلالت است. و هر ضلالت در آتش است من با نهایت خشم از نزد او برخاستم و به منزل آمدم، و با خود گفتم: چون سحر شود به نزد او می روم و از فضایل مولا امیرالمؤمنین آنقدر برای او نقل می کنم که از شدت حزن و غصّه چشمانش گرم شود. سحر به منزل او رفتم و در زدم، صدا از پشت در آمد که در منزل نیست و به زیارت حسین به کربلا رفته است. تعجّب نمودم و به شتاب به سمت کربلا حرکت کردم. آن شیخ را دیدم که سر به سجده گذارده، و از رکوع و سجود خستگی نداشت. بدو گفتم: تو می گفتی که زیارت حسین بدعت است و هر بدعت ضلالت و هر ضلالت در آتش است! چه شد که خود به زیارت آمدی؟! گفت: ای مرد! مرا ملامت مکن که من از حقانیت اهل بیت خبری نداشتیم. دوش که به خواب رفتم مردی را در خواب دیدم که نه بلند بود نه کوتاه، و از نهایت حسن و بهاء نمی توانم توصیف کنم. او راه می رفت و اطراف او را هاله وار جماعتی احاطه کرده بودند. و جلوی این جماعت مردی بر اسبی سوار بود که دم اسب او چند بافت داشت، و این مرد تاجی بر سرش بود که چهار گوشه داشت، و بر هر گوشه جواهری رخشان بود که در ظلمات شب هر کدام مسافت سه روز راه را روشن می کرد. پرسیدم: آن مرد که دور او را گرفته اند کیست؟ گفتند: محمد بن عبدالله خاتم النبیین است. پرسیدم که: این سوار که در جلو می رود کیست؟ گفتند: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است. آنگاه بر آسمان نظر افکندم دیدم ناقه ای از نور، و بر آن هودجی است و در هوا حرکت می کند. گفتم: این از آن کیست؟ گفتند: از آن خدیجه بنت خویلد و فاطمه زهراء. گفتم: آن جوان کیست؟ گفتند: حضرت حسن مجتبی. گفتم: این جماعت و این هودج همگی به کجا می روند؟ گفتند که: شب جمعه است و همگی به زیارت کشته شده به تیغ ستم، سید الشهداء حسین بن علی به کربلا می روند. آنگاه متوجه هودج شدم، دیدم رقعۀ هائی از آن به زمین می ریزد و بر روی هر یک از آنها نوشته است: أَمَّا مِنْ النَّارِ لِرُؤَاةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ؛ [آمان از جانب پروردگار است برای زائرین حسین علیه السّلام در شب جمعه از آتش دوزخ. مترجم] آن وقت هاتفی ندا کرد ما را که: آگاه باشید که ما و شیعیان ما در درجه عالیه ای در بهشت قرار خواهیم داشت! ای سلیمان! من از این مکان مفارقت نمی کنم تا روح از بدنم مفارقت کند. [بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۴۰۱]

رقعۀ هائی که از آسمان به زمین می آید برای آمان زائر اباعبدالله علیه السّلام: مرحوم شیخ نوری گوید که: مرحوم طریحی آخر این خبر را چنین نقل کرده است که: آن شیخ گفت: ناگاه دیدم رقعۀ

هائی از بالا به زمین می ریزد. سؤال کردم که: چیست؟ گفتند که: این رقعه های امان است برای زوّار حسین علیه السّلام در شب جمعه. من یکی از آنها برای خود طلب کردم. گفتند: این رقعه ها حقّ تو نیست! تو می گوئی: زیارت حسین بدعت است! هرگز از این رقعه ها نخواهی یافت تا آنکه زیارت کنی حسین علیه السّلام را و اعتقاد کنی به فضل و شرافت او! پس من از خواب بیدار شدم و هراسان بودم، و در همان ساعت قصد زیارت سید خودم حسین علیه السّلام را نمودم.

پاداش زیارت پیاده امام حسین علیه السّلام: استاد علی اکبر مهدی پور می نویسد: حجة الاسلام آقای سید کاظم شاهرودی، داستانی را در مورد جدّ بزرگوارش، مرجع عالیقدر شیعه، مرحوم آية الله سید محمود شاهرودی نقل فرمودند، سپس متنی را که ۱۵ سال پیش نوشته بودند را پیدا کردند و به حقیر دادند، این گونه است: حجة الاسلام و المسلمین آقای سید کاظم بادکوبی نقل کردند که سفری در خدمت آية الله سید محمود شاهرودی پیاده به کربلا رفتیم. وسایل سفر را در مدرسه بادکوبه ای گذاشتیم، برای زیارت امام حسین علیه السّلام با همان حال خستگی و پاهای تاول زده وارد صحن حضرت ابا عبد الله شدیم. یک زائر ایرانی متوجه شده بود که ایشان با پای پیاده به کربلا مشرف شده اند، با اصرار زیاد التماس می کرد که ثواب این زیارت پیاده را به او بفروشند. مرحوم آية الله شاهرودی به تقاضای ایشان اعتنا نکردند و به سوی حرم مطهر حرکت کردند. بعد از زیارت به مدرسه بادکوبه ای آمدیم و استراحت نمودیم. فردا صبح خادم مدرسه آمد و گفت: سید محمود شاهرودی و سید محمد باقر بادکوبه ای کجا هستند؟ یک نفر کارشان دارد. بعد از ملاقات متوجه شدیم که او همان شخص دیروزی است که می خواست ثواب زیارت ما را بخرد. او گفت: دیشب حضرت ابا عبد الله علیه السّلام را در عالم رؤیا دیدم که در مجلسی تشریف دارند و جمعی در اطراف آن حضرت هستند. من با گریه خدمت حضرت رسیدم و عرض کردم که من می خواستم ثواب زیارت پیاده دو سید را بخرم و آن دو سید قبول نکردند. حضرت ابا عبد الله علیه السّلام به کسی روی کردند و فرمودند: برو به نزد برادرم حضرت عباس و بگو: ثواب زیارت پیاده سید محمود شاهرودی و سید محمد باقر بادکوبه ای چقدر می باشد؟ من با آن شخص به محضر حضرت عباس علیه السّلام رفتم. ایشان نیز در صحن نشسته بودند و جمعی در اطراف ایشان بودند. آن شخص این مطلب را از حضرت عباس علیه السّلام پرسید. حضرت رو کردند به ملائکه ای که در آنجا حضور داشتند و فرمودند: ثواب زیارت پیاده آن دو سید را چقدر می نویسید؟ ملائکه مرا با خود بردند و از من پرسیدند: چه می بینی؟ نگاه کردم دیدم که آسمان در حال بارش است، گفتم: باران می بینم که در حال بارش می باشد. به من فرمودند: اگر خداوند به ما امر بفرماید که قطرات این باران را حساب

کنیم، می توانیم آن را حساب کنیم، ولی ما قدرت نداریم که ثواب زیارت پیاده این دو سید را حساب کنیم. (جرعه ای از کرامات امام حسین، ص ۱۲۰)

زیارت امام حسین علیه السلام درگذر زمان

شیخ عباس قمی در کتاب نفس المهموم نوشته است: «متوکل عباسی دستور داد قبر مطهر سیدالشهدا علیه السلام را خراب کردند، شخم زدند و به آب بستند. هم چنین فرمان داده بود هیچ کس حق ندارد به زیارت امام علیه السلام مشرف شود و هر کس به زیارت برود، مجازات می شود». محمد بن حسین اشنانی می گوید: «من در آن ایام از ترس متوکل، مدتی به زیارت آن حضرت نرفتم. سرانجام تصمیم گرفتم به هر طریقی شده است به زیارت مشرف شوم. با مردی که شغلش عطاری بود، همراه شدم و با زحمت فراوان، خود را به مرقد پاک و مطهر امام علیه السلام رساندم. گرچه اثری از قبر شریف نبود، سرانجام موفق شدیم که مرقد مطهر را پیدا کنیم. خود را به روی آن انداختیم و به شدت گریستیم. چنان بوی خوشی از آن استشمام می شد که عطر فروش گفت: هرگز بویی به این خوشی نبویده بودم. آن گاه چند نشانه بر قبر مبارک گذاشتیم و وداع کنان از آن مکان شریف دور شدیم. پس از مرگ متوکل، با جمعی از سادات و شیعیان حاضر شدیم و آن را به صورت ساختمان اولیه بازگردانیدیم».

در گذر زمان همواره شاهد موانعی هستیم که حکومت های ظالم بر سر راه زائران کربلا ایجاد می کردند. در سال های اولیه پس از واقعه عاشورا، زیارت کربلا سهم به سزایی در معرفی حق و باطل، یا مظلوم و ظالم داشت. از سال ۶۱ ه.ق که واقعه عاشورا اتفاق افتاد، تا سال ۱۳۲ که حکومت بنی امیه با مرگ مروان بن محمد (معروف به مروان حمار) به پایان رسید، همواره زوار حضرت در مضیقه بودند و رفتار زشت دستگاه حاکم را تحمل می کردند. مردمی که به سوی مقبره حسینی می رفتند، با یادآوری آن واقعه دردناک متوجه ظلم و جور بنی امیه می شدند و به سبب مظلومیت آل طاهرا، متأثر و به سوی امام معصوم جذب می شدند. زیارت امام حسین (ع) انقلابی در فرد ایجاد می کرد و در جریان سفر روشنگری اتفاق می افتاد؛ پرده از چهره پلید بنی امیه کنار می رفت و حقانیت خاندان علی (ع) را آشکار می کرد. آشکار شدن مظلومیت ائمه چنان بالا گرفت که خلفای بنی امیه تصمیم گرفتند جلوی سیل زائران کربلا را بگیرند. امرای بنی امیه برای مقابله با زائران، در اطراف کربلا پاسگاه هایی تعبیه کردند. نگهبانان این پاسگاه ها افرادی بسیار تندخو و خشن بودند که با زوار برخورد می کردند. گاهی اوقات زائران به روستاهای غاصریه و نینوا که در شمال شرقی و جنوب شرقی حائر حسینی قرار داشت، عزیمت و از این دو دهکده به عنوان پوشش استفاده می کردند. زوار،

آنجا را هدف و مقصد خویش قرار می‌دادند و بعد از توقف کوتاهی، پنهانی به سوی قبر شریف می‌رفتند و اگر به دام شرطه‌های حکومت می‌افتادند، به شدت مجازات می‌شدند؛ اما عاشقان دلباختهٔ اباعبدالله (ع) دست از زیارت نکشیدند. آنان پیاده و شبانه، پنهان و ترسان، تنها و دسته‌جمعی به طرف کربلا می‌رفتند. پس از بنی امیه، در زمان عباسیان نیز این موانع کم و بیش وجود داشت. بنی عباس بعد از آنکه پایه‌های حکومت خویش را استوار کرد، دست به تخریب قبر مطهر و برخورد با زائران زد. چنانچه در تاریخ نقل شده اولین کسی که مرتکب چنین جسارتی شد، منصور دوانقی بود. از ویژگی‌های منصور کینه‌توزی نسبت به اهل بیت و فرزندان پیامبر (ص) و دوستداران آنان بود. ظلم منصور و پرده‌داری او به جایی رسید که علمای دین سخت به معارضه با او پرداختند؛ دو تن از رؤسای مذاهب چهارگانهٔ اهل سنت (ابوحنیفه و مالک بن انس) برای مردم مدینه فتوا دادند که بیعت با منصور مطابق شرع نیست. در آن شرایط که مردم به سختی و مشقت به زیارت می‌رفتند، ترس جان داشتند یا به عقوبت و شکنجه‌های سنگینی دچار می‌شدند؛ تنها موضوعی که راه زیارت را هموار می‌کرد، سخنان امام باقر و امام صادق علیهما السلام بود. ایشان با بیان ثواب زیارت سیدالشهدا (ع) خصوصاً در هنگام ترس از حاکم، مردم را به زیارت تشویق می‌کردند. زراره از حضرت باقر (ع) می‌پرسد: «چه می‌فرمایی دربارهٔ کسی که زیارت پدرت را با ترس انجام دهد؟» امام پاسخ می‌دهد: «روز قیامت که بیشترین ترس و وحشت افراد را فرا می‌گیرد، خدا او را در امان می‌دارد و فرشتگان به بشارت با او برخورد می‌کنند و می‌گویند: مترس و اندوهگین مباش، که این روز کامیابی و رستگاری توست.» در فاصلهٔ زمانی ۷ ساله بین مرگ منصور و به حکومت رسیدن هارون الرشید (۱۵۸ - ۱۶۵ ه.ق)، محبان آسوده‌تر از قبل به زیارت اباعبدالله (ع) می‌رفتند. هارون الرشید که در اواخر حکومتش از علاقهٔ مردم به اهل بیت و حجم زوار کربلا مطلع شد، دستور داد آثار حسینی را محو کنند. بعد از مرگ هارون الرشید تا زمانی که متوکل به حکومت رسید، مردم در امنیت بیشتری بودند و بدون دغدغه به زیارت می‌رفتند. در سال ۲۳۲ ه.ق که متوکل عباسی برسرکار آمد، برخورد با زائران و تخریب و اهانت به قبر مطهر به اوج خود رسید. او که به دشمنی با خاندان امیرالمومنین علی (ع) شهره بود، در طول دوران خلافتش ۴ بار دستور تخریب حائر حسینی را داد. در یکی از این دفعات فردی به نام «ابراهیم دیزج یهودی» را مأمور تخریب قبر شریف کرده بود. وی با غلامان خود به سوی مقبره رفت و درون حائر شریف را آب بست تا در آنجا زراعت کنند. آنان تصمیم داشتند با گاوهایی زمین را شخم بزنند که به امر خدا گاوها پیشروی نکردند. متوکل که قبر امام حسین (ع) را پایگاهی علیه حکومت خود می‌دید، متوجه شد که مردم شبانه به زیارت می‌روند. از این رو پاسگاه‌هایی را نزدیک شهر کربلا ایجاد کرد. مأموران متوکل به

محض اینکه متوجه می‌شدند شخص برای زیارت می‌رود، او را دستگیر می‌کردند. چندی بعد مردم را تهدید کرد که اگر بعد از سه روز کسی را اطراف قبر ببینم، او را دستگیر می‌کنم و به غل و زنجیر می‌کشم. علاوه بر این در برخی نقل‌های تاریخی آمده اگر زائری را در مسیر می‌یافت، او را می‌کشت یا به شدت مجازات می‌کرد. سرانجام متوکل دستور داد زیارت قبر امام حسین (ع) به شرط قطع دست راست، آزاد است! در اندک زمانی صف مشتاقان زیارت با وجود این شرط نیز طولانی شد. مسعودی، مورخ بزرگ، در کتاب مروج الذهب می‌نویسد: خانمی که به قصد ثبت نام زیارت حرم امام حسین (ع) مراجعه کرده بود، دست چپ خود را برای قطع کردن بیرون آورد. مأموران به وی متذکر شدند که بهای زیارت، قطع دست راست است. خانم با نشان دادن دست قطع شده خود گفت: «دست راستم را سال گذشته قطع کردید!». با تمام این سختگیری‌ها، مجدداً به متوکل خبر رسید که مردم دسته‌دسته برای زیارت مقبره حسینی می‌روند. وی یکی از سرلشگرانش را همراه سپاهی به سوی کربلا روانه کرد و دستور داد بین مردم به بیزاری از زائران قبر مطهر جار بزنند و مردم را از رفتن به زیارت بازداشت و به تعقیب خاندان اَبی‌طالب و شیعیان پرداخت و تعداد بی‌شماری از آنان را به قتل رساند. شدت سختگیری بدانجا رسید که متوکل دستور داد هرکس حتی قصد زیارت دارد، او را بکشید. چهارمین اقدام متوکل برای تخریب قبر مطهر امام حسین (ع) مصادف بود با زیارت نیمه شعبان؛ همان زمان که افراد زیادی مشتاقانه برای زیارت در کربلا حضور می‌یابند. این تخریب هم مجدداً با آزار و اذیت و دستگیری و کشتار زائران همراه بود. در این شرایط و خفقانی که متوکل ایجاد کرده بود، امام هادی (ع) مردم را به زیارت کربلا تشویق می‌کردند و می‌فرمودند: «همانا برای خداوند سرزمین‌هایی است که دوست دارد در آن عبادت شود و حائر الحسین (ع) یکی از آن سرزمین‌هاست.» حضرت گاهی افرادی را نایب می‌کردند که از سوی ایشان به زیارت کربلا مشرف شوند و آنجا برای امام دعا کنند. چند قرن بعد از سقوط عباسیان، در حادثه‌ای که در سال ۱۲۱۶ ه. ق رخ داد، وهابی‌ان به شهر کربلا حمله کردند. مردم که غافلگیر شده بودند، دروازه‌های شهر را بستند؛ اما آنان دروازه را شکستند و به داخل شهر هجوم آوردند. وهابیون شروع به تخریب و ویرانی حرمین کردند و نزدیک به پنجاه نفر را کنار ضریح و پانصد نفر را در صحن شریف به قتل رساندند. بعضی، تعداد کشته‌شدگان را نزدیک به هزار نفر اعلام کردند. در قرن اخیر و در زمان حکومت صدام و بعثی‌ها نیز موانعی برای زیارت کربلا وجود داشت. در سال ۱۳۹۷ ه. ق در ایام اربعین حسینی، مردم عراق سنت دیرین «پیاده‌روی» را از طریق جاده‌های غیر رسمی که از کنار فرات می‌گذشت، به جا می‌آوردند. این پیاده‌روی که رنگ و بوی مبارزه با رژیم وقت عراق را به خود گرفت، به درگیری سختی میان نیروهای بعثی و زائران پیاده ابا عبدالله منجر شد که در نهایت کشته و مجروحان زیادی

به جا گذاشت. آن سال به «اربعین خونین» معروف شد. چندی بعد در سال ۱۴۱۱ ه. ق (انتفاضه معروف ۱۹۹۱ عراق) صدام با سلاح‌های مختلف در نجف و کربلا مردم را به خاک و خون کشید و با توپ و تانک گنبد و بارگاه حرمین شریف را مورد اصابت قرار داد. وی از یکی از ژنرال‌های ارتش بعث خواست که به زائران حرم حضرت عباس و امام حسین (علیهما السلام) حمله‌ور شود. صدام حتی دستور داد افرادی را که توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند، در همان جایی که بازداشت شدند، اعدام کنند. آری، در طول تاریخ همواره مشکلاتی بر سر راه زیارت کربلا وجود داشته است؛ البته در سال‌های اخیر این مشکلات مرتفع شده و مردم با آسودگی بیشتری سفر می‌کنند. تا این سالها که جمعیت بیست ملیونی به زیارت امام شهیدان میشتابند. آنچه قابل توجه است اینکه، هیچ چیز نمی‌تواند راه زیارت را ببندد و شور و حرارت حسینی را خاموش کند. چنانچه رسول خدا (ص) فرمودند: «به‌درستی که از شهادت حسین (ع) حرارتی در قلوب مؤمنین است که هرگز سرد نمی‌شود.»

گزارش از پیاده روی اربعین

محبة الحسين "خاطراتی از زائر پیاده ی کربلا در اربعین" تاریخ: یکشنبه بیست و چهارم آذر ۱۳۹۲ | نویسنده: سید رسول رضائی: وقتی عمود ۲۵۳ را رد کرده بودیم، دیگر واقعاً توانی برای حرکت نداشتیم، آرزو می‌کردم بچه‌هایی که همراه بیرق، تقریباً صد متر جلوتر از ما حرکت می‌کردند، لحظه‌ای برای استراحت درنگ کنند تا با نوشیدن یک استکان چای عربی - که هزاران زائر از آن استکان نوشیده بودند و آن مرد عراقی هر بار تنها آنها در ظرف آبی فرو می‌کرد تا مثلاً آن را بشوید - توان دوباره‌ای برای راه رفتن بیابیم. در همین حال ناگهان مرد میانسال عربی را دیدم که از شدت عرق ریختن در آن سرمای زمستانی، تمام یقه لباس مندرسش خیس شده بود. باور نمی‌کنی اگر بگویم با دیدن او تمام خستگی وجودم از بین رفت و جایش را به‌نوعی خجالت همراه با سرافکندگی داد. خودم را به او رساندم، برای اینکه بتوانم با او صحبت کنم کمی خم شدم، چون هر دو پایش معلول بود و در حالت نشسته با دست هایش راه می‌رفت، بعد از سلام و احوالپرسی از او پرسیدم: «حضرتکم من این؟» (اهل کجایی؟) و او در حالی که نفس نفس زنان خود را سانتی متر به سانتی متر به جلو می‌کشید جواب داد: «مِن دیوانیه» (اهل شهر دیوانیه هستم). من در حالی که بغض تمام گلویم را گرفته بود از او سوالاتی می‌پرسیدم و او همان‌طور که کشان کشان خود را به جلو می‌کشید، بریده بریده به همه آنها پاسخ می‌داد. کم کم این گفتگوی ما توجه عده‌ای از زائران را به خود جلب کرد و عده‌ای با دوربین‌های خود، متعجبانه، حرکت آرام ولی عاشقانه این مرد میانسال عراقی را ثبت

کردند. وقتی در پایان گفتگویم با او، از سختی‌های راه پرسیدم و اینکه چه عاملی او را به این راه صعب و دشوار کشانده است، لحظه‌ای از حرکت باز ایستاد و به صورتم خیره شد، از عمق نگاه خسته‌اش می‌شد به صداقت لهجه‌اش که از یک ایمان راسخ حکایت داشت، پی برد، با همان حالت گفت: «محبة الحسين».

واقعۀ ای شگفت انگیز از زائرین مشهد: مرحوم فاضل عراقی در دارالسلام نقل کرده است در سال ۱۲۹۸ هجری قمری این معجزه واقع گردیده و در مدارك معتبر موجود است و خلاصه‌اش آن است که در سال مزبور که نود و چند سال قبل است چند نفر از بحرین جهت زیارت حضرت رضا(ع) حرکت می‌کنند عده‌ای از اهل اخلاص با زن و بچه به مشهد حضرت رضا می‌آیند و مدتی توقف می‌نمایند. خرجیشان برای برگشت تمام می‌شود تصمیم داشتند از مشهد به کربلا و بعد بصره بیایند و از طریق دریا به وطن خودشان (بحرین) برگردند حالا چه کنند نمی‌توانند بمانند و نمی‌توانند برگردند. متوسل به حضرت رضا(ع) می‌شوند کسی هم به آنها قرض نمی‌داد تا روز چهاردهم رجب هنگام ظهر می‌خواستند دسته جمعی به حرم مشرف شوند يك نفر به آنها گفت شما خیال کربلا ندارید گفتند چرا اما وسیله نداریم گفت من چند قاطر دارم در اختیارتان می‌گذارم. گفتند ما خرجی راه نداریم گفت آن را هم می‌دهم گفتند مقداری هم در همین جا بدهکاریم گفت بدهی را نیز می‌پردازم. همین امروز عصر درب دروازه سوار شوید. آماده شدند درب دروازه سوار شدند و به راه افتادند این طور که ثبت کرده اند سه ساعت تقریباً حرکت کردند گفت پیاده شوید همین جا نماز بخوانید و شامتان را بخورید من همین جا قاطرها را می‌چرانم و قدری استراحت می‌کنم. مسافرین پیاده شدند و کارشان را کردند مدتی گذشت خبری از آن شخص و قاطرهایش نشد. ناراحت شدند مردها این طرف و آن طرف گشتند شب مهتابی است لکن هیچ اثری از آن شخص و قاطرها نیست گفتند کلاه سر ما گذاشته چه کنیم؟ هوا روشن شد نمازشان را خواندند این طور تصمیم گرفتند که سه ساعت راه که بیشتر نیامده اند به مشهد برمی‌گردند تا در بیابان نمیرند. بارشان را بستند حرکت کردند مقداری که رفتند چشمشان به نخل افتاد نخلستان کجا خراسان کجا! چشمشان به يك نفر عرب افتاد تعجب کردند لباس عربی اینجا؟! پرسیدند اینجا کجاست؟ گفت: کاظمین است. تعجب کردند پیشتر آمدند چشمشان به دو گنبد مطهر موسی بن جعفر و جوادالایمه افتاد شوق عجیبی پیدا کردند ضجه کنان وارد حرم شریف می‌شوند مردم خبردار می‌گردند و این قضیه تاریخی از مسلمات است. (چهل داستان نوشته اکبر زاهری)

روایتی از پیاده روی از نجف به کربلا در اربعین حسینی سال ۹۴ توسط احمد درزی ۱۴ آذر ۱۳۹۴: از روایت زن مسلمان شده آمریکایی تا کاروان کانادایی‌ها در مسیر کربلا: در مسیر کربلا هر کس در

حد توانش عشق خود به حسین (ع) را نمایان می کند. داستان عاشقان حسینی در حماسه اربعین حسینی شنیدنی است. طریق الحسین (ع) این روزها یک مسیر بین المللی است و شیعیان از همه کشورهای اسلامی در این مسیر به چشم می خورند. در خانواده مسیحی به دنیا آمد و اهل آمریکا بود. بانوی مسیحی تازه مسلمان شده آمریکایی در موبک مسجد مقدس جمکران می گفت: «از زمان نوجوانی به کتاب علاقه زیادی داشتم و اهل مطالعه بودم و مادرم هم به مناسبت های مختلف کتاب برایم می خرید و بهترین هدیه اش برایم کتاب بود.» این خانم آمریکایی که «سمیرا کامر» نام دارد این داستان خواندنی زندگی خود را روایت می کند: «از آن دوران همیشه سعی می کردم مطالعات دینی ام را هم بالا ببرم و بارها در خصوص دین مسیحیت سوالات متعددی برایم پیش می آمد که جواب قانع کننده ای برای آنها نمی یافتم و همیشه این سوال برایم مطرح بود که چطور ممکن است خداوند دارای فرزند باشد تا اینکه با اسلام و مکتب شیعه آشنا شدم. حالا سمیرا در مسیر کربلا پیشانی بند مشکی یا مهدی (عج) بر سر بسته و از حس و حالش در طریق الحسین (ع) روایت می کند: «رسیدن به این جاده سختی های بسیاری برایم داشت تا اینکه به نجف رسیدیم، اما وقتی حرکت خود را از سمت نجف اشرف به کربلائی معلی آغاز کردیم چیزی جز زیبایی ندیدم. متأسفانه این جریان عظیم اربعین که میلیون ها نفر از شیعیان در آن حضور دارند از سوی شبکه های تلویزیونی و رسانه های کشورهای اروپایی و آمریکایی در بایکوت خبری است، چرا که آنها می دانند اگر این عشق و ارادت به سیدالشهداء (ع) را به تصویر بکشند؛ قطعاً در اذهان سایر ادیان سوالات فراوانی در خصوص واقعه اربعین و عاشورا پدید می آید و عشق امام حسین (ع) بسیاری از دل ها را فتح خواهد کرد.»

کاروان صد نفره غربی ها در کربلا: هر کدام از زائران در رسیدن به طریق الحسین (ع) برای خودشان سرنوشت شنیدنی دارند و بیشتر زائران خارجی هم در قالب کاروان های چند نفره راهی کربلا شده اند. «هنا الحاف» ۴۸ سال دارد که لبنانی الاصل مقیم کاناداست و ۲۸ سال در شهر مونترال زندگی می کند. هنا زائر اربعین حسینی است که از نجف با پای پیاده به سمت کربلا حرکت کرده است می گوید در کانادا رستوران دارد و به صورت خانوادگی این رستوران را می گردانند و خیلی از ایرانی ها هم به رستوران شان می روند. او ماجرای سفر به کربلا را اینچنین روایت می کند: «ما در کانادا یک موسسه به اسم موسسه امام حسین (ع) داریم که در روز عاشورا امام جماعت مسجد این موسسه در خصوص اهمیت زیارت اربعین سخنرانی کرد و گفتند که یکی از علائم مومنان همین زیارت اربعین است و از همان زمان تصمیم گرفتیم برای آمدن به کربلا در روز اربعین برنامه ریزی کنیم. همین سخنان باعث شد تا ما شیفته این مراسم پیاده روی اربعین شویم و البته از سال های

گذشته نیز تصاویر این پیاده روی مردم را از نجف اشرف به سمت کربلا در شبکه های لبنانی دیده بودم و خیلی دلم می خواست در این جمع حضور داشته باشم.» بانوی کانادایی می گوید ما صد نفر شدیم و از سوی همین موسسه امام حسین (ع) از کانادا به عراق آمدیم و در جمع ما هم زائرانی از کشورهای همچون فرانسه، انگلیس، لبنان و کانادا و آمریکا هم هستند. او از علاقه اش فراوانش به زیارت امام رضا (ع) هم می گوید و آرزو دارد بعد از زیارت امام حسین (ع) به ایران و زیارت امام رضا (ع) برود.

هر مشکلی پیش بیاید فدای حسین (ع) : اسد منتاج هم دیگر زائر کانادایی اربعین حسینی است که ۳۷ سال دارد و می گفت در کانادا در یک شرکت کامپیوتری کار می کند که به همراه همین موسسه امام حسین (ع) به کربلا آمده است. «احساسم را نمی توانم بگویم و این همه عظمت و جمعیت برای همه ما شوق آور است و هر قدمی که در این مسیر برمی داریم، هم دوست داریم زودتر تمام شود و به کربلا برسیم و به زیارت امام حسین (ع) برویم و هم دوست داریم که تمام نشود و این عشق و ارادت به امام حسین (ع) را بیشتر درک کنیم.» او می گوید دوست دارم هر سال بیایم در این مراسم شرکت کنم و وقتی برگشتم دوستانم را هم برای سال آینده خواهم آورد تا این عظمت را ببینند و به شیعه بودن خود افتخار کنند. از اسد می پرسیم در این مدتی که مرخصی گرفته ای و به زیارت آمده ای برای مشکلی بوجود نمی آید؟ که جواب می دهد هیچ مشکلی ندارم و همه این ها فدای امام حسین (ع) و حتی اگر بیرونم کردند هم به این آمدن راضی هستم.

بهشت یعنی مسیر پیاده روی اربعین : عباس علی هم یک مهندس هندی است که در بین زائران اربعین حسینی حضور دارد که تحصیلاتش را در انگلیس به اتمام رسانده و در خانواده ای مسلمان و شیعی بزرگ شده است. «در مسیر پیاده روی اربعین از نجف به کربلا صحنه های زیبایی را دیدم و این شوق و شور مردم در حرکت به سمت حرم امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) وصف نشدنی است.» عباس با بیان اینکه هیچ گاه نمی توان بهشت را در این دنیا به تصویر کشید، ادامه می دهد: «اگر من بخواهم تصویری از بهشت را به دیگران نشان دهم، این مسیر پیاده روی اربعین که به حرم امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) ختم می شود را نشان خوام داد. امروز چیزی که همه امت اسلام و مسلمین به آن نیاز دارند، صلح و عدالت است و به نظرم این موضوع مهمی است که می تواند مقدمه ظهور باشد.»

دعای دو میزبان زائرین برسر بردن زائر به منزل : در جاده نجف به کربلا در حال پیاده روی بودیم، که چند نفر از بچه ها خسته شدند، هواتاریک بود و موکب ها پر شده بودند، کنار عمودی ایستادیم تا نفس تازه کنیم، ناگهان ماشینی توقف کرد : هله بزوار ؛ هله بزوار . من که عربی بلد بودم با او خوش

و بشی کردم ، صاحب ماشین گفت که باید به خانه من بیایید ، با اصرار او به خانه اش رفتیم ، جمعیتمان دوازده نفر میشد ، بعد از استقبال گرم و صرف شام ناگهان صدای دعوا و داد و بیدادی از درب خانه بلند شد ، به جلوی در آمدیم دیدیم صاحبخانه با همسایه اش دعوا گرفته اند ، از بحثشان فهمیدم که صاحب این خانه پسری دارد که قاتل پسر همسایه بوده ، پدر مقتول امشب را در خانه اش بدون زائر به سر میکرده ، و وقتی متوجه آمدن ما به این خانه شده ، آمده تا ما را به خانه خود ببرد و صاحب خانه هم ممانعت کرده ، پدر مقتول حرفی زد که کمتر کسی میتواند به زبان آورد ، زائر هایت را بده از خون پسرم گذشت خواهی کرد و پسر را میبخشم . شوخی نیست . از خون فرزند گذشتن . پدر قاتل با بیرون کردن ما از خانه اش میتواند دوباره پسرش را ببیند ، و برای همیشه در کنار خودش داشته باشد . اما جوابی داد که همه ما گریه کردیم . زائر ها را نمیدهم ، قصاصش کن . اینجا بود که فهمیدم چقدر زائر حسین بودن مقام و منزلت دارد .

پذیرائی با ماست : در مسیر بغداد به کربلا که معمولاً ایرانی ها از آن عبور نمی کنند ، به موکبی مختصر و بی زرق و برق رسیدیم . چایی داشت و کمی نان و چند ظرف یک نفره ماست . ماست از تعداد ما کم تر بود و من ماست را در لیوان با کسی تقسیم کردم . گرداننده موکب با دیدن این وضع مدتی بعد با قابلمه ماست برگشت و از همان ماست اندکی که ته قابلمه مانده بود برای من کشید . چند دقیقه بعد قطره ای ماست روی لباسم ریخت . باز دیدم یکی از اهل موکب برخاست و رفت و مدتی بعد با دستمال تمیزی برگشت و گفت ما برای این موکب از اربعین تا اربعین ذخیره می کنیم .

دکتر محسن اسماعیلی از حضرت استاد آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی (قدس سره الشریف) نقل میکند که ... یکی از دوستان برای وداع به محضر ایشان رسید . او می خواست برای زیارت اربعین عازم کربلا شود . آمده بود تا ضمن خداحافظی دستورالعملی بگیرد . من نیز در محضر استاد بودم تا شنید که او مسافر کربلاست ، منقلب شد . با افسوس ، آهی از نای جان برآورد و یاد سالهایی کرد که مقیم نجف بوده و در چنین ایامی پیاده به سوی حرم امام حسین (ع) می شتافت . به راهپیمایی اربعین و آثار معنوی اش سفارش کرد و در ضمن گفته هایش به خاطره ای از گرفتن حاجت از این قدرت نمایی شیعی اشاره کرد : «یکسال از طریق کنار شط به کربلا می رفتیم . این طریق دو برابر مسافت جاده ، اما با صفا بود ، من و مرحوم آقاسید عبدالهادی (شیرازی) جلو می رفتیم و تعدادی از طلاب و معاریف هم پشت سر ما در حرکت بودند . تقریباً یک ساعت به غروب بود که در راه ، زنی از عشایر جلو ما را گرفت و برای پذیرایی و استراحت به درون میهمانخانه اش (که مُضیف می نامند) دعوت کرد . آقاسید عبدالهادی که اهل نجف هم بود ، تشکر کرد (تا بتوانیم راه بیشتری طی کنیم) . اما آن زن اصراری بی اندازه کرد . وقتی ایشان دوباره نپذیرفت ، عصبانی شد و شروع به

پرخاش کرد! زن عرب ناگهان و درحالی که عصبانی بود، مرا بغل کرد تا به زور به سمت مُضیف ببرد و شوهرش را هم به کمک صدا زد! «استاد در حالی که چهره اش گلگون و برافروخته تر شده بود، ادامه داد: «بالاخره چاره‌ای نبود و با همراهان به مُضیف آن‌ها رفتیم که با سَعَف و نی ساخته بودند و خیلی هم کوچک بود؛ به طوری که مجموع ما که حدود ۲۰ تا ۲۵ نفر بودیم، شب به سختی خوابیدیم. به هر حال شوهر آن زن دلیل اصرارشان را که یک نذر بود توضیح داد و گفت: ما چندین سال است که ازدواج کرده ولی بچه‌دار نشده بودیم. پارسال به کربلا رفتیم؛ به حرم (حضرت) عباس؛ و به او گفتیم: اگر در سال بعد بچه‌دار باشیم، زائرانِ برادرت را پذیرایی می‌کنم و حالا بچه‌دار شده‌ایم. آن مرد رفت و نوزادشان را آورد و ما دیدیم. آن زن و شوهر خیلی هم فقیر بودند. یک گوسفند بیشتر نداشتند. آن مرد همان گوسفند را هم ذبح کرد و درسته پخت و سر سفره آورد...»

عراقی‌هایی که در مسیر نجف تا کربلا خانه دارند یا موکب‌هایی را به پا کرده‌اند، یک سال تمام برای رسیدن این روزها و پذیرایی از زائران کربلای معلی لحظه شماری کرده‌اند. از میان این مردمان آنهایی که دست‌شان به دهن‌شان می‌رسد پذیرایی مفصل‌تری می‌کنند. بسیاری خانه و کاشانه‌شان را در شهرهای مختلف عراق رها کرده‌اند و به قول خودشان با عشیره و طایفه برای میزبانی از زائران آمده‌اند، تعدادی هم مثل خانواده فاطمه که ساکن شهر «حله» هستند - و عمویش در مسیر نجف تا کربلا یعنی درست رو به روی عمود ۴۲۴ خانه‌ای ساخته - هر ساله با آغاز ماه محرم به این منطقه می‌آیند تا پذیرایی میهمانان امام حسین (ع) باشند. می‌گویند: ما که توان مالی زیادی نداریم مثل عموم هزینه کنیم، اما شبیه به خیلی از عراقی‌ها با پایان ماه صفر قلکی را در گوشه خانه می‌گذاریم، هر روز در آن پول می‌ریزیم و با آغاز ماه محرم سال بعد قلک را می‌شکنیم و همه پول داخل آن را به اضافه حقوق کامل یک ماه مان با خود به اینجا می‌آوریم و خرج پذیرایی از زائران می‌کنیم. اما در میان مردمان عراق هستند کسانی که وسع مالی‌شان به عمو و حتی خود خانواده فاطمه هم نمی‌رسد، ولی وسعت قلب‌شان به یک اقیانوس می‌رسد. شبیه دختر بچه موطلائی که سر و وضعش نشان می‌دهد از خانواده‌ای تنگدست است. بسته‌ای دستمال کاغذی به دست گرفته و بین جمعیت وول می‌خورد و به زبان عربی می‌گوید: «تَفَضَّلْ مِنْدِيل» (بفرمایید دستمال)؛ تمام توان او و مادرش برای پذیرایی از زائران امام حسین (ع) همین بسته دستمال است و هر بار که زائری یک دستمال بر می‌دارد و تشکر می‌کند، «عذرا» از میان جمعیت به مادرش که گوشه خیابان ایستاده و چادر عربی به سر و رو بنده‌ای به چهره دارد، نگاهی می‌کند و لبخندی از سر رضایت تحویلش می‌دهد، یا «سکینه» که دست برادرش «عمار» را گرفته و شیشه عطر کوچکی را به زائران تعارف و مدام تکرار می‌کند «اضع لک قليلاً من الرايحه»، یا آن پسر بچه معلولی که روی زمین

نشسته و تنها باید سرت به زیر باشد تا او را ببینی، اما خودش بی خیال نگاه آدم ها، با چشم هایش کفش های خاکی را دنبال می کند و بی وقفه خودش را روی پاها می اندازد تا اجازه دهند غبار کفش هایشان را پاک کند یا آن مرد بلند قدی که دشداشه عربی به تن دارد و صورت پر چین و چروک و آفتاب سوخته اش خیس اشک است و با لحنی التماس وار، به زائران می گوید «هلبیکم زائر، تفضلوا الی منزلنا» (خوش آمدید زائران، بفرمایید منزل ما)؛ خواسته اش بیشتر رنگ التماس دارد! خانه ای محقر دارد اما بی شک دل دریایی اش خریداری بس سخاوتمند دارد و من یقین دارم سهم تک تک این آدم ها از این همه گشاده رویی نگاهی مهربان و گیرا خواهد بود. خورشید از وسط آسمان کناره گرفته و چند ساعتی تا تاریکی باقی نمانده است، اما هزاران علامت سوال در ذهن من روشن شده و تا به اینجای راه بارها از خودم پرسیده ام تک تک این آدم ها که هر کدام شان به زبان و گویش متفاوتی صحبت می کنند، آنهایی که در ظاهر با خودشان حرف می زنند، اما انگار گوش شنوایی پیدا کرده اند تا دلگفته هایشان را بشنود، مردان و زنانی که تمام دارایی شان را وسط گذاشته اند تا خریدار لبخند و دعای زائر امام تشنه لب باشند و خرد و کلان عراقی بدون فکر کردن به اینکه در میان این همه گرد و خاک و آدم های جورواجور چه بر سر فرزندشان می آید یا قرار است چه کسی در خانه شان شب را به صبح برساند، می گویند «بلکه با میهمان نوازی از زائران ذره ای از عذاب وجدان مان کم شود» غم عشق چه کسی این طور بیابان پرورشان کرده، سرچشمه این همه توان واشتیاق کجاست، این سیل جمعیت چه چیزی گم کرده و کجای این جاده عاشقی گمشده شان را پیدا کرده اند که این طور آسیمه سر، مسیر سخت بیابان را به شوق دیدار حرم قدم برمیدارند.

(روزنامه ایران، شماره ۶۶۳۹ به تاریخ ۹۶/۸/۱۷، صفحه ۱۶ (زندگی))

به گزارش جهان به نقل از فارس، علی احدی از شهر اراک به پاس میهمان نوازی ملت عراق از زوار ایرانی در ایام اربعین حسینی شعری سروده و برای خبرگزاری فارس ارسال کرده است.

از درِ میهمان نوازی هیچ کم نگذاشتی - جز غم سالار بی سر جای غم نگذاشتی
 من غریب و خسته و تو سینی چایت براه - پس مرا بی مهر مادر، مادرم نگذاشتی
 با نجابت از کنار سفره ات رد می شدم - با صفا، با گریه، با غم، با قسم نگذاشتی
 کوچه کوچه، پشت هر در، میزبان با گریه گفت - چشم هایم خیره ماندند و قدم نگذاشتی
 فارغ از رنگ و نژاد و لهجه، با قانون عشق - هیچ فرقی بین اعراب و عجم نگذاشتی
 با امید "یقرض الله" و "اضاعفا کثیر" - در حسابت هیچ از مال و حشم نگذاشتی
 کشورت را "کل ارض کربلا" انگذاشتی - صحنه را بی ساقی و مشک و علم نگذاشتی
 در هجوم لشگر شیطان چنان کوهی سترگ - قبله گاه عاشقان را بی حرم نگذاشتی

به گزارش مشرق، مجتبی محمودی مهماندوست: برآستی حیات اربعین حیاتبخش امروز از کجاست؟! و چگونه است که عظمت عاشورا در بیابانی از گوشه ای از جهان اسلام محو و گم نمی‌شود و امروز و هر روز تاریخ، روح بخش و عامل غلیان قلبها و جوش و خروش امت اسلامی می‌شود؟! امروز اینجا عراقی‌ها دست به سینه اند و پابوس ... همگی خوش آمدید می‌گویند با انواع بیان‌ها و چشم و سر و دست و با... واژه‌هایی مانند "هله بیکم زوار" و "اهلا و سهلا و مرحبا زایر" و "یرحب بزوار اباعبدالله الحسین (ع)" را بر در و دیوار نوشته و می‌خوانند و نوای سینه زنی «تزرونی» با صدای باسم کربلایی بلند است اما ... امان ... این روزها اینجا بهشت کودکان است؛ کودکان موبرداری که لذت خدمت به زوار را در کنار خانواده شان بازی می‌کنند و زندگی ... و کودکان زواری که اکثرشان کالسکه سوارند و سوژه مهرورزی موبک داران و عکاسان و ... نام برخی موبک‌ها متناسب با نام خردسالان بزرگوار کربلاست "خدام الطفل الرضيع" یا "مسقف رقیه" و ... و جالب اینکه برخی ایستگاه‌ها برای بچه‌ها ارمغان عروسک و پیشانی بند و خوراکی‌های کودکانه مهیا کرده‌اند و به تبسمی بر لب نثار می‌شود. عنوان نوشته شده بر روی یک موبک این است: «ینادی یالثارات الحسین» و در جایی دیگر و روی یک تصویر از مولا اباعبدالله نوشته‌اند: «یازوار الحسین تضرعوا الی الله بتعجیل الفرج» و «یا زوار الحسین اکثروا الدعا بتعجیل الفرج»

به گزارش مشرق؛ محمد مهدی عبدالله زاده در مطلبی که سایت تاریخ شفاهی آن را منتشر کرده است، تجربه یک شب پذیرایی و میزبانی مردم عراق از زوار ایرانی به تصویر کشیده است که بدون مقدمه شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم: نزدیک غروب روز دوشنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۶ در عمود ۳۵ از نجف به کربلا، ابوالاحمد راه‌مان را سد کرد. راستش این که قبل از وی نیز سه نفر دیگر از ما خواسته بودند مهمان آنها شویم. حرف همه آنها این بود: «حمامات، وای‌فای، منام موجود، استراحت». که نپذیرفته بودیم، ولی این آخری چنان برخورد کرد که دیگر نمی‌شد درخواستش را نپذیرفت. گفتم: «منزل قریب أو بعید؟» گفت: «قریب ولكن سیاره موجود.» من و دو خانمی که همراهم بودند، همراهش شدیم. چند قدمی نرفته بودیم که پا شُل کرد و خم شد و کوله یکی از همراهان را گرفت تا با خودش ببرد. پنجاه متری که رفتیم به ماشین او رسیدیم. ماشین نو و شیکی بود. تنها ۳۰۰ کیلومتر کار کرده بود. گفتم: «السیاره مبارک ان شاء الله و کم اشتریت؟» پاسخ داد: «دو هزار دلار.» گفتم: «ما مهنتک؟» پاسخ داد که بساز و بفروش است. از من پرسید شغل چيست که به وی جواب دادم: متقاعد أو قاعد. فهمید که بازنشسته‌ام و سری برایم تکان داد. ظاهراً دلش برایم سوخت. (این را آخر شب متوجه شدم، زیرا مکشوف شد در عراق هر شش ماه مبلغ اندکی به هر بازنشسته می‌دهند و برای همین، حقوق بگیران مجبورند تا شصت هفتاد سالگی کار کنند.)

عرض زمین خانه او حدود پنج متر بود، ولی همه چیز طراحی شده و دقیق. حیاط آن در حدود یک متر و نیم بود که در گوشه آن دستشویی و روشویی قرار داشت. اتاقی در حدود سه متر و نیم در پنج متر برای آقایان و راهرویی برای سایر قسمت‌های خانه در ابتدا قرار داشت. دو خانم همراه به قسمت اندرونی خانه هدایت شدند و من هم به بیرونی. همین که نشستیم، صاحب‌خانه گفت می‌توانم به حمام بروم یا استراحت کنم تا وی دنبال «زائر» برود. دو پسر صاحب‌خانه نزد من باقی ماندند. یکی از آنها رفت و یک پارچ آب گوارا برایم آورد که چهار لیوان پیایی از آن را لاجرعه سر کشیدم. همین که جورابم را بیرون از پا درآوردم، احمد دوازده سیزده ساله با یک حمله آن را از دستم قاپید تا ببرد و بشوید. مقاومت بی‌فایده بود و وی کارش را خوب بلد بود. در حال عوض کردن پیراهن بودم که برادر بزرگ‌تر و نابینای ابواحمد وارد شد. بچه‌های ابواحمد دست عموی‌شان را بوسیدند. احوال‌پرسی کردند و برایش پستی گذاشته و وی را نشاندند. با راهنمایی احمد و گفتن یاالله به حمام رفتم. چه حمام گرم و تمیزی که خستگی را از تنم شست. وقتی به اتاق برگشتم، ابواحمد با یک گروه سه نفره دیگر وارد شد و با عذرخواهی رفت تا باز هم مهمان بیاورد. این دوستان مشهدی بودند و مشغول کار در بازار مشهد و در نتیجه با زبان محاوره محلی عربی آشنا. به آنها گفتم خداوند شما را رسانده تا بهتر بتوانم با ابواحمد مصاحبه کنم. طولی نکشید که ابواحمد باز هم با سه زائر دیگر برگشت. آنها تهران زندگی می‌کردند. یکی مهندس بود و دایی وی مغازه‌دار و پسر دایی‌اش نیز آرماتوربند. چای آوردند و من به جمع آقایان گفتم: «کسی حق ندارد صحبت از چای ایرانی کند. همه بگویند: شای عراقی جید!» همگی چای عراقی خوردیم. چای عراقی پررنگ است و در استکان‌های کوچک کمر باریک آورده می‌شود که تقریباً برای هر چای تا نیمه پر از شکر می‌شود. ابواحمد به جمع رو کرد و گفت: ابتدا شام می‌خورید یا حمام می‌روید. دوستان ترجیح دادند تا اول حمام بروند. هر فردی هم که از حمام برمی‌گشت، احمد لباس‌هایش را می‌گرفت تا با ماشین لباسشویی، آنها را بشوید. صحبت با ابواحمد را شروع کردم. یکی از دوستان مشهدی پاکتی از تنقلات را بیرون آورد تا همه از آن بخورند. چند بشقاب آورده شد و به همه تعارف کردند. ابواحمد در جواب سوالی گفت: ما از قدیم با هم برادر بوده‌ایم، صدام با شروع جنگ برادرکشی راه انداخت. اگر جوانی به سربازی و جنگ نمی‌رفت، ابتدا خانواده‌اش در برابر چشمانش سربریده می‌شدند و سپس خودش هم تیرباران می‌شد. زمان صدام مسافرت ممنوع بود. همه جمع می‌شدند سیگار می‌کشیدند و چای می‌خوردند. آیت‌الله حکیم خدمت بسیار کرده است. هر سال ما از سوم صفر با برپایی موکب و تهیه تدارکات، آماده پذیرایی از زوّار اربعین می‌شویم. بعد از روز اربعین چهل درصد موکب‌ها جمع شده و موکب‌داران و برخی از مردم از سوی نجف به کربلا راهپیمایی می‌کنند. ما در هر سال دو ماه

تمام درگیر مراسم اربعین هستیم و به آن افتخار می‌کنیم. می‌بینید که تمام خیابان‌ها و کوچه‌های مان خاکی است، لوله‌کشی گاز نداریم و حتی آب خوردن را می‌خریم، ولی بازهم اولویت ما امام حسین (ع) است. بعد از این سفر هر روز مبلغی از درآمدمان را برای اربعین سال بعد انداخته می‌کنیم تا در هنگام اربعین شرمند نباشیم. ابوالاحمد گوشی‌اش را درآورد و یک متن داخل آن را یکی از برادران مشهدی خواند و به فارسی ترجمه کرد. مطلب چنین بود: در مسیر نجف به کربلا و از میان پرچم‌های مختلف که توسط زائران پیاده حرم حسینی حمل می‌شد، پرچم فرانسه توجه همگان را به خود جلب می‌کرد، به سراغ آن پرچم که رفتند، دیدند زنی مسیحی از فرانسه این پرچم را حمل می‌کند، وقتی از او درباره رفتن به زیارت امام حسین (ع) پرسیدند، گفت: من در زمان اشغال عراق به صورت داوطلبانه به نیروهای ائتلاف ملحق شدم. در یکی از مراسم اربعین امام حسین (ع) از یکی از زائران که به صورت پیاده به کربلا می‌رفت پرسیدم: «آیا از این که از بصره به کربلا پیاده سفر می‌کنی، خسته نمی‌شوی؟» گفت: «حاجتی از خدا دارم و می‌روم تا حاجتم را زیر گنبد حرم امام حسین (ع) از او بخواهم و یقین دارم که خداوند به برکت وجود امام حسین (ع) حاجتم را برآورده خواهد ساخت.» من دچار سرطان سینه شده بودم و پزشکان به من گفتند به محض رسیدن به فرانسه باید تن به عمل برداشتن سینه بدهم، آن روز من نذر کردم اگر از این بیماری شفا یابم با پای پیاده از نجف به کربلا، به زیارت امام حسین (ع) بروم. وقتی به فرانسه رفتم، پزشکان دوباره مرا تحت معاینات پزشکی و آزمایش‌های جدید قرار دادند، اما در کمال ناباوری اثری از بیماری در من ندیدند. اینک که شما مرا میان زائران پیاده می‌بینید، در واقع آمده‌ام که نذر را ادا کند. یکی دو ساعت که صحبت کردیم نوبت شام شد. سفره گسترده شد. خورشید، دو نوع برنج، سالاد، ماست و چند نوع میوه در آن، جا گرفت. بعد از شام به دوستان پیشنهاد دادم ساعت ۴ صبح عازم شویم که مقبول نیفتاد و قرار شد ساعت ۵ صبح در ابتدای وقت، نماز بخوانیم و سپس حرکت کنیم، مخصوصاً این که ابوالاحمد گفت باید صبحانه را در خدمتش باشیم. آخر شب ابوالاحمد کاغذ و قلمی آورد تا چند جمله پرستفاده را برایش به فارسی بنویسیم. او گفت دوست دارد فارسی یاد بگیرد تا بتواند بهتر به زوار خدمت کند. به او گفتم باید بیاید ایران تا فارسی یادش بدهم. صبح با خامه محلی و مربا از ما پذیرایی کرد. با توجه به این که شب گفته بودم باغ پسته دارم، یک پاکت پسته شور شده به او هدیه دادم و گفتم: این محصولی از باغ خودم است. شماره تلفنم را هم دادم تا هر وقت به ایران آمد به من زنگ بزند تا در خدمتش باشم. بعد با ماشینش، ابتدا برداران تهرانی را به مسیر راهپیمایی رساند و سپس من و همراهانم را. با فرزندان و خودش خداحافظی کردم و عکس یادگاری گرفتیم. خانمش هم برای بدرقه دو خانم همراهم به جلوی در حیاطشان آمد.

مسافت مرزهای مختلف تا نجف اشرف

خسروی - نجف : فاصله مرز خسروی تا نجف اشرف حدود ۳۷۰ کیلومتر است. با توجه به اعلام مسئولین مربوطه، امسال با توجه به امنیت نسبی که در کشور عراق حاکم شده است، مرز خسروی بازگشایی شده است. خسروی در ۱۵ کیلومتری جنوب غربی شهر قصرشیرین از توابع کرمانشاه قرار دارد. مرز خسروی شمالی ترین مرز رسمی عبور و مرور زائران ایرانی می باشد ضمن اینکه قدیمی ترین مرز اعزام زائران به عراق هم هست و در دوران قبل از سقوط صدام نیز، زائران از این طریق به عتبات عالیات اعزام می شدند به این دلیل دارای بهترین امکانات نسبت به سایر پایانه های مرزی است. زائران پس از خروج از ایران وارد منطقه مرزی مندزیه و سپس شهر خانقین، مقدادیه، منطقه بعقوبه و سپس وارد بغداد و پس از آن به زیارت کاظمین مشرف می شوند. طول مسیر تا شهر کاظمین ۲۰۵ کیلومتر و تا کربلا ۳۱۵ کیلومتر است.

(خسروی تا کوت : ۳۴۱ - خسروی تا دیوانیه : ۳۹۵ - خسروی تا حله : ۳۰۵ - خسروی تا بغداد : ۱۹۰ - خسروی تا نجف : ۳۸۰ - خسروی تا خانقین : ۱۰ - خسروی تا مقدادیه : ۱۰۲ - خسروی تا بعقوبه : ۱۳۰ - خسروی تا کربلا : ۳۱۵ - خسروی تا کاظمین : ۲۰۳ - خسروی تا سامراء : ۳۲۶ - خسروی تا سید محمد : ۲۹۱ - خسروی تا طفلان مسلم : ۲۸۱)

مهران - نجف : فاصله مرز مهران تا نجف اشرف حدود ۲۹۸ کیلومتر است که البته با توجه به وضعیت راه ها و نیز شلوغی مسیر، احتمالاً در اربعین حسینی این مسیر را طی زمان ۷ الی ۸ ساعت طی خواهید کرد. شهر مرزی مهران در منتهی الیه غربی استان ایلام قرار داشته و فاصله آن تا شهر ایلام ۸۵ کیلومتر می باشد. زائرانی که از این شهر وارد عراق می شوند پس از عبور از منطقه زرباطیه و شهر کوچک بدره وارد شهر کوت، نعمانیه، شوملی، دیوانیه و شامیه وارد شهر نجف می شود. طول این مسیر از پاسگاه مرزی زرباطیه تا بازرسی ورودی نجف ۳۰۲ کیلومتر می باشد. (مهران تا کوت : ۸۲ - مهران تا دیوانیه : ۲۲۷ - مهران تا حله : ۲۳۸ - مهران تا بغداد : ۲۵۵ - مهران تا نجف : ۳۰۳ - مهران تا کربلا : ۲۷۹ - مهران تا کاظمین : ۲۸۳ - مهران تا سامراء : ۴۴۴ - مهران تا سید محمد : ۴۰۹ - مهران تا طفلان مسلم : ۲۷۲)

چزابه - نجف : از مرز چزابه تا نجف اشرف حدوداً ۳۹۰ کیلومتر فاصله است. تنگه چزابه در ۱۷ کیلومتری شمال غربی شهر بستان قرار دارد. زائران پس عبور از منطقه چزابه و شیب، مشرح، وارد شهر العماره، سپس شهر فجر و منطقه عفک، دیوانیه، شافعیه، شامیه و پس از بازرسی ابوصخیر وارد شهر نجف می شوند.

شلمچه - نجف : از مرز شلمچه تا نجف اشرف حدود ۴۷۷ کیلومتر فاصله است. منطقه مرزی در غرب خرمشهر و نزدیکترین نقطه مرزی به شهر بصره در کشور عراق می باشد. مرز شلمچه جنوبی ترین مرز زمینی ایران و عراق بوده و فاصله آن تا خرمشهر ۱۵ کیلومتر و تا بصره ۲۰ کیلومتر می باشد. زائرانی که از این مرز وارد عراق می شوند پس از عبور از منطقه شلمچه و تنومه وارد شهر بصره شده و پس از آن به سماوه و نجف می رسند. طول مسیر از شلمچه تا نجف تقریباً ۴۶۰ کیلومتر می باشد. (شلمچه تا بصره : ۲۰ - شلمچه تا نجف ۴۶۰ - شلمچه تا کربلا ۵۴۹ - شلمچه تا کاظمین دارای دو مسیر ۵۷۵ و ۶۲۱ کیلومتر - نجف تا کربلا : ۷۸ - نجف تا بغداد : ۱۶۱ - نجف تا بصره : ۴۶۷ - نجف تا حله : ۶۱ - نجف تا رمادی : ۲۷۱ - نجف تا بعقوبه : ۲۲۷ - نجف تا دیوانیه : ۷۵ - نجف تا کاظمین : ۱۸۰ - نجف تا سامراء : ۲۸۷ - نجف تا سید محمد : ۲۴۹ - نجف تا طفلان مسلم : ۱۱۶)

کربلا منتظر ماست بیا تا برویم

جاده و اسب مهیاست بیا تا برویم - کربلا منتظر ماست بیا تا برویم
ایستاده است به تفسیر قیامت زینب - آن سوی واقعه پیداست بیا تا برویم
خاک در خون خدا می شکفت می بالد - آسمان غرق تماشاست بیا تا برویم
تیغ در معرکه می افتد و برمی خیزد - رقص شمشیر چه زیباست بیا تا برویم
از سراشیبی تردید اگر برگردیم - عرش زیر قدم ماست بیا تا برویم
زره از موج بیوشیم ردا از توفان - راه ما از دل دریاست بیا تا برویم
کاش ای کاش که دنیای عطش می فهمید - آب مهریه زهراست بیا تا برویم
چیزی از راه نمانده است چرا برگردیم - آخر راه همین جاست بیا تا برویم
فرستی باشد اگر باز در این آمد و رفت - تا همین امشب و فرداست بیا تا برویم
سروده ابوالقاسم حسینجانی

حدیث امام عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری که زیارت اربعین را در زمره نشانه های پنج گانه مؤمن بیان می کند : **عَلَامَةُ الْمُؤْمِنِ «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِينَ» خَمْسٌ: صَلَاةُ الْإِحْدَى وَالْخَمْسِينَ، وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَالتَّحَنُّنُ بِالْيَمِينِ، وَتَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.** (شیخ مفید، المزار، ص ۵۳؛ شیخ طوسی، مصباح المتعبد، ص ۷۸۷۷۸۸؛ ابن قتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۹۵؛ سید بن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة، ج ۳، ص ۱۰۰). مصباح المتعبد: مؤمن پنج نشانه را باید دار باشد: اقامه پنجاه

رکعت نماز (مجموع واجبات و مستحبات)، خواندن زیارت اربعین، انگشت در دست راست کردن، در سجده پیشانی بر خاک نهادن و بسم الله الرحمن الرحيم را (در نماز) بلند گفتن.

قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا مَنَ الْأَيْمَانِ خَمْسٌ: التَّحَنُّنُ بِالْيَمِينِ، وَ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَ خَمْسِينَ، وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ، وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ.» «حقيقه الشيعة، ج ۲، ص ۱۹۴» امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: علامت و نشانه ایمان پنج چیز است: انگشت به دست راست داشتن، خواندن پنجاه و یک رکعت نماز (واجب و مستحب)، خواندن «بسم الله الرحمن الرحيم» را (در نماز ظهر و عصر) با صدای بلند، پیشانی را در حال سجده روی خاک نهادن، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام انجام دادن.

توضیح حدیث: اگر چه کلمه «مومن» در احادیث و روایات و آیات به معنای کسی است که ایمان به خدا و رسول خدا و قیامت داشته باشد اما در بعض موارد (از جمله این حدیث) به معنای شیعه است پس این حدیث میخواهد بگوید علامت شیعه پنج چیز است یعنی اگر شما در جامعه ای بودی که هم شیعه در آن زندگی میکرد هم سنی از روی این پنج علامت میتوانی شیعه را از سنی تشخیص دهی، علامت اول: خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز است که از این پنجاه و یک رکعت هفده رکعت آن نماز واجب یومیه است و دو برابر رکعات واجب یعنی سی و چهار رکعت نماز نافله یومیه است: دورکعت نافله صبح، چهارتا دورکعتی نافله ظهر، چهارتا دورکعتی نافله عصر، دوتا دورکعتی نافله مغرب، یک نماز دو رکعتی نشسته نافله عشاء (البته در محاسبه این دو رکعت نماز نشسته را باید یک رکعت ایستاده حساب کرد)، چهارتا نماز دورکعتی نافله شب و یک نماز دورکعتی نماز شفع و یک نماز یک رکعتی نماز وتر (که در قنوت آن هفتادبار استغفار میکنی؟! که میشود یازده رکعت تمار نافله شب، «تذکر کیفیت نمازهای نافله مثل نماز صبح است». سومین علامت: زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین (بیستم ماه صفر). (زیارت به معنای دیدار است نه خواندن یک عبارت؟) منظور از زیارة الاربعین هم به زیارت رفتن را شامل میشود و هم زیارت اربعین خواندن را. اما چرا از بین تمام ادعیه منتسب به امام حسین علیه السلام زیارت اربعین را نام برده اند؟ منظور امام عسکری علیه السلام بیان ذکر ویژگیهای خاص شیعیان بوده، و اربعین گرفتن تنها و تنها از خصوصیات شیعه است و فقط هم برای یک نفر در اسلام چهلم گرفتن توصیه شده و آن هم امام حسین علیه السلام است. و شاید امام علیه السلام می خواستند بگویند یکی از نشانه های شیعه گری دوست داشتن حسین علیه السلام است همانطور که در روایتی می فرماید از نشانه های مؤمن این است که وقتی نام امام حسین علیه السلام را می شنود اشک از چشمانش سرازیر شود، پس دوست داشتن ابا عبد الله علیه السلام موضوعیت دارد برای شیعه بودن ولی باید یکی از نشانه اختصاصی باشد که فقط و

فقط شیعیان ۱۲ امامی و پیروان حقیقی اهل بیت با آن محبتشان تمییز داده شود از دیگران و به همین دلیل گفته اند زیارت اربعین از نشانه های مومن و شیعه است چون از اعتقادات خاصه شیعه در زمینه امام حسین علیه السلام است . هر چند که به زیارت رفتن «آنهم پیاده روی در اربعین در این سالها» اختصاص به شیعیان بلکه به مسلمانان ندارد . چه اینکه غیر مسلمانان هم در این راهپیمائی باشکوه شرکت میکنند . سومین علامت : انگشتر را به دست راست کردن ؛ سنی ها میگویند ما قبول داریم که سنت رسول خدا در این بوده که انگشترش را به دست راست میکرده اما چون شیعه ها انگشترشان را به دست راست میکنند شما برای اینکه شباهت به شیعه پیدا نکنید مخصوصاً انگشترتان را به دست چپ کنید؟ درباره انگشتر به دست راست کردن باید گفت که این مسئله، سفارش امامان معصوم است که درواقع، يك نوع مبارزه با سیره خلفای بنی امیه است؛ چراکه به گفته زمخشری، نخستین کسی که انگشتر به دست چپ کردن را شعار خود قرار داد و برخلاف سنت عمل کرد، معاویه بود (عبدالحسین امینی، الغدير، ج ۱۰، ص ۲۱۰) . (البته در بسیاری از موارد مشاهده میشه که شیعه وسنی بر اثر بی اطلاعی بر عکس احکام فقهی خود انگشتر را به دست میکنند) چهارمین علامت : پیشانی را هنگام سجده بر خاک نهادن سنی ها روی فرش و هر چیزی رسید سجده می کند اما شیعه روی هر چیزی سجده نمی کند بلکه طبق احادیث صحیحی که در دست دارد فقط روی خاک یا مهر (که از خاک درست شده) یا سنگ و... سجده میکند . علامت پنجم : بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحم در نماز است ، سنیها معتقدند بسم الله الرحمن الرحيم جزو سوره های قرآن نیست و مقید هستند در نماز بسم الله نگویند، البته بعضی از فرقه های آن ها در نماز بسم الله میگویند ولی مقید هستند آهسته بگویند، اما شیعیان بسم الله را جزو سوره میدانند و بلند خواندن آن را در نماز صبح و مغرب و عشاء برای مردان واجب و در نماز ظهر و عصر مستحب می دانند . و این امر نیز به دستور و سفارش ائمه بوده است؛ زیرا چنان که فخر رازی گفته است، آهسته خواندن بسم الله را بنی امیه رواج دادند تا آثار ولایت را نابود کنند (برای آگاهی بیشتر درباره تفسیر این روایت، ر.ک: قاضی طباطبائی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا، ص ۳۹۰ به بعد) . بنا براین بلند گفتن بسم الله هم یکی از راه های شناخت شیعه از سنی است . تمام این علامت های پنجگانه را علمای ما با احادیث صحیح معتبر دیگری (غیر از این حدیث مورد بحث) ثابت کرده و می کنند.

آیت الله جوادی آملی معتقد است: اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه های ایمان است؛ بلکه طبق این روایت، در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. بنابراین همان گونه که نماز، ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است، اما مهم

آن است که دریابیم نماز و زیارت اربعین انسان را چگونه متدین می کند. به دیگر سخن، بر اساس فرموده رسول خدا(ص) عصاره رسالت نبوی(ص) قرآن و عترت است؛ «إني تارك فيكم الثقلين... كتاب الله و... عترتي أهل بيتي». عصاره کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و عصاره عترت نیز ستونش زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری(ع) در کنار هم ذکر شده است. (شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۲۲۷-۲۳۴)

اولین زائر کربلا

در کتاب «بشاره المصطفی» آمده است: عطیه عوفی می گوید: به همراه جابر بن عبدالله انصاری به منظور زیارت قبر امام حسین (ع) وارد کربلا شدیم. جابر نزدیک شریعه فرات رفت. غسل کرد و لباس های نیکو پوشید. سپس به طرف قبر مطهر حرکت کردیم. جابر هیچ قدمی را بر نمی داشت، الا اینکه ذکر خدا می گفت، تا به نزدیک قبر رسیدیم. سپس به من گفت: مرا به قبر برسان. من دست او را روی قبر گذاشتم. جابر روی قبر افتاد و غش کرد. من مقداری آب روی صورتش پاشیدم. وقتی به هوش آمد، سه بار گفت: یا حسین. سپس گفت: ای حسین چرا جواب مرا نمی دهی؟ بعد به خودش گفت: چگونه می توانی جواب دهی در حالی که رگ های گلوی تو را بریده اند و بین سر و بدنت جدایی افتاده است. شهادت می دهم که تو فرزند خاتم النبیین و سید المومنین... و پنجمین فرد از اصحاب کساء هستی... درود و سلام و رضوان الهی بر تو باد. سپس به اطراف قبر امام حسین (ع) حرکت کرد و گفت: «السلام علیکم ایتهالارواح التی حلت بفناء الحسین... اشهد انکم اقمتم الصلاه و اتیتم الزکاه و امرتم بالمعروف و نهیتم عن المنکر...» (طبری، محمد بن علی؛ بشاره المصطفی، قم مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰، چاپ اول ص ۱۲۶)

«عطیه عوفی» می گوید: من با جابر بن عبد الله انصاری به زیارت قبر حسین (علیه السلام) رفتم. وقتی به کربلا رسیدیم، جابر نزدیک شط فرات رفت، غسل کرد. قطیفه ای به کمر بست و قطیفه ای دیگر بر دوش افکند. سپس کیسه ای که همراهش بود، گشود و از آن آرد «سعد» (ریشه خوشبوی کوفی) برون آورد و خود را خوشبو کرد. سپس به طرف مرقد شریف امام حسین (علیه السلام) حرکت کرد؛ در حالی که مشغول ذکر خدا بود، خود را نزدیک قبور رساند و گفت: مرا به قبر حسین (علیه السلام) برسان تا آن را لمس کنم. دستش را گرفتم و به قبر رساندم. هنگامی که دستش به خاک مرقد حسین (علیه السلام) رسید، از شدت اندوه بیهوش شد و به روی قبر افتاد. من بر وی آب پاشیدم. وقتی به هوش آمد، سه بار گفت: یا حسین! یا حسین! یا حسین! سپس گفت: «حبیب لا یجیب حبیبه» آیا دوست جواب دوستش را نمی دهد؟! بعد گفت: چگونه جواب دهی که خون از رگ های

گلویت بر سینه و شانه ات فرو ریخته و میان سر و بدنت جدایی افتاده است! من گواهی می‌دهم تو فرزند بهترین پیامبران و سرور مؤمنان و اسوه تقوا و پرهیزکاری و زاده هادیان و رهبران، و پنجمین تن از اصحاب کساء، فرزند بزرگترین نقبا (علی علیه السلام) و فرزند سرور زنانی، چرا چنین نباشی که دست سید المرسلین تو را پروراند، در دامن پرهیزکاری بودی از پستان ایمان شیر خوردی، با اسلام از شیر بازگرفته‌شدی و در زندگی و هنگام مرگ پاک بودی. قلب مؤمنان، از فراق تو سوخت. آنها شک ندارند که تو زنده‌ای، سلام و خشنودی خدا بر تو باد. گواهی می‌دهم داستان تو مانند جریان شهادت حضرت یحیی بن زکریا بود. (که طاغوت زمان سر از پیکرش جدا کرد). عطیه عوفی می‌گوید: سپس جابر، به اطراف قبر امام حسین (علیه السلام) متوجه شد و سایر شهیدان کربلا را چنین زیارت کرد: «درود و سلام بر شما ارواحی که در محور قبر امام حسین (علیه السلام) جای‌گزیدید. و شتر خود را در آستان او خوابانیدید. گواهی می‌دهم شما نماز را به پا داشتید و زکات را ادا کردید و امر به معروف و نهی از منکر انجام دادید و با منحرفان و ملحدان جنگیدید. شما خدا را عبادت کردید تا مرگتان فرا رسید. سوگند به خدایی که محمد (صلی الله علیه و اله) را به راستی فرستاد، ما با شما در آنچه بدان وارد شدید، شریک بودیم. عطیه عوفی می‌گوید: از او پرسیدم: ما چگونه در جهاد و پیکار آنها (شهیدان کربلا) شرکت داریم؟ مادر فراز و نشیب همراه آنها نبودیم و شمشیر نکشیدیم؛ ولی این شهیدان جانبازی کردند، به گونه‌ای که سرهایشان از بدنشان جدا شد و فرزندانشان یتیم و زنانشان بیوه گشتند! جابر در پاسخ گفت: ای عطیه، از حبیب خود رسول خدا (صلی الله علیه و اله) شنیدم که می‌گفت: هر کس قومی را دوست‌بدارد، با آنها محشور می‌شود و هر کس عمل قومی را دوست‌بدارد، در آن عمل با آنها شریک است. سوگند به خداوندی که محمد (صلی الله علیه و اله) را به راستی فرستاد، نیت من و اصحابم همان نیت امام حسین (علیه السلام) و اصحاب اوست؛ نیتی که بر اساس آن به شهادت رسیدند. ای عطیه: مرا به سویی خانه‌های کوفه ببر. چون پاره‌ای راه رفتیم گفت: ای عطیه! گمان ندارم که پس از این سفر تو را ببینم، آیا می‌خواهی که تو را وصیتی کنم؟ دوست‌دار دوستدار آل محمد (ص) را تا هنگامی که دوستشان می‌دارد و دشمن‌دار دشمن آل محمد (ص) تا هنگامی که دشمنشان می‌دارد؛ هر چند روز‌دار و نمازگزار باشد. با دوست‌دار محمد و آل محمد (ص) مهربانی کن، چرا که اگر بر اثر گناه فراوان یک گامش بلغزد، با محبت آنان گام دیگرش ثابت می‌ماند (و جبران می‌گردد). دوستدار آنان به بهشت و دشمنان‌شان به دوزخ باز می‌گردند.

در این نقل چند نکته جایی تأمل دارد: ۱. عظمت معرفت جابر؛ و این به خاطر معرفت بالایی بود که نسبت به منزلت اهل بیت محمد (ص) داشت. ۲. داشتن موضع مهم؛ آنجا که جابر، دشمنان امام

حسین(ع) را در زمره ملحدان به شمار آورد . ۳ . ادب جابر نسبت به ابا عبد الله(ع) ؛ و این نتیجه کمال معرفت وی بود. از این رو می بینیم که نخست غسل می کند و سپس بدنش را با مشک خوشبو می سازد، آن گاه در هر گامی خدا را یاد می کند. پس از لمس قبر بی هوش می شود و سپس سه بار فریاد یا حسین سر می دهد. نیز فرازهای زیارتش نشانگر میزان معرفتی که نسبت به رسول خدا(ص) و جانشین و نوه اش دارد.

سید بن طاووس نیز از این زیارت آورده است که : آن گاه روی قبر خم شد و گونه ها را به آن سایید و چهار رکعت نماز گزارد. سپس بر سر قبر علی بن الحسین(ع) آمد و گفت: سلام بر تو ای مولای من و پسر مولای من! خداوند قاتل تو را بکشد! خداوند آن را که بر تو ستم کرد بکشد! من با دوستی شما به خداوند نزدیکی می جویم و از دشمنانتان نزد خداوند بیزار می جویم. سپس آن را بوسید و دو رکعت نماز به جای آورد و رو به قبور شهیدان کرد و گفت: سلام بر ارواح اقامت گزیده در کنار قبر ابا عبد الله(ع). سلام بر شما ای شیعیان خدا و شیعیان رسول او و شیعیان امیر مؤمنان و حسن و حسین! سلام بر شما ای پاکیزگان. سلام بر شما ای هدایتگران. سلام بر شما ای نیکان! سلام بر شما و بر فرشتگانی که پیرامون قبرهایتان می چرخند. امیدوارم خداوند ما و شما را در جایگاه رحمتش در زیر عرش جای دهد. سپس کنار قبر عباس فرزند امیر مؤمنان(ع) آمد و ایستاد و گفت: سلام بر تو ای ابا القاسم! سلام بر تو ای عباس بن علی! سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان، گواهی می دهم که تو نصیحت فراوان کردی و امانت را ادا کردی و با دشمن خود و دشمن برادرت جهاد کردی. درود خداوند بر روح پاکت و خداوند به تو پاداش بهترین برادر را عنایت فرماید. پس دو رکعت نماز گزارد و به درگاه خداوند دعا کرد و رفت. مرحوم آیتی مینویسد: «جابر بیستم ماه صفر، درست چهل روز بعد از شهادت امام وارد کربلا شد و سنت زیارت اربعین امام به دست او تأسیس گردید». [آیتی، محمد ابراهیم؛ بررسی تاریخ عاشورا، تهران، صدوق، ۱۳۷۲ ه.ش، هشتم ص ۲۳۱] (پاسدار اسلام ش ۲۲۲)

بازگشت اهل بیت به کربلا در اربعین

مرحوم سید بن طاووس در کتاب شریف لهوف، چنین میفرماید : لَمَّا رَجَعَ نِسَاءُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَغِيَالُهُ مِنَ الشَّامِ وَبَلَغُوا إِلَى الْعِرَاقِ، قَالُوا لِلدَّلِيلِ: مُرُّ بِنَا عَلَى طَرِيقِ كَرْبَلَاءَ، فَوَضَعُوا إِلَى مَوْضِعِ الْمَصْرَعِ، فَوَجَدُوا جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ وَجَمَاعَةً مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَرِجَالًا مِنْ آلِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ وَرَدُوا لَزِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَوَافُوا فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، وَتَلَاَقَوْا بِالْبُكَاءِ وَالْحُزْنِ وَاللَّطْمِ، وَاقَامُوا الْمَآئِمَ الْمُقْرِحَةَ لِلْأَكْبَادِ، وَاجْتَمَعَتْ إِلَيْهِمْ نِسَاءُ ذَلِكَ السَّوَادِ، وَاقَامُوا عَلَى ذَلِكَ أَيَّامًا. (ابن طاووس، الملهور، ص ۲۲۵) . الملهور لابن طاووس: هنگامی که زنان و خاندان امام حسین

علیه السلام از شام باز گشتند و به عراق رسیدند. به راهنمایان گفتند: «ما را از راه کربلا ببر». آنان به قتلگاه [شهدا] رسیدند و جابر بن عبد الله انصاری که خدا رحمتش کند و گروهی از بنی هاشم و مردانی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدند که برای زیارت قبر حسین علیه السلام آمده بودند. پس در یک زمان، در آن جا گرد آمدند و با گریه و اندوه و بر سر و صورت زنان، به هم رسیدند و مجلس های عزایی بر پا داشتند که جگر را آتش می زد. زنان حاضر در آن جا هم گرد آمدند و چندین روز، همین گونه ماندند.

علامه مجلسی (ره) در کتاب زاد المعاد می نویسد: «مشهور آن است که سبب تأکید زیارت آن حضرت در این روز، آن است که امام زین العابدین علیه السلام با سایر اهل بیت در این روز بعد از مراجعت از شام به کربلا معلی وارد شدند و سرهای مطهر شهداء را به بدن های ایشان ملحق کردند». (مجلسی، زاد المعاد، ص ۴۰۲)

زیارت اربعین

اَللّٰهُمَّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَ حَبِيْبِكَ اَلْسَلَامَ عَلٰى خَلِيْلِكَ اَللّٰهُ وَ نَجِيْبِكَ اَلْسَلَامَ عَلٰى صَفِيِّكَ اَللّٰهُ وَ ابْنِ صَفِيِّكَ اَلْسَلَامَ عَلٰى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُوْمِ الشَّهِيدِ اَلْسَلَامَ عَلٰى اَسِيْرِ الْكُزْبَاتِ وَ قَتِيْلِ الْعَبْرَاتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَشْهَدُ اَنْهُ وَلَيْكَ وَ ابْنُكَ وَ صَفِيْكَ وَ ابْنُ صَفِيْكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ اَكْرَمَتْهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبُوْنَهُ بِالسَّعَادَةِ وَ اجْتَبَيْتَهُ بِطِبِّ الْوِلَادَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِّنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِّنَ الْقَادَةِ وَ ذَائِدًا مِّنَ الدَّادَةِ وَ اَعْطَيْتَهُ مَوَارِيْثَ الْاَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلٰى خَلْقِكَ مِّنَ الْاَوْصِيَاءِ فَاَعْذَرْ فِى الدُّعَاءِ وَ مَنَحْ النُّصْحَ وَ بَدَلْ مُهْجَتَهُ فِىكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِّنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنُ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْاَزْدَلِ الْاَدْنٰى وَ شَرٰى اَخْرَجَتْهُ بِالثَّمَنِ الْاَوْكَسِ وَ تَغَطَّرَسَ وَ تَرَدٰى فِى هَوَاْهُ وَ اَسْحَطَكَ وَ اَسْحَطَ نَبِيْكَ، وَ اَطَاعَ مِّنْ عِبَادِكَ اَهْلَ الشَّقَاقِ وَ الْيَفَاقِ وَ حَمَلَةَ الْاَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِيْنَ النَّارِ [لِلنَّارِ] فَجَاهَدَهُمْ فِىكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتّٰى سَفِكَ فِى طَاعَتِكَ دَمُهُ وَ اسْتَبِيْحَ حَرِيْمُهُ اَللّٰهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِيْلًا وَ عَذِّبُهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا اَلْسَلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُوْلِ اَللّٰهِ اَلْسَلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْاَوْصِيَاءِ اَشْهَدُ اَنَّكَ اَمِيْنُ اَللّٰهُ وَ ابْنُ اَمِيْنِهِ عَشْتُ سَعِيْدًا وَ مَضَيْتُ حَمِيْدًا وَ مِتُّ فَقِيْدًا مَظْلُوْمًا شَهِيدًا وَ اَشْهَدُ اَنَّ اَللّٰهُ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَّنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَّنْ قَتَلَكَ وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ وَفِيْتَ بِعَهْدِ اَللّٰهِ وَ جَاهَدْتَ فِى سَبِيْلِهِ حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِيْنُ فَلَعَنَ اَللّٰهُ مَن قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اَللّٰهُ مَن ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اَللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيْعَتْ بِهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَشْهَدُكَ اَنْىَ وَلِىٌّ لِّمَنْ وَالَاهُ وَ عَدُوٌّ لِّمَنْ عَادَاهُ بِاَبٰى اَنْتَ وَ اُمِّى يَا ابْنَ رَسُوْلِ اَللّٰهُ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُوْرًا فِى الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ [الطَّاهِرَةِ] لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِاَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبِسْكَ الْمُذَلِّهَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّيْنِ وَ اَرْكَانِ الْمُسْلِمِيْنَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمَامُ الْبَرُّ التَّقِىُّ الرَّضِىُّ الرَّكْبِىُّ الْهَادِىُّ الْمَهْدِىُّ وَ اَشْهَدُ اَنَّ

الْأَيُّمَةُ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِبَيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَامٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نَصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَزْوَاجِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ [أَجْسَامِكُمْ] وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

سلام بر ولی خدا و حبیبش، سلام بر دوست خدا و برگزیده او، سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر حسین مظلوم شهید، سلام بر آن دچار گرفتاریها و کشته اشکها، خدایا من گواهی می‌دهم که حسین ولی تو و فرزند ولی تو، و فرزند برگزیده توست حسینی که به کرامت رسیده، او را به شهادت گرامی داشتی، و به خوشبختی اختصاص دادی، و به پاکی ولادت برگزیدی، و او را آقایی از آقایان، و پیشروی از پیشرویان، و مدافعی از مدافعان حق قرار دادی، و میراثهای پیامبران را به او عطا فرمودی، و او را از میان جانشینان حجت بر بندگان قرار دادی، و در دعوتش جای عذری باقی نگذاشت، و از خیرخواهی دریغ نورزید، و جانش را در راه تو بذل کرد، تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند، در حالی که بر علیه او به کمک هم برخاستند، کسانی که دنیا مغرورشان کرد، و بهره واقعی خود را به فرومایه تر و پستتر چیز فروختند، و آخرتشان را به کمترین بها به گردونه فروش گذاشتند، تکبر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند، تو را و پیامبرت را به خشم آوردند، و اطاعت کردند از میان بندگان، اهل شکاف افکنی و نفاق و بارکشان گناهان سنگین، و سزواران آتش را پس با آنان درباره تو صابانه و به حساب تو جهاد کرد، تا در طاعت تو خونس ریخته شد و حریمش مباح گشت خدایا آنان را لعنت کن لعنتی سنگین، و عذابشان کن عذابی دردناک، سلام بر توای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان، شهادت میدهم که تو امین خدا و فرزند امین اویی، خوشبخت زیستی، و ستوده درگذشتی، و از دنیا رفتی گم گشته، و مظلوم و شهید، گواهی میدهم که خدا وفاکننده است آنچه را به تو وعده داده، و ناپودکننده کسانی را که از یاری ات دریغ ورزیدند، و عذاب کننده کسانی را که تو را کشتند، و گواهی میدهم که تو به عهد خدا وفا کردید و در راهش به به جهاد برخاستی تا مرگ فرا رسید، پس خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و به تو ستم کردند، و این جریان را شنیدند و به آن خشنود شدند، خدای من تو را شاهد میگیرم که من دوستم با آنانکه او را دوست دارند، و دشمن با آنان که با او دشمنند، پدر و مادرم فدایت ای فرزند رسول خدا، گواهی می‌دهم که تو در صلیهای بلندمرتبه و رحمهای پاک نوری بودی، جاهلیت با ناپاکی هایش تو را آلوده نکرد، و از جامه های تیره و تارش به تو نپوشاند، و گواهی میدهم که تو از ستونهای دین، و پایه های مسلمانان، و پناهگاه مردم مؤمنی، و گواهی می‌دهم که پیشوای نیکوکار، با تقوا، راضی به مقدرات حق، پاکیزه، هدایت کننده، و هدایت شده ای، و گواهی

میدهم که امامان از فرزندان، اصل تقوا، و نشانه های هدایت، و دستگیره محکم، و حجت بر اهل دنیا هستند، و گواهی می دهم که من به یقین مؤمن به شمایم، و به بازگشتان یقین دارم، براساس قوانین دینم، و عواقب عملم، و قبلم با قلبتان در صلح، و کارم پیرو کارتان، و یاری ام برای شما آماده است، تا خدا به شما اجازه دهد، پس با شمایم نه با دشمنانتان، دروذهای خدا بر شما، و بر ارواح و پیکرهایتان، و بر حاضر و غایبتان، و بر ظاهر و باطنتان، آمین ای پروردگار جهانیان.

احادیثی در باب زیارت امام حسین علیه السلام

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَظَرَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) وَهُوَ مُقْبِلٌ فَأَجْلَسَهُ فِي حِجْرِهِ وَقَالَ إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَاةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا ثُمَّ قَالَ (عليه السلام) بِأَيِّ قَتِيلٍ كُلِّ عَبْرَةٍ قِيلَ وَ مَا قَتِيلٌ كُلِّ عَبْرَةٍ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى». مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ؛ نورى، ج ۱۰؛ ص ۳۱۸. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: برای شهادت حسین علیه السلام، حرارت و گرمایی در دلهای مؤمنان

است که هرگز سرد و خاموش نمی شود... (جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۵۶)

رَوَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ ع أَنَّهُ قَالَ عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحَنُّنُ فِي الْيَمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده: نشانه های مؤمن پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز و زیارت اربعین و انگشتن به دست راست نمودن و سر به خاک گذاشتن حین نماز و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم (تهذیب الاحکام/ج ۶/ص ۵۲)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ وَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ السُّوءَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ بُغْضَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بُغْضَ زِيَارَتِهِ. امام صادق علیه السلام فرمودند: هرکسی که خداوند خیرش را بخواهد، حب امام حسین علیه السلام و حب زیارتش را در قلب او می اندازد و هر که را خداوند بدیش را بخواهد، بغض نسبت به امام حسین علیه السلام و بغض زیارت آن حضرت را در قلب او می اندازد. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۴۹۶)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا مِنْ أَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا وَهُوَ يَتَمَنَّى أَنَّهُ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ع لَمَّا يَرَى لِمَا يُصْنَعُ بِرُؤُوسِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ مِنْ كَرَامَتِهِمْ عَلَى اللَّهِ. از امام صادق علیه السلام روایت شده: هیچ کس نیست در روز قیامت مگر اینکه آرزو می کند ای کاش امام حسین علیه السلام را زیارت کرده بودم آن هنگامی که می بیند که با زوار امام حسین علیه السلام چه می کنند، چقدر نزد خداوند مورد کرامت واقع می شوند. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۴۲۴)

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ . امام رضا عليه السلام فرمودند: هر کس اباعبدالله عليه السلام را کنار شط فرات زیارت کند، مانند کسی است که خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است. (تهذیب الأحکام ج: ۶ ص: ۴۶)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِي جِوَارِ نَبِيِّهِ وَ جِوَارِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ فَلَا يَدَعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ ع . امام صادق عليه السلام فرمودند: هر که می خواهد در جوار پیامبرش (صلی الله علیه وآله) و جوار امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه (علیها السلام) باشد، زیارت امام حسین علیه السلام را رها نکند. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۴۲۵)

عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ وَ اللَّهُ لَوْ أَنِّي حَدَّثْتُكُمْ فِي فَضْلِ زِيَارَتِهِ لَتَرَكْتُمْ الْحَجَّ رَأْسًا وَ مَا حَجَّ أَحَدٌ وَ يَحْكُ مَا عَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اتَّخَذَ كَرْبَلَاءَ حَرَمًا آمِنًا مُبَارَكًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَ مَكَّةَ حَرَمًا قَالَ ابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجَّ النَّبِيِّ وَ لَمْ يَذْكُرْ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ وَ إِنْ كَانَ كَذَلِكَ فَإِنَّ هَذَا شَيْءٌ جَعَلَهُ اللَّهُ هَكَذَا أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع إِنَّ بَاطِنَ الْقَدَمِ أَحَقُّ بِالْمَسْحِ مِنَ ظَاهِرِ الْقَدَمِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ فَرَضَ هَذَا عَلَى الْعِبَادِ أَمَا عَلِمْتُ أَنَّ الْإِحْرَامَ لَوْ كَانَ فِي الْحَرَمِ كَانَ أَفْضَلَ لِأَجْلِ الْحَرَمِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ صَنَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ الْحَرَمِ . از امام صادق علیه السلام روایت شده: به خدا قسم، اگر در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با شما سخن می گفتم، قطعاً، حج را به طور کلی رها می کردید، و هیچکدام از شما حج نمی رفت، مگر نمی دانی که خداوند سبحان قبل از اینکه مکه را حرم خود بگیرد، کربلا را حرم امن و مبارک خود گرفت، ابن ابی یعفور عرضه داشت؛ خداوند حج بیت الله را بر مردم واجب نمود در حالی که ذکری از زیارت امام حسین علیه السلام نیاورد، حضرت فرمودند: اگر چه این گونه است، چرا که این چیزی است که خداوند آن را چنین قرار داده است، آیا نشنیده ای کلام امیرالمومنین علیه السلام را که: همانا کف پا (باطن قدم) سزاوارتر به مسح کشیدن نسبت به روی پا می باشد، لیکن خداوند مسح ظاهر پا را بر بندگان واجب نموده است، آیا نمی دانی که احرام بستن اگر در حرم بود، بهتر می بود، لیکن خداوند احرام بستن را در غیر حرم مفروض نمود. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۵۱۴)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ ع مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقًا وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسْرَاتٍ قُلْتُ وَ مَا فِيهِ قَالَ مَنْ زَارَهُ شَوْقًا إِلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَجْرَ أَلْفِ صَائِمٍ وَ ثَوَابَ أَلْفِ صَدَقَةٍ مَقْبُولَةٍ وَ ثَوَابَ أَلْفِ نَسَمَةٍ أُريدَ بِهَا وَجْهُ اللَّهِ . محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده: اگر مردم می دانستند، زیارت امام حسین علیه السلام چقدر فضیلت و ثواب دارد، به درستی که از شوق می مردند و نفس هایشان از روی حسرت بند می آمد. گفتم: چقدر فضیلت دارد، حضرت فرمودند: هر

کس امام حسین علیه السلام را زیارت کند از روی اشتیاقی که به او دارد، خدا برایش هزار حج مقبول و هزار عمره مبروره و اجر هزار شهید از شهداء بدر و اجر هزار روزه دار و ثواب هزار صدقه قبول شده و ثواب هزار بنده آزاد کردن که مراد از آن رضای خدا باشد، می نویسد. (وسائل الشیعه/

ج ۱۴/ص ۴۵۳)

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع أَذْنَى مَا يُثَابُ بِهِ زَائِرُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع بِسَطِّ الْفَرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ وَ وَلَا يَنْتَهُ أَنْ يُعْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ . امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: کمترین آنچه از ثواب که به زائر اباعبدالله علیه السلام کنار نهر فرات داده می شود آنگاه که حق و حرمت و ولایت او را بشناسد، این است که آنچه از گناهان پیش فرستاده و بعداً می فرستد (گناهان گذشته و آینده او) آمرزیده می شود. (الکافی/ ج ۴/ص ۵۸۲)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ع يَقُولُ إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ع عِنْدَ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَنْتَظِرُ إِلَى مَوْضِعٍ مُعْسَكِرِهِ وَ مَنْ حَلَّهُ مِنَ الشُّهَدَاءِ مَعَهُ وَ يَنْتَظِرُ إِلَى زُورِهِ وَ هُوَ أَعْرَفُ بِهِمْ وَ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ دَرَجَاتِهِمْ وَ مَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَحَدِكُمْ بِوَلَدِهِ وَ إِنَّهُ لَيَرَى مَنْ سَكَنَهُ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ يَسْأَلُ آبَاءَهُ ع أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لَهُ وَ يَقُولُ لَوْ يَعْلَمُ زَائِرِي مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ لَكَانَ فَرْحُهُ أَكْثَرَ مِنْ عَمَلِهِ وَ إِنَّ زَائِرَهُ لَيَنْقَلِبُ وَ مَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ . امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا حسین بن علی علیهما السلام از نزد پروردگارش نگاه می کند به موضع اردوگاهش و محلی که شهدا با او قرار دارند و به زائرانش نیز نظر می اندازد، در حالی که ایشان به خوبی آنها را و نامهایشان و نام پدرانشان و درجات آنها و منزلت آنها را نزد خداوند، بهتر از احدی از شما نسبت به فرزنداناش می شناسد، و به درستی که امام حسین علیه السلام می بینید چه کسی ساکن کربلا شده (جهت زیارت) و برای او استغفار می کند و از پدران بزرگوارش می خواهد برای او استغفار کنند و می فرماید: اگر زائر من می دانست، آنچه را که خداوند برای او مهیا نموده است شادی اش بیشتر از غمش می شد و همانا زائر امام حسین علیه السلام از زیارت برمی گردد در حالی که هیچ گناهی بر او باقی نمی ماند. (وسائل الشیعه/ ج ۱۴/ص ۴۲۳)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ ... وَ لَوْ يَعْلَمُ الزَّائِرُ لِلْحُسَيْنِ ع مَا يَدْخُلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص مِنَ الْفَرَجِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ إِلَى الْأَيُّمَةِ ع وَ الشُّهَدَاءِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَا يُنْقَلِبُ بِهِ مِنْ دُعَائِهِمْ لَهُ وَ مَا لَهُ فِي ذَلِكَ مِنَ الثَّوَابِ فِي الْعَاجِلِ وَ الْآجِلِ وَ الْمَذْخُورِ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ لِأَحَبِّ أَنْ يَكُونَ مَا تَمَّ دَارُهُ مَا بَقِيَ وَ إِنَّ زَائِرَهُ لَيُخْرِجُ مِنْ رَحْلِهِ فَمَا يَقَعُ قَدَمُهُ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا دَعَا لَهُ فَإِذَا وَقَعَتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ أَكَلَتْ ذُنُوبَهُ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ وَ مَا تُبْقِي الشَّمْسُ عَلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِهِ شَيْئاً فَيَنْصَرِفُ وَ مَا عَلَيْهِ ذَنْبٌ وَ قَدْ رُفِعَ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مَا لَا يَنَالُهُ الْمُتَشَحُّطُ فِي دَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ يُوَكَّلُ بِهِ مَلَكٌ يَقُومُ مَقَامَهُ وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ حَتَّى

يَرْجِعُ إِلَى الزَّيَارَةِ أَوْ يَمْضِي ثَلَاثَ سِنِينَ أَوْ يَمُوتَ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ . از امام صادق علیه السلام روایت شده: اگر زائر امام حسین علیه السلام می دانست به واسطه این زیارت که چقدر شادی و سرور بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و بر امیرالمؤمنین علیه السلام و بر حضرت فاطمه (علیها السلام) و به شهدا از ما اهل بیت وارد می آید و اگر می دانست آنچه از دعای ایشان به واسطه زیارتش، هنگامی که برمی گردد و آنچه را که از ثواب در همین دنیا و در آخرت خواهد داشت و آنچه را که برای او پیش خداوند ذخیره شده است، هر آینه دوست می داشت که آنجا (کربلا) خانه اش می بود و همانا زائر امام حسین علیه السلام از این مسافرتش برمی گردد و گامش بر روی چیزی نمی آید مگر اینکه برای او دعا می کند و هنگامی که خورشید بر او می تابد، گناهانش را از بین می برد، همان طور که آتش هیزم را از می سوزاند، خورشید چیزی از گناهان او باقی نمی گذارند، پس برمی گردد در حالی که هیچ گناهی بر او نیست و برای او درجاتی رفیع خواهد شد که کسی که در خون خود، در راه خدا غوطه ور است بدان نمی رسد و فرشته ای به جای او موکل خواهد شد و برای او استغفار می کند، تا اینکه دوباره به زیارت برگردد، یا اینکه ۳ سال بگذرد یا تا وقتی که بمیرد. (مستدرک الوسائل/ج ۱۰/ص ۳۴۳)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ مَرُّوا شَيْعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَإِنَّ إِيَّانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَيَمُدُّ فِي الْعُمُرِ وَيُدْفَعُ مَدَافِعَ السُّوءِ وَ إِيَّانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يَقِرُّ لَهُ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ . امام باقر علیه السلام فرمودند: شیعیان ما را به زیارت امام حسین علیه السلام امر کنید، چرا که زیارتش روزی را افزون می کند و عمر را طولانی می گرداند و بلاها و بدی ها را دفع می کند و زیارت کردن امام حسین علیه السلام بر هر مومنی که اقرار به امامت او از جانب خدا داشته باشد، واجب است. (تهذیب الاحکام/ج ۶/ص ۴۲)

عن أبي عبد الله ع قال إن لله عز و جل ملائكة موكلين بقبر الحسين ع فإذا هم الرجل بزيارته أعطاهم ذنوبه فإذا أخطأ محوها ثم إذا أخطأ ضاعفوا له حسناته فما تزال حسناته تضاعف حتى توجب له الجنة ثم اكتنفوه فقدسوه و ينادون ملائكة السماء أن قدسوا زوار قبر حبيب حبيب الله فإذا اغتسلوا ناداهم محمد ص يا وفد الله أبشروا بمرافقتي في الجنة ثم ناداهم أمير المؤمنين علي ع أنا ضامن لحوائجكم و دفع البلاء عنكم في الدنيا و الآخرة ثم اكتنفوهم عن أيمنهم و عن شمائلهم حتى ينصرفوا إلى أهاليهم . امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا برای خداوند عزوجل ملائکه ای موکل نزد قبر امام حسین علیه السلام می باشد، هنگامی که احادی قصد زیارتش را می نماید، گناهانش را به آنها عطا می کند و همین که گام برمی دارد آن گناهان را محو می کند، پس هنگامی که گام برمی دارد حسناتش را مضاعف می نماید، همچنان حسنات او مضاعف می گردد تا اینکه بهشت بر او واجب می

شود، سپس او را میان خود دربرمی گیرند و او را مقدس می گردانند و ملائکه آسمان ندا می کنند که زوار قبر حبیب و حبیب خداوند را مقدس بدارید، هنگامی که غسل می کنند حضرت محمد (ص) آنرا ندا می کند. بشارت باد شما را بر همراهی با من در بهشت پس آنها را امیرالمؤمنین علیه السلام ندا می کند من حوائج شما و دفع بلا از شما را در دنیا و آخرت ضامن هستم پس آن ملائکه زائران را از جانب راست ایشان و چپ ایشان، آنها دربرمیگیرند تا اینکه بسوی اهل خود برمی گردند. (ثواب الاعمال ص ۹۲)

عَنْ سَيْفِ التَّمَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ زَائِرُ الْحُسَيْنِ ع مُشَقَّعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِمِائَةِ رَجُلٍ كُلُّهُمْ قَدْ وَجِبَتْ لَهُمُ النَّارُ مِمَّنْ كَانَ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْمُسْرِفِينَ . سيف تمار از امام صادق علیه السلام نقل فرمودند: شنیدم که ایشان می فرمودند: زائر امام حسین علیه السلام شفیع صد نفر در روز قیامت می باشد کسانی که آتش دوزخ بر ایشان واجب شده است و کسانی که در دنیا از مسرفین بودند. (مستدرک الوسائل / ج ۱۰ / ص ۲۵۳)

عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَالِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَلْ لَكَ فِي قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع قُلْتُ وَ تَزُورُهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ وَ كَيْفَ لَا أَزُورُهُ وَ اللَّهُ يَزُورُهُ كُلُّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ يَهْبِطُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ إِلَيْهِ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَوْصِيَاءُ وَ مُحَمَّدٌ أَفْضَلُ الْأَنْبِيَاءِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ نَذْرُكَ زِيَارَةَ الرَّبِّ قَالَ نَعَمْ يَا صَفْوَانُ الزَّمْ ذَلِكَ يُكْتَبَ لَكَ زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع وَ ذَلِكَ تَفْضِيلٌ وَ ذَلِكَ تَفْضِيلٌ . امام صادق علیه السلام به صفوان شتردار فرمودند: آیا بهره ای از زیارت امام حسین علیه السلام داری؟ عرض کردم شما و زیارتش می کنید فدای شما بشوم، فرمودند: چگونه زیارتش نکنم و حال آنکه هر شب جمعه خداوند به همراه ملائکه و انبیاء و اوصیاء است، به زیارتش می آیند، عرض می آیند، عرض کردم، فدایت شوم پس در هر جمعه که زیارتش کنیم، زیارت پروردگار را نیز درک می کنیم، فرمودند: بله ای صفوان آن را ملزم باش تا اینکه برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام نوشته شود و این تفضیل است، و این تفضیل است. [أقول: المراد أن زيارة الرب له مجاز بمعنى زيادة التفضيل له وهو واضح. مرحوم حر عاملی گوید: مراد از زیارت کردن پروردگار او را؛ مجاز است به معنای زیادت تفضیل امام حسین علیه السلام و این واضح است]. (وسائل الشیعه/ ج ۱۴ / ص ۴۸۰)

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ ع لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ مَنْ زَارَهُ يَوْمَ عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ مَنْ زَارَهُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَكَأَنَّمَا زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ . امام باقر علیه السلام کسی که در شب نیمه شعبان امام حسین علیه السلام را زیارت کند خداوند آنچه را که او از گناهان پیش فرستاده و آنچه می فرستد را می آموزد (گناهان گذشته و آینده او) و هرکس او را در روز عاشورا زیارت کند، خداوند هزار حج مقبول و هزار

عمره مبرور برایش می نویسد، و هرکس او را در روز عاشورا زیارت کند، کانه خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۴۶۹)

عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُصَافِحَهُ مِائَةُ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ عَشْرُونَ أَلْفَ نَبِيٍّ فَلْيَزُرْ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع فِي النَّصَفِ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنَّ أَرْوَاحَ النَّبِيِّينَ ع تَسْتَأْذِنُ اللَّهَ فِي زيارَتِهِ فَيُؤْذَنُ لَهُمْ .
امام صادق علیه السلام : هرکس دوست دارد که صدویست هزار پیامبر با او مصافحه کنند، پس قبر امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان زیارت کند چرا که ارواح پیامبران علیه السلام از خداوند اذن می گیرند در مورد زیارت امام حسین علیه السلام و به ایشان اذن داده می شود. (تهذیب الاحکام/ج ۶/ص ۴۸)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ نَادَى مُنَادٍ تِلْكَ اللَّيْلَةُ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ غَفَرَ لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ . امام صادق علیه السلام :
هنگامی که شب قدر فرا رسد که در آن شب هر امر محکمی یک منادی در آن شب از درون ندا می زند؛ همانا خداوند تعالی به درستی که هر آنکس را که در این شب به زیارت قبر امام حسین علیه السلام آمده را آمرزد.

عَنْ يُونُسَ بْنِ طَبِيَّانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع يَوْمَ عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَاجَةٍ مَعَ الْقَائِمِ ع وَ أَلْفَ عُمرَةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ عِتَقَ أَلْفَ أَلْفِ نَسَمَةٍ وَ حُمْلَانِ أَلْفِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ سَمَاءَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَبْدِي الصَّدِيقِ أَمَّنْ بَوَعْدِي وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ فَلَانٌ صَدِيقٌ رَكَاهُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ وَ سَمَّى فِي الْأَرْضِ كَرُوبِيًّا . امام صادق علیه السلام : هر کس قبر امام حسین علیه السلام را روز عرفه زیارت کند، خداوند برای او هزار هزار حج به همراه حضرت قائم (عج)، و هزار هزار عمره با رسول خدا (ص) و ثواب آزاد کردن هزار هزار برده و به اندازه هزار هزار اسب و خداوند او را می نامد بنده صدیق من بوعده من ایمان آورده و ملائکه ندا می دهند فلانی صدیق است و خداوند از بالای عرش خود او را تزکیه نموده است و در زمین کروی نامیده می شود. (تهذیب الاحکام/ج ۶/ص ۵۱۷)
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع لَيْلَةً مِنْ ثَلَاثٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ قُلْتُ أَيْ اللَّيَالِي جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ لَيْلَةُ الْفِطْرِ وَ لَيْلَةُ الْأَضْحَى وَ لَيْلَةُ النَّصَفِ مِنْ شَعْبَانَ . امام صادق علیه السلام : هر کس در شبی از سه شب قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد، عرض کردم فدایتان بشوم کدام شبها فرمودند: شب عید فطر و شب عید قربان و شب نیمه شعبان. (تهذیب الاحکام/ج ۶/ص ۴۹)

عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ بَاتَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع لَيْلَةَ عَاشُورَاءَ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلْطَحًا بِدَمِهِ كَأَنَّمَا قُتِلَ مَعَهُ فِي عَرَصَةِ كَرْبَلَاءَ . امام صادق علیه السلام: هر کس شب عاشورا کنار قبر

امام حسین علیه السلام بیتوته کند، خداوند را در روز قیامت در حالی که آغشته به خون می باشد، زیارت می کند گویی که در میدان کربلا همراه با امام حسین علیه السلام شهید شده است. وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۴۷۷

احادیثی در آداب زیارت

عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا أَتَيْتَ الْحُسَيْنَ عَ فَمَا تَقُولُ قُلْتُ أَشْيَاءَ أَسْمَعُهَا مِنْ رِوَاةِ الْحَدِيثِ مِمَّنْ سَمِعَ مِنْ أَبِيكَ قَالَ أَفَلَا أُخْبِرُكَ عَنْ أَبِي عَنْ جَدِّي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَ كَيْفَ كَانَ يُصْنَعُ فِي ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَصُمْ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِذَا أَمْسَيْتَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ ثُمَّ قُمْ فَانْظُرْ فِي نَوَاحِي السَّمَاءِ وَ اغْتَسِلْ تِلْكَ اللَّيْلَةَ قَبْلَ الْمَغْرَبِ ثُمَّ تَنَامْ عَلَى طَهْرٍ فَإِذَا أَرَدْتَ الْمَشْيَ إِلَيْهِ فَاغْتَسِلْ وَ لَا تَطَيَّبْ وَ لَا تَدْهِنْ وَ لَا تَكْتَحِلْ حَتَّى تَأْتِيَ الْقَبْرَ . امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمودند: هنگامیکه نزد قبر امام حسین علیه السلام می روی چه می گویی، عرض کرد: چیزهایی می گویم که از راویان حدیث شنیده ام از آنانی که از پدر بزرگوارتان شنیده اند. فرمودند: آیا تو را با خبر نسازم از پدرم از جدم علی بن حسین علیه السلام چگونه آنجا به اعمال می پرداخت عرض کردم: آری فدایتان شوم. حضرت فرمودند هرگاه خواستی برای زیارت حسین علیه السلام بیرون روی قبل از اینکه خارج شوی سه روز روزه بگیر روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه پس هنگامیکه شب جمعه فرا رسید نماز شب بخوان پس برخیز و به اطراف آسمان نظاره کن و در آن شب غسل کن قبل از مغرب پس بخواب در حالی که با طهارت باشی پس هنگامی که خواستی پیاده بسوی قبرش روی، غسل نما و خود را خوشبو مکن و از روغن نیز استفاده مکن و سرمه نیز استفاده نکن تا اینکه بسمت قبر بروی. (تهذیب الاحکام/ج ۶/ص ۷۶*)

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَأْتُونَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَيَتَخَذُونَ سُفْرًا أَوْ مَا إِنَّهُمْ لَوْ أَتَوْا قُبُورَ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ قُلْتُ فَأَيُّ شَيْءٍ يَأْكُلُونَ قَالَ الْخُبْزُ وَ اللَّبَنُ . امام صادق علیه السلام: برخی از مردم می روند به زیارت قبر حسین علیه السلام و با خود سفره هایی می برند همانا ایشان اگر به نزد قبور پدران و مادرانشان می رفتند چنین نمی کردند عرض کردم: پس چه بخورند، حضرت فرمودند: نان و شیر. (تهذیب الاحکام/ج ۶/ص ۷۷)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا زُرْتَ الْحُسَيْنَ عَ فَزُرْهُ وَ أَنْتَ حَزِينٌ مَكْرُوبٌ أَشْعَثُ مُغْبَرٍّ جَائِعٌ عَطْشَانٌ وَ اسْأَلْهُ الْحَوَائِجَ وَ انْصَرِفْ وَ لَا تَتَّخِذْهُ وَطَنًا . امام صادق علیه السلام: هرگاه خواستی امام حسین علیه السلام را زیارت کنی او را زیارت کن در حالی که محزون و مکروب و ولیده موی و غبار آلود و گرسنه

و تشنه لب باشی و از اباعبدالله علیه السلام حوائج را بخواه و برگرد و کربلا را وطن خود مگیر. (تهذیب الاحکام/ج ۶/ص ۷۶)

عَنْ دَاوُدَ الصَّرْمِيِّ قَالَ قُلْتُ لَهُ يَغْنَى أَبَا الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيُّ ع إِنِّي زُرْتُ أَبَاءَكَ وَ جَعَلْتُ ذَلِكَ لَكَ فَقَالَ لَكَ بِذَلِكَ مِنَ اللَّهِ ثَوَابٌ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ وَ مِنَّا الْمَحْمَدَةُ . داوود می گوید: به امام حسن عسکری عرض کردم: به درستی که من پدران بزرگوار شما را زیارت کرده ام و آن زیارت را برای شما قرار دادم. حضرت فرمودند: برای تو از جانب خداوند ثواب عظیمی است و از برای ما هم ستودن از برای توست. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۵۹۳)

عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ تَوْبَرٍ قَالَ كُنْتُ أَنَا وَ يُونُسُ بْنُ طَبْيَانَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ كَانَ أَكْبَرَنَا سِنًا فَقَالَ لَهُ إِنِّي كَثِيرٌ مَا أَذْكُرُ الْحُسَيْنَ ع فَأَيُّ شَيْءٍ أَقُولُ قَالَ قُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ تُعِيدُ ذَلِكَ ثَلَاثًا فَإِنَّ السَّلَامَ يَصِلُ إِلَيْهِ مِنْ قَرِيبٍ وَ مِنْ بَعِيدِ الْحَدِيثِ . حسين بن توبر گوید: من و یونس بن طبیان نزد امام صادق علیه السلام بودیم انش از ما بیشتر بود به حضرت عرضه داشت من بسیار امام حسین علیه السلام را یاد می کنم پس چه ذکری بگویم حضرت فرمودند: بگو "صلی الله علیک یا اباعبدالله" و این ذکر را سه مرتبه بگو چرا که سلام از نزدیک و دور به ایشان می رسد (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۴۹۳)

عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا سَدِيرُ تَزُورُ الْحُسَيْنَ ع فِي كُلِّ يَوْمٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا قَالَ فَمَا أَجْفَاكُمْ قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ قَالَ قُلْتُ قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ يَا سَدِيرُ مَا أَجْفَاكُمْ لِلْحُسَيْنِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَلْفَ أَلْفِ مَلِكٍ شُعْنًا غُبْرًا يَبْكُونَهُ وَ يَزُورُونَهُ لَا يَفْتُرُونَ وَ مَا عَلَيْكَ يَا سَدِيرُ أَنْ تَزُورَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع فِي كُلِّ جُمُعَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ أَوْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَرَايَسُخُ كَثِيرَةٌ فَقَالَ لِي اصْعُدْ فَوْقَ سَطْحِكَ ثُمَّ التَفِتْ يَمَنَةً وَ يَسْرَةً ثُمَّ تَرَفَّعْ رَأْسَكَ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ تَنَحَّوْا نَحْوَ الْقَبْرِ فَتَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ تُكْتَبُ لَكَ زُورَةٌ وَ الزُّورَةُ حَجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ . امام صادق علیه السلام به سدير فرمودند: ای سدير آيا قبر حسين عليه السلام را هر روز زيارت می کنی؟ عرض کردم فدایت شوم نه، فرمودند: چقدر شما جفا می کنید آيا پس در هر ماه او را زيارت می کنی؟ عرض کردم: خير فرمودند: آيا پس در هر سال او را زيارت می کنی: عرض کردم گاهی اوقات چنین می شود، فرمودند: ای سدير چقدر شما به حسين عليه السلام جفا می کنید مگر نمی دانی که خداوند هزار هزار فرشته ژولیده موی و غبار گرفته دارد که گریه می کنند و امام حسين عليه السلام را زيارت می کنند و هرگز خسته نمی شوند و هيچ باک و رنجی بر تو نيست ای سدير که در هر جمعه ۵ مرتبه و در هر روز يك مرتبه قبر امام حسين عليه السلام را زيارت کنی، عرض کردم: فدایت شوم میان ما و او فرسخ های بسیاری است. حضرت فرمودند: بر روی پشت

بام خانه ات برو، پس توجهی به جانب راست بعد چپ بنما پس سرت را بلند کن و بسوی آسمان پس رو کن بسمت قبر امام حسین علیه السلام و بگو "السلام علیک یا ابا عبدالله السلام علیک و رحمة الله و برکاته" که برایت بدین خاطر یک زیارت نوشته می شود، این زیارت یک حج و یک عمره است سدید گفت: چه بسیار که این فرمایش را در هر ماه بیش از بیست مرتبه انجام می دادم. (وسائل الشیعة ج ۱۴ ص ۴۹۳)

عن الحسن بن محبوب بن إسحاق بن عمار قال سمعت أبا عبد الله ع يقول موضع قبر الحسين ع منذ يوم دفن روضة من رياض الجنة و قال موضع قبر الحسين ع ترعة من ترع الجنة . حسن بن محبوب گوید شنیدم از امام صادق علیه السلام فرمودند: موضع قبر امام حسین علیه السلام از روزی که در آن مدفون شده است، باغی است که از باغهای بهشتی و فرمودند موضع قبر او چشمه و قناتی از چشمه های بهشت است. (ثواب الاعمال/ص ۹۴)

قَالَ الصَّادِقُ ع فِي طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ هُوَ الدَّوَاءُ الْأَكْبَرُ . امام صادق علیه السلام : در طین قبر امام حسین علیه السلام شفایی است برای هر دردی و این طین بزرگترین داروست. (من لا یحضره الفقیه/ج ۲/ص ۵۹۹)

أَحْمَدُ بْنُ فَهْدٍ فِي عِدَّةِ الدَّاعِي قَالَ رَوَى أَنَّ اللَّهَ عَوَّضَ الْحُسَيْنِ ع مِنْ قَتْلِهِ أَرْبَعَ خِصَالٍ جَعَلَ الشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ تَحْتَ قُبَّتِهِ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ دُرِّيَّتِهِ وَ أَنْ لَا تُعَدَّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ مِنْ أَعْمَارِهِمْ . روایت شده که: همانا خداوند در عوض کشته شدن امام حسین علیه السلام چهار خصلت به ایشان عطا کرد، شفا را در تربت او، اجابت دعا را زیر گنبد او و امامان را از ذریه او قرار داد و اینکه روزهای زائران او از عمر آنها حساب نمی شود. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۵۳۷)

بَعْضُ أَصْحَابِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ع قَالَ دَخَلْتُ إِلَيْهِ فَقَالَ لَا تَسْتَغْنِي شِيعَتُنَا عَنْ أَرْبَعِ خُمَرَةٍ يُصَلَّى عَلَيْهَا وَ خَاتَمٍ يَتَخَتَّمُ بِهِ وَ سِوَاكِ يَسْتَاكُ بِهِ وَ سُبْحَةٍ مِنْ طِينِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِيهَا ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ حَبَّةً مَتَى قَلَبَهَا ذَاكِرًا لِلَّهِ كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ حَبَّةٍ أَرْبَعُونَ حَسَنَةً وَ إِذَا قَلَبَهَا سَاهِيًا يَغْبُثُ بِهَا كُتِبَ لَهُ عِشْرُونَ حَسَنَةً . یکی از اصحاب امام موسی بن جعفر علیه السلام از ایشان روایت نموده که فرمودند: شیعیان ما از چهار چیز بی نیاز نیستند سجاده ای که بر روی آن نماز بخوانند، انگشتری که آن را در انگشت دست بگذارد و مسواکی که با آن مسواک کند و تسبیحی از طین قبر امام حسین علیه السلام که در آن سی و سه دانه باشد، هر گاه می گرداند در حالی که خداوند را ذکر می گوید برایش به هر دانه چهل حسنه نوشته می شود و هر گاه در حالی که ذکر نمی گوید برایش بیست حسنه نوشته می شود. (تهذیب الاحکام/ج ۶/ص ۷۵)

عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ نَظَرَ النَّبِيُّ ص إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع وَهُوَ مُقْبِلٌ فَأَجْلَسَهُ فِي حِجْرِهِ وَقَالَ إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا ثُمَّ قَالَ ع بِأَيِّ قَتِيلٍ كُلِّ عَبْرَةٍ قِيلَ وَ مَا قَتِيلٌ كُلِّ عَبْرَةٍ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى . امام باقر علیه السلام فرمودند: پیامبر (ص) به امام حسین علیه السلام نگاه کردند در حالی که او به سمت ایشان روی می آوردند، پس ایشان امام حسین علیه السلام را در دامان خود نشانیدند و فرمودند: پدرم فدای کشته و اشک بشود گفته شد کشته و اشک کیست ای پسر رسول الله (ص)، فرمودند هیچ مومنی او را یاد نمی کند مگر اینکه گریه کند از برای او. (مستدرک الوسائل/ج ۱۰/ص ۳۱۸)

قَالَ الرُّضَا ع فِي حَدِيثٍ فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ ثُمَّ قَالَ ع كَانَ أَبِي ع إِذَا دَخَلَ شَهْرُ الْمُحَرَّمِ لَا يَرَى صَاحِبًا وَ كَانَتْ الْكَاتِبَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى تَمُضِيَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ وَ يَقُولُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ ع . امام رضا علیه السلام فرمودند: پس بر مانند حسین علیه السلام گریه کنندگان گریه کنند چرا که گریه بر او گناهان بزرگ را از بین می برد، پس فرمودند: پدرم هنگامی که ماه محرم فرا می رسید خنده کنان دیده نمی شد و گرفتگی و غمگینی بر ایشان غالب می شد تا اینکه ده روز سپری می شد و هنگامی که روز دهم می شد آن روز روز مصیبت و گریه اش می بود و می فرمود: این روزی است که در آن امام حسین علیه السلام را کشتند. (وسائل الشیعة ج ۱۴ ص ۵۰۵)

عن الريان بن شبيب عن الرضا ع...يا ابن شبيب إن بكيت على الحسين حتى تصير دموعك على خديك غفر الله لك كل ذنب أذنبته صغيرا كان أو كبيرا قليلا كان أو كثيرا . امام رضا علیه السلام : ای پسر شبيب اگر بر حسین علیه السلام گریه کنی تا اینکه اشکهایت بر گونه هایت جاری شود خداوند هر گناهی را که مرتکب شده ای را چه صغیر باشد چه کبیر کم یا زیاد می آمرزد آنرا برای تو. (بحار الأنوار - ج ۴۴ - ص ۲۸۶)

عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ أَمَا تَذْكُرُ مَا صُنِعَ بِهِ يَعْنِي بِالْحُسَيْنِ ع قُلْتُ بَلَى قَالَ أَتَجَزَعُ قُلْتُ إِي وَ اللَّهِ وَ أَسْتَعْبِرُ بِذَلِكَ حَتَّى يَرَى أَهْلِي أَتَرُ ذَلِكَ عَلَيَّ فَأَمْتَنُ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّى يَسْتَبِينَ ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ رَحِمَ اللَّهُ دَمْعَتَكَ أَمَا إِنَّكَ مِنَ الَّذِينَ يُعْدُونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا وَ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ لِفَرَجِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا أَمَا إِنَّكَ سَتَرَى عِنْدَ مَوْتِكَ حُضُورَ آبَائِي لَكَ وَ وَصِيَّتَهُمْ مَلَكَ الْمَوْتِ بِكَ وَ مَا يَلْقَوْنَكَ بِهِ مِنَ الْبِشَارَةِ أَفْضَلُ وَ لَمَلَكَ الْمَوْتُ أَرْقُ عَلَيْكَ وَ أَشَدُّ رَحْمَةً لَكَ مِنَ الْأُمِّ السَّفِيْقَةِ عَلَى وَلَدِهَا إِلَى أَنْ قَالَ مَا بَكَى أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَ لِمَا لَقِينَا إِلَّا رَحِمَهُ اللَّهُ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِهِ فَإِذَا سَالَ دُمُوعُهُ عَلَى خَدَيْهِ فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَأُطْفِئَتْ حَرُّهَا حَتَّى لَا يُوجَدَ لَهَا حَرٌّ وَ ذَكَرَ حَدِيثًا طَوِيلًا يَتَضَمَّنُ ثَوَابًا جَزِيلًا يَقُولُ فِيهِ وَ مَا مِنْ عَيْنٍ بَكَتْ لَنَا إِلَّا نَعَّمْتُ بِالنَّظَرِ

إِلَى الْكَوْثَرِ وَ سُقِيتَ مِنْهُ مَعَ مَنْ أَحَبَّنَا . مسمع بن عبدالملک گوید: امام صادق علیه السلام در حدیثی به من فرمود: آیا یاد می کنی که چه کردند با امام حسین علیه السلام گفتم بله، فرمودند آیا جزع و بی تابی می کنی؟ گفتم آری بخدا قسم و بدین خاطر گریه می کنم اشک می ریزم تا اینکه اهل خانه ام اثر اشک را در من می بینند و از طعام امتناع می کنم تا اینکه اشک در رخسارم نمایان می شود. حضرت فرمودند: خداوند اشکت را رحمت کند به درستی که تو از کسانی هستی که از اهل جزع برای ما و از آنانی که به سبب شادی ما شادی می کند و بخاطر حزن ما محزون می شوند شمرده می شوند و بدرستی که تو هنگام مرگت حاضر شدن پدران من را نزد آمده و توصیه کردن ایشان در مورد تو به ملک الموت را خواهی دید و آنچه که بدین خاطر از بشارت به تو می دهند بهتر و افضل می باشد، هیچ کسی از روی رحمت به ما و به خاطر آنچه که به ما وارد شده بر ما گریه نمی کند مگر اینکه خداوند قبل از اینکه اشک از چشم هایش در جهنم بیفتد قطعاً حرارت جهنم را خاموش خواهد نمود تا اینکه دیگر هیچ حرارتی نداشته باشد و هیچ چشمی نیست که بر ما گریه کند مگر اینکه به نگاه به کوثر بهره مند خواهد شود و از آن به همراه آنانی که ما را دوست دارند سیراب خواهد شد. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۵۰۸)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ ع حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدَّيْهِ بَوَّاهُ اللَّهِ بِهَا غُرْفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا وَ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ فِيمَا مَسَّنَا مِنَ الْأَذَى مِنْ عَذُّونَا فِي الدُّنْيَا بَوَّاهُ اللَّهُ مُبَوَّأً صَدَقٍ وَ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَسَّهُ أَدَى فِينَا فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ مِنْ مَضَاصَةٍ مَا أُوذِيَ فِينَا صَرَفَ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ الْأَذَى وَ أَمَنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ سَخَطِهِ وَ النَّارِ . محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمودند: امام علی بن حسین علیه السلام می فرمودند: هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن امام حسین علیه السلام بگیرد تا اینکه اشک بر دو گونه اش جاری شود خداوند بدین خاطر برای او غرفه هایی مهیا می کند که سالیان بسیار در آنها سکونت کند و هر مومنی که چشمانش گریان شود در آنچه که از اذیت دشمنان ما در دنیا به ما رسیده خداوند جایگاه صدقی برای او فراهم می کند و هر مومنی که در راه ما به او اذیتی برسد پس از دیدگاهش اشک جاری شود تا اینکه بر روی گونه اش بیاید، خداوند اذیت را از چهره او بر می دارد و او را از سخط خود و آتش ایمن نگاه می دارد. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۵۰۱)

قَالَ الرَّضَاعُ مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا فَبَكَى وَ أَبْكَى لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً يُحْيَا فِيهِ أَمْرَنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ الْحَدِيثُ . امام رضا علیه السلام فرمودند: هر کس مصائب ما را بیاد آورد و گریه کند و بگریاند چشمش در روزی که چشم ها می گریند گریان نخواهد بود و

هرکس در مجلسی که در آن امر ما زنده می شود بنشیند قلبش در روزی که دلها می میرند نخواهد مرد. (جوامع الحکم ص ۳۲۳ حدیث ۳۰۸)

عَنْ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ ذُكِرْنَا عَنْهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ . امام صادق علیه السلام : هر کس که از ما نزد او ذکر می شود و از دیدگان او اشک جاری شود هر چند به مثل و مقدار بال مگسی باشد خداوند گناهان او را می آمرزد هر چند که مانند کف دریاها باشد. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۵۰۱)

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ لِلْفَضِيلِ تَجَلَّسُونَ وَ تَحَدَّثُوا فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عَنْهُ ثُمَّ ذَكَرَ مِثْلَهُ . امام صادق علیه السلام : ای فضیل آیا می نشینید و حدیث سخن می گوید عرضه داشت آری حضرت فرمودند: همانا من این مجلس را دوست دارم پس امر ما را احیا کنید خداوند رحمت کند کسی که امر ما را زنده کند ای فضیل هرکس ما را یاد کند یا اینکه نزد او از ما یاد شود پس حدیثی مانند حدیث قبلی بیان کردند. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۵۰۱)

عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ فِي حَدِيثٍ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَجَعْفَرِ بْنِ عَفَّانَ الطَّائِي بَلَّغْنِي أَنَّكَ تَقُولُ الشَّعْرُ فِي الْحُسَيْنِ ع وَ تُجِيدُ قَالَ نَعَمْ فَأَنْشَدَهُ فَبَكَى وَ مِنْ حَوْلِهِ حَتَّى سَالَتِ الدُّمُوعُ عَلَى وَجْهِهِ وَ لِحْيَتِهِ ثُمَّ قَالَ يَا جَعْفَرُ وَ اللَّهُ لَقَدْ شَهِدَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ هَاهُنَا يَسْمَعُونَ قَوْلَكَ فِي الْحُسَيْنِ ع وَ لَقَدْ بَكَوْا كَمَا بَكَيْنَا وَ أَكْثَرَ وَ لَقَدْ أُوجِبَ اللَّهُ لَكَ يَا جَعْفَرُ فِي سَاعَتِكَ الْجَنَّةَ بِأَسْرَهَا وَ غَفَرَ لَكَ فَقَالَ أَلَا أَرَيْدُكَ قَالَ نَعَمْ يَا سَيِّدِي قَالَ مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ فِي الْحُسَيْنِ ع شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبْكَى بِهِ إِلَّا أُوجِبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَ غَفَرَ لَهُ . امام صادق علیه السلام به جعفر بن عنان فرمودند: به من خبر رسیده که در مورد امام حسین علیه السلام به خوبی شعر می گویی. عرض کرد: بله پس برای امام شعر خواند و هر کس که در اطراف حضرت بودند گریه کردند تا اینکه اشک بر صورت مبارک ایشان جاری شد سپس فرمود ای جعفر به خدا قسم که اینجا ملائکه مقرب خداوند نزد تو حاضر شده اند سخن تو را در مورد امام حسین علیه السلام می شنوند؛ و به درستی که ملائکه نیز گریه می کردند همچنان که ما گریستیم بلکه بیش از ما و به درستی که ای جعفر در این ساعت بهشت را بر تو واجب نمود و تو را آمرزید سپس فرمودند: آیا از این بیشتر برایت نگویم؛ عرض کرد: آری حضرت فرمودند: هیچ کس نیست که در مورد امام حسین علیه السلام شعری بگوید و گریه کند و بوسیله آن بگریاند مگر اینکه خداوند بهشت را بر او واجب کند و او را می آمرزد. (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲، بنقل از رجال کشی، ص ۲۸۹)

عن داود الرقي قال كنت عند أبي عبد الله ع إذا استسقى الماء فلما شربه رأيته قد استعبر و اغرورقت عيناه بدموعه ثم قال لي يا داود لعن الله قاتل الحسين ع فما من عبد شرب الماء فذكر الحسين ع و

لعن قاتله إلا كتب الله له مائة ألف حسنة و حط عنه مائة ألف سيئة و رفع له مائة ألف درجة و كأنما أعتق مائة ألف نسمة و حشره الله تعالى يوم القيامة ثلج الفؤاد . داوود رقی می گوید نزد امام صادق علیه السلام بودم، تا اینکه طلب آب نمود هنگامی که از آن نوشید دیدم ایشان را که اشک ریخت و دیدگانش غرق در اشک شد، پس فرمودند: ای داوود خداوند قاتل امام حسین علیه السلام را لعنت کند هیچ بنده ای نیست که آب بنوشد و امام حسین علیه السلام را یاد کند و قاتلش را لعنت کند مگر اینکه خداوند برای او حسنه می نویسد و صد هزار گناه را از او می ریزد و از برای او صد هزار درجه رفیع می گرداند و کانه صد هزار برده آزاد کرده و خداوند او را با دلی آرام وارد محشر می کند. (الکافی : ۶ / ۳۹۱)

زمزمه های راهیان کربلا

چیزی نگو تا نوحه خوان باد صبا باشد - بگذار تاول ترجمان ماجرا باشد
آخر رها کردم دلم را اول این راه - حیف است آهو بچه ای در تنگنا باشد
فتح الفتوح ما عمود آخر راه است - فرصت بده فرماندهی کشورگشا باشد
بسیار می آید پس از ما اربعین هایی - بگذار خاکم کوزه های سر جدا باشد
صبح ازل این سوی ما شام ابد آن سو - شاید جهان راه نجف تا کربلا باشد

دارم میبینم با پاهای تاول زده - پیاده مهمون اند از راه دور اومده
دل ها قطره قطره راهی دریا شده
بیا که زینب هم داره میاد کربلا - میاد یه کاروان خسته از شام بلا
میان فرشته ها به خونه ی خون خدا
آغوش من بازه برای زوارم - به راهتون چشم من و علمدارم
کسی که با شوق زیارت اربعین - به عشق دیدارم میاد به این سرزمین
میان استقبالش زهرا و ام البنین
خودم مسافر ای عاشقو صدا زدم - خودم دارم کنارتون میام قدم به قدم
خودم دل شما رو می برم به اون حرم
دوای درداتون غبار این راهه - به راهتون چشم شهید شش ماهه
تویی که اینجا به دعوت خواهرم - خودم همراهت تا قیامت و محشرم
بهشتی هستی با شفاعت مادرم

بهشت همه اش یه گوشه ای از این ضیافته - بهشت خودش تو آرزوی این زیارته
 بهشت یه جلوه از شکوه این قیامته
 یار من هرکی بیاد در خونه ام - منم دلم تنگه برای مهمونم
 دلای دریایی میون این جاده ها - میان دریا دریا تو جمع دل داده ها
 اسیر این راهن تموم آزاده ها
 میام میون موکب ها کنار زائرا - میام خودم کنار تک تک مسافرا
 میام برای آب و دونه کبوترا
 آغوش من بازه برای زوارم - به راهتون چشم من و علمدارم
 * * *

از نجف عرش خدا - می رویم کربلا
 یاد شهیدان و روح خدا هستیم - زوار مظلوم کربلا هستیم - مظلوم حسین جانم
 دل پریشان می رویم - دیده گریان می رویم
 رویم به جایی که محشرپاگشته - رأس حسین بن علی جدا گشته - مظلوم حسین جانم
 سر دهد آوای غم - فاطمه با قد خم
 آبت ندادندای نوردوعین من - تشنه لب عطشان مظلوم حسین من - مظلوم حسین جانم
 آن حرم عرش خداست - قبر مصباح الهداست
 بُود به زاری و سوز دل و آوا - شبهای جمعه زهرا زائر آنجا - مظلوم حسین جانم
 * * *

کنار قدم های جابر - سوی نینوا رهسپاریم
 ستون های این جاده را ما - به شوق حرم می شماریم
 شبیه رباب و سکینه - برای حرم بیقراریم
 ازین سردی و سختی راه - به شوق تو باکی نداریم
 فدایی زینب - هوادار عشقیم
 اگرکه خدا خواست - بزودی دمشقیم
 لبیک یابن الحیدر
 قَطَعْنَا الْبَيْكَ الصَّحَارِي - الا یا امیر الفرات
 أَضِفْنَا فَأَنَّا ضَيْبُوكَ - اَضِفْ هَؤُلَاءِ الْمَشَاةَ
 نَسِيرُ الْبَيْكَ نَهَاراً - وَ نَحْلُمُ بِكَ فِي اللَّيَالِي

نَعْدُ الخُطى و العلامات - و نيكيك حتى الوصال
 نسيل كنهـ - يا بحر المعالي
 بصخر و سد - ابد لائبالى
 لبيك يابن الحيدر
 وُلدنا على حب حيدر - اذن لانخاف المخاطر
 و نفديك بالقلب و الروح - و ليس فقط بالحناجر
 و الحمد لله صرنا - بلطفك شعباً ابيّاً
 سنمشي الى القدس يوماً - مع المسلمين سويّاً
 سلام على الشام - كرمز الصمود
 و قدس و بحرين - اسير القيود
 لبيك يابن الحيدر
 شاعر: محسن رضواني
 * * *

تزورونی: حاج باسم کربلائی / آلبوم تزورونی / صفر ۱۴۳۲ ترجمه: محمد باقر اسدی
 تزورونی آعاهدگم - به زیارت من می آید، با شما عهد می بندم
 تعرفونی شفیع الکم - می دانید که من شفیع شمایم
 أسامیکم أسجله أسامیکم - اسامی تان را ثبت می کنم
 هله بیگم یا زواری هله بیگم - خوش آمدید ای زائران من خوش آمدید
 وَ حَگْ جَفِّ الکفیل و الجود وَ الزایه - قسم به دستان ابالفصل و کرامت و پرچم او
 أنا وَ عَبّاش وَ یاکم یا مَشایه - من و عباس باشمایم ای که با پای پیاده به سوی من می آید
 یا مَنْ یُعْتو النُفوس و جئتو شرایه - ای که جان هایتان را به بهای زیارت من به کف گرفته اید
 عَلّی وَاجِبْ أوافیکم یا وَقایه - بر من واجب است تا به شما وفا کنم، ای وفاداران!
 تواسینی شعائزگم - عزاداری هایتان به من دلداری می دهد
 تروینی مدامعگم - و اشک هایتان مرا سیراب می کند
 أواسیکم أنا وَ جرحی أواسیکم - من و زخم هایی که بر تن دارم به شما دلداری می دهیم
 هله بیگم یا زواری هله بیگم - خوش آمدید ای زائران من، خوش آمدید
 تزورونی آعاهدگم - به زیارت من می آید، با شما عهد می بندم
 تعرفونی شفیع الکم - می دانید که من شفیع شمایم

أَسَامِيكُمْ أَسْجَلُهَا أَسَامِيكُمْ - اسامی تان را ثبت می کنم
هَلْه بِيَكُم يَا زَوَّارِي هَلْه بِيَكُم - خوش آمدید ای زائران من خوش آمدید
هَلْه يَلْ مَا نَسِيتُ وَ عَلٌ وَعِدٌ تَحْضُرُ - خوش آمدید ای که وعده تان را فراموش نکرده و بر سر موعد حاضر می شوید

إِجِثْ وَ لَا يَهْمُكَ لَا بَرْدٌ لَا حَرٌّ - آمدید در حالی که نه گرما برای تان مهم بود و نه سرما
وَ حَكْ دَمْعُ الْعَقِيلِهِ وَ طَبَرُهُ الْأَكْبَرُ - قسم به اشک زینب و فرق شکافته اکبر
أَحْضَرُكَ وَ مَا أَعُوفُكَ سَاعَهُ الْمَحْشَرُ - در محشر کنار تان خواهم بود و رهایتان نمی کنم
عَلَى الْمَوْعِدِ أَجَى يَمَكُم وَ لَا أَبْعَدُ وَ أَعُوفُ عَنْكُم - در وقت دیدار پیشتان می آیم و دور نمی شوم و رهایتان نمی سازم

مُحَامِيكُمْ وَ حَكْ حَيْدَرُ مُحَامِيكُمْ - پشتیبانتان هستم به حق حیدر پشتیبانتان هستم
هَلْه بِيَكُم يَا زَوَّارِي هَلْه بِيَكُم - آمدید ای زائران من، خوش آمدید
تَرَوْنِي أَعَاهِدُكُمْ - به زیارت من می آید، با شما عهد می بندم
تَعْرِفُونِي شَفِيعُ الْكُم - می دانید که من شفیع شمایم
أَسَامِيكُمْ أَسْجَلُهَا أَسَامِيكُمْ - اسامی تان را ثبت می کنم
هَلْه بِيَكُم يَا زَوَّارِي هَلْه بِيَكُم - خوش آمدید ای زائران من خوش آمدید
يَا هَلْشَايِلُ رَايَهُ وَ جَائِ غَاصِدُنِي - ای آنکه پرچم به دست قصد دیدار مرا کرده اید
تَعْرِفُ رَايَتَكَ بِي مَنْ تُدَكِّرُنِي؟ - می دانی که پرچمت مرا به یاد چه کسی می اندازد؟
بَلْكَطَعُو جُفُوفَهُ وَ صَاخُ إِدْرَكُنِي - به یاد آن دست بریده ای که فریاد زد: مرا دریاب
صَحِثٌ وَيَلَاهُ يَا اخُوِيهِ وَ ظَهَرُ مِخْنِي - و با شنیدن آن صدا، آشکارا فریاد زدم که بی برادر شدم و اندوهم بر من آشکار شد

كِسَرُ ظَهْرِي سَهْمُ هَجْرِكُ - تیر هجرت کمرم را شکست
نَفْدُ صَبْرِي بَعْدَ عُمُرِكُ - بعد از شهادتت صبرم به پایان رسید
أَوْصِيكُمْ عَلَى الرَّايَةِ أَوْصِيكُمْ - سفارش این پرچم را به شما می کنم
هَلْه بِيَكُم يَا زَوَّارِي هَلْه بِيَكُم - خوش آمدید ای زائران من، خوش آمدید
تَرَوْنِي أَعَاهِدُكُمْ - به زیارت من می آید، با شما عهد می بندم
تَعْرِفُونِي شَفِيعُ الْكُم - می دانید که من شفیع شمایم
أَسَامِيكُمْ أَسْجَلُهَا أَسَامِيكُمْ - اسامی تان را ثبت می کنم
هَلْه بِيَكُم يَا زَوَّارِي هَلْه بِيَكُم - خوش آمدید ای زائران من خوش آمدید

يَا مَنْ غَاصِدُ إِلَيَّ وَ دَمْعُهُ تَجْرِيهِ - ای که با چشمان اشکبار قصد زیارت مرا کرده‌اید
 أَعْرِفُ حَاجَتَكَ مُو دَاعِي تَحْجِيهِ - حاجت‌تان را می‌دانم، نیازی به گفتن نیست
 وَحَكْ نَحْرُ الرِّضِيعِ الْحَاجِهِ أَغْضِيهِ - قسم به گلوئ شیرخواره، حاجت‌تان را برآورده می‌کنم
 يَا زَائِرُ عَاهِدْتُ كُلَّ عِلَّةٍ أَشْفِيهِ - زائران من، عهده کرده‌ام که هر بیماری را شفا دهم
 أَخُو زَيْنَبِ فَرَحٌ بِيَكُمُ - برادر زینب به خاطرتان شاد شد
 هَلَهُ وَ مَرَحَبُ يُنَادِيكُمُ - خوش آمدید صدایتان می‌زند
 يُحْيِيكُمُ أَبُو الْغِيَرَةِ يُحْيِيكُمُ - مرد غیرتمند به شما درود می‌گوید
 هَلَهُ بِيَكُمُ يَا زَوَّارِي هَلَهُ بِيَكُمُ - خوش آمدید ای زائران من، خوش آمدید
 تَزُورُونِي أَعَاهِدُكُمُ - به زیارت من می‌آیید، با شما عهد می‌بندم
 تَعْرِفُونِي شَفِيعُ الْكُمُ - می‌دانید که من شفیع شمایم
 أَسَامِيكُمُ أَسْجَلُهُ أَسَامِيكُمُ - اسامی‌تان را ثبت می‌کنم
 هَلَهُ بِيَكُمُ يَا زَوَّارِي هَلَهُ بِيَكُمُ - خوش آمدید ای زائران من خوش آمدید
 زَيْنَبُ مَنْ تَشَاهِدُكُمُ تَزُورُونِي - زینب هنگامی که شما رامیبیند که زیارت‌م میکنید، می‌گوید:
 تُنَادِيكُمُ لَوْ بِالطَّفِّ تَحْضُرُونِي - کاش در جنگ حاضر می‌شدید
 مَا أَمْشِي بِسِرِّهِ وَ لَا يَسْلُبُونِي - که مرا به اسیری نمی‌بردند و مرا غارت نمی‌کردند
 وَ لَا بَسِيَّاطَهُمْ غَدَرُ يُضْرِبُونِي - با تازیانه‌های خیانت نمی‌زدند
 تُنَادِينِي: أَنَا الْجِيرَةُ وَ صَدَّ عَنِّي أَبُو الْغِيَرَةِ - صدایم می‌زند که من در بندم و سرور غیرتمندان از دستم
 رفت

أَبْجِيكُمُ عَلَى مُصَابِهِ أَبْجِيكُمُ - شما را بر این مصیبت می‌گریانم
 هَلَهُ بِيَكُمُ يَا زَوَّارِي هَلَهُ بِيَكُمُ - خوش آمدید ای زائران من، خوش آمدید
 تَزُورُونِي أَعَاهِدُكُمُ - به زیارت من می‌آیید، با شما عهد می‌بندم
 تَعْرِفُونِي شَفِيعُ الْكُمُ - می‌دانید که من شفیع شمایم
 أَسَامِيكُمُ أَسْجَلُهُ أَسَامِيكُمُ - اسامی‌تان را ثبت می‌کنم
 هَلَهُ بِيَكُمُ يَا زَوَّارِي هَلَهُ بِيَكُمُ - خوش آمدید ای زائران من خوش آمدید
 آقایی می‌گفت: من در محل زندگی و اسکان و شهرم حال پیاده روی ندارم. گاهی با موتور و ماشین
 می‌روم. ولی برای آقا اباعبدالله حاضر هستم دهها و صدها کیلومتر پیاده بروم. زیر آفتاب با پاهای
 تاول زده بروم.

اشعار سروده های مؤلف باقری پور

هرکه دارد هوس کربلا بسم الله - هرکه دارد سرهمراهی ما بسم الله

هرکه دارد به سرش شورو نوا بسم الله - هوس دیدنِ انوارِ خدا بسم الله

هرکه دارد هوس دیدنِ بین الحرمین - هوس دیدنِ قبرشهدا بسم الله

هرکه دارد هوس دیدنِ شش گوشه یکی - زیر آن قبه ی مصباحِ هدا بسم الله

هرکه دارد هوس تربت عباس علی - که شده دست و دوباروش جدا بسم الله

هرکه دارد هوس غسل به دریای فرات - و زیارت به قبور شهدا بسم الله

همگی بهر زیارت به دوطفل مسلم - درمسیر نجف و کربلا بسم الله

بار بندید ز بهر سفر کربلا - ای رفیقان و عزیزانِ خدا بسم الله

ثبت نام بهر زیارت همگی بنمائید - با گذرنامه سوی کربلا بسم الله

کوله پستی و گذرنامه خود بردارید - همگی رو به ره کربلا بسم الله

اربعین وعده ما ها همه بین الحرمین - همگی سینه زن ونوحه سرا بسم الله

اندر آن صحن وسرا و حرم سبط نبی - همگی گریه کن و نوحه سرا بسم الله

اندر آن خیمه و خرگاه ابا عبد الله - بنمائید همه شورو نوا بسم الله

وعده ی ما حرم حضرت عباس و یا - کفّ العباس همان دستِ جدا بسم الله

شب و بین الحرمین و ه چه صفائی دارد - که بخوانیم زیارت و دعا بسم الله

باقری خدمت زوّار نصیب تو شود - بین راه نجف و کربلا بسم الله

سروده شده توسط سید محمد باقری پورتاسوعای سال ۱۳۹۶ دارآباد جنگل گلستان

حُبُّ الْحُسَيْنِ يَجْمَعُنَا - در حرمین کربلا

قدم قدم با صد علم، با هم میریم سوی حرم - بر سروسینه میزنیم، حسین حسین میگیرم ما ها

قدم قدم تا اربعین ، میریم حریم شاه دین - طی میکنیم همه با هم ، راه نجف تا کربلا

رزمنده های جبهه ها - شعار میدن چه با صفا - وضوی ما آب فرات ، وعده ی ما کربلا

جانبا زاهم بایلیچرا ، با هم میزن به کربلا - علم بدوش و سینه زن ، نوکرشون میشیم ماها

یادگرای شهدا ، با عکسای شهیدشون - دارن میرن تا بیوسن ، قبر امام شهدا

برهنه پا علم بدوش ، راه نجف تا کربلا - طی میکنند و میروند ، به سوی جنت العُلا

مدافعین حرم و ، بین چه خوشحال شده اند - وقتی میبینن ملیون - ها زائر و به کربلا

نگاه بکن به موکبا ، ازبصره تا به کربلا - آماده ان شبانه روز ، برای خدمت به شما
ایرانی و عراقی و ، لبنانی و ترکیه ای - افغانی و آلمانی و ، سوئدی و آمریکائی
کویتي و بحرینی و ، سوریه ای؛ پاکستانی - همه پیاده میروند ، تا کور بشن وهاییا
راو نجف تا کربلا ، راه بهشت زائراست ، طی میکنند عمود عمود ، تا آن حریم با صفا
چهارده و پنجاه و دو «۱۴۵۲» ، که هست آخرین عمود - سلام میدن به آقامون ، اول شهر کربلا
چون عمود سلام را ، که هست آخرین عمود - میبینه زائرای آقا ، میگن سلام عباس آقا
وارد بین الحرمین ، با جمع زائرا میشی - میبینی گشته منقلب ، حال و هوای زائرا
یکی داره غش میکنه ، یکی دیگه بی حال میشه - زائرا وقتی میبینن ، گنبد شاه کربلا
شیعه وسنی؛ کردولر، عرب؛ عجم؛ ترک و بلوچ - آنجا میگن ای باقری ، حُبُّ الْحُسَيْنِ يَجْمَعُنَا
سروده شده توسط حجة الاسلام سید محمد باقری پوربه مناسبت پیاده روی اربعین سال ۱۳۹۷

ما همگام با زائرین پیاده

ما همگام با زائرین پیاده، بسوی نجف، کربلا رهسپاریم
برای حسین و غم اهل بیتش، سرشک غم از دیده ی خود بباریم
پیاده کنیم طی ره کربلا را، دراین ره ما دژه ای کم نیاریم
شب و روز ما اندر این دشت و صحرا، زخاک و زخاشاک باکی نداریم
پیاده رویم از نجف با اُمید، خدا، تا که از کربلا سر در آریم
تُو هَم باقری بهر ماها دعا کن، تمَنّای یاری ی ما از خدا کن
بزن بر سر و سینه، گو، یا حسین جان، بزودی نصیب همه کربلا کن
همه اندر این اجتماع حسینی، نمایند شرکت تو هم زان صفا کن
بگو از ته دل حسین یا حسین جان
حسین یا حسین یا حسین یا حسین جان
سروده شده توسط حجة الاسلام سید محمد باقری پور ماه صفر سال ۱۳۹۸
تقدیم به زائرین پیاده حرم سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

همه زائرین همچو جابر

همه زائرین همچو جابر ، سوی کربلا رهسپارند
پیاده همانند جابر ، در این ره قدم میگذارند

نجف تا حریمِ حسینی ، روانه به لیل و نهارند
 عمودِ یک و دو و سه ، تا ، عمودِ سلام می‌شمارند
 همه طی کنند این ره با صفا را - پیاده کنند طی ره کربلا را
 بگویند همه یا حسین یا حسین جان - نظر کن به ما زائرین تو ز احسان
 زهرسو نوای حسین یا حسین است - حسین نور تابنده بر هر دو عین است
 یکی سوره ای را ز قرآن بخواند - یکی آیه هائی ز رحمان بخواند
 یکی با خدا زیر لب داره نجوا - یکی هم توسل به اُمّ اییها
 یکی هم بخواند دعای توسل - یکی نوحه خواند همانند بلبل
 بناگه بگوید یکی زان میانه ، که اینجا عمودِ سلام است
 همه دستها روی سینه ، که اکنون گه احترام است
 بگویند با هم سلام علیکم ، الا ای شهیدان راهِ خدائی
 الا ای که جمله شما ها ، شده در ره حق فدائی
 بین باقری زائرین پیاده ، در این روزها سویی کربلایند
 بلی زائرین حریمِ حسینی ، همه عاشقانند و اهل ولایند
 سروده شده توسط حجة الاسلام سید محمد باقری پور ماه صفر سال ۱۳۹۸
 تقدیم به زائرین پیاده حرم سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

موکب ما که پذیرای محبانِ رضاست

موکب ما که پذیرای محبانِ رضاست - هدفش خدمت زوار به نحوی که سزااست
 یاری از شاهِ خراسان طلبیم در این راه - پس بگوئیم ولا قوّة الا بالله
 ما به زوار بگوئیم که نباشید خسته - طی نمائید شما راهِ خدا پیوسته
 طی نمائید شما راهِ بهشتِ رضوان - هست پاداش شما حورو قصورو غلمان
 یک در از باغِ بهشت است به شهرِ مشهد - چونکه خفته است در آن بضعه ی پاکِ احمد
 مشهد است منتظر مقدمِ پاکِ زوار - زائرین گرد هم آیند ز هر شهر و دیار
 چون شما طالبِ رضوانِ الهی هستید - مشهدی ، مکه ای و کربلایی هستید
 طی کنید باقی این راه خدا قوتتان - تا به مشهد حرمِ پاکِ ولی نعمتان
 چون رسیدید به مشهد حرمِ پاکِ امام - بنمائید دعا بهر تمام خدام

بنمائید دعا بهر تمام خدَمه - باقری نوکر زواری دعاگوی همه
ای حجت خدا و ایا بضعة الرسول - ای نور کردگار و ایا بضعة البتول
هرکس به مدح تو شعری سروده است - من هم به سهم خود دوسه خط گرکنی قبول
سروده باقری پور ماه صفر سال ۱۳۹۷

کجائید ای شهیدانِ خدائی؟ - بلاجویانِ دشت کربلائی؟
کجائید ای شهیدانِ سرافراز؟ - کجائید ای فدائیهای جانباز؟
کجائید ای عزیزان، ای دلیران؟ - الا ای قهرمانان، شرزه شیران؟
الا ای پاسدارانِ خمینی - شما بودید انصارِ حسینی
درود حق بروج پاکتان باد - معطر آن مزارو خاکتان باد
شما یارِ علی یارِ حسینید - شماها رهرو پیرِ خمینید
شمایارانِ دین و انقلابید - براهِ دینِ حق پا در رکابید
شماها در صراطِ المستقیمید - کنارِ مهدی زهرا مقیمید
شماها شمعِ راهِ رهروانید - شماها پیرو صاحبِ زمانید
براهِ حق شما از جان گذشته - زجان و مال و فرزندان گذشته
بود این راهِ راهِ دین و قرآن - بود روشن ز انوارِ شهیدان
کنون راهِ شهیدان مستدام است - که راهِ دین و قرآن و امام است
الا ای پیرو راهِ شهیدان - الا ای یاورِ اسلام و قرآن
الا ای حامیِ راهِ ولایت - نما از انقلاب و دین حمایت
اگر چون باقری اهلِ ولایتی - نما هر صبح و شب حمد و ثنائی
سروده شده توسط سید محمد باقری پور در هفته دفاع مقدس سال ۱۳۹۶

ز عاشورا گذشته ار بعینی - عجب یک اربعینِ دلغمینی
شده یک اربعین از بعدِ عاشور - جهانی از غم و غصه پراز شور
چهل روز آسمان هم گریه کرده - زمین و هم زمان هم گریه کرده
چهل روزه که ماهم گریه کردیم - شبانه روز باهم گریه کردیم
چهل روزه عزادارِ حسینیم - چهل روزه که ما در شورو شینیم

چهل روزه که ماها نوحه خوانیم - برای شاهِ دین ما روضه خوانیم
 چهل روزه زیا افتاده سردار - چهل روزه شده زینب عزا دار
 چهل روزه علم روی زمین است - علمدارِ حسین خون برجبین است
 چهل روزه که اکبر خفته در خون - زمین از خونِ پاکش گشته گلگون
 چهل روزه که اصغر مانده بی شیر - ربابه مانده است با آوِ شبگیر
 چهل روزه که قاسم غرقِ خون است - زمین از خونِ پاکش لاله گون است
 چهل روزه سکینه بی پدر شد - علی بن الحسین خونین جگر شد
 چهل روزه که مشکِ پاره پاره - برای تشنگان آبی نداره
 چهل روزه عزادار است زهرا - به حزن و غم گرفتار است زهرا
 چهل روزه که زینب غصّه داره - حزین است و سرشک غم بباره
 چهل روزه که باشد امّ کلثوم - به یادِ کربلا، باچارده معصوم
 چهل روزه که باشد باقری پور - به یادِ کربلا، در نوحه و شور
 سروده شده توسط سیدمحمدباقری پور برای اربعین سال ۱۳۹۶
 امام صادق علیه السلام فرمودند: بَكَتِ السَّمَاءُ عَلَيِ الْحُسَيْنِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا بِالْدَّمِ . آسمان چهل روز بر
 حسین علیه السلام ، خون گریه کرد. (مناقب آلِ اَبی طالب ، ج ۳ ، ص ۲۱۲)

کربلا کربلا ما داریم میائیم

کربلا کربلا ، ما داریم میائیم - سویی دشتِ بلا ، ما داریم میائیم
 ترک و کرد، فارس و لر، هم بلوچ و عرب - با صفا و وفا، ما داریم میائیم
 کربلا کربلا ، ما همه از ایران - میائیم سویی تو ، با همه عاشقان
 ما داریم میائیم ، با پای پیاده - پا چنان عاشقان ، در این ره نهاده
 ما داریم میائیم ، با یادِ شهیدان - با پای پیاده ، به امیدِ یزدان
 ما جمله زائرین ، نائِبُ الزَّیَّاره - میائیم کربلا ، پیاده، سواره
 نائِبُ الزَّیَّاره ، از امامِ زمان - میائیم کربلا ، جمله سینه زنان
 ما یارانِ مهدی ، یاورانِ حسین - رو سویی کربلا ، جمله با شور و شین
 ما با آه و فغان ، نوحه خوان سینه زن - میائیم کربلا ، کودک و مرد و زن
 ما جمله یارانِ ، حسینِ زمانیم - میائیم در این راه ، که عقبِ نمائیم
 این رودِ خروشان ، از تمامِ دنیا - در شهرِ کربلا ، میشود چو دریا

میلیون میلیون ، همه هر صبح و شام - رو سوی کربلا ، السّلام ای امام
باقری هم گوید ، درصباح و مسا - السّلام ای حسین ، با صدای رسا

کربلا کربلا ما داریم میائیم

کربلا کربلا ، ما داریم میائیم - سوی دشتِ بلا ، ما داریم میائیم
ترک و کرد، فارس و لر، هم بلوچ و عرب - با صفا و وفا، ما داریم میائیم
کربلا کربلا ، ما همه از ایران - میائیم سوی تو ، با همه عاشقان
از تبریز و اهواز، از مشهد، از گرگان - کربلا کربلا ، ما داریم میائیم
ما داریم میائیم ، با پای پیاده - پا چنان عاشقان ، در این ره نهاده
از زنجان و شیراز، آستارا، آباده - کربلا کربلا ، ما داریم میائیم
ما داریم میائیم ، با یاد شهیدان - با پای پیاده ، به امید یزدان
از سمنان، آشنانه، گیلان و کردستان - کربلا کربلا ، ما داریم میائیم
ما جمله زائرین ، نائبُ الزّیّاره - میائیم کربلا ، پیاده، سواره
از تهران، اردبیل، قزوین و آشنانه - کربلا کربلا ، ما داریم میائیم
نائبُ الزّیّاره ، از امام زمان - میائیم کربلا ، جمله سینه زنان
از آمل، آباده، سوادکوه، گلستان - کربلا کربلا ، ما داریم میائیم
ما یاران مهدی ، یاورانِ حسین - رو سوی کربلا ، جمله با شور و شین
میائیم از بوشهر، بهبهان و قزوین - کربلا کربلا ، ما داریم میائیم
ما با آه و فغان ، نوحه خوان سینه زن - میائیم کربلا ، کودک و مرد و زن
از دیر، آباده، آق قلا، دماون - کربلا کربلا ، ما داریم میائیم
ما جمله یارانِ ، حسینِ زمانیم - یاورِ سیدعلی ، ما دراین جهانیم
میائیم در این راه ، که عقب نمائیم - کربلا کربلا ، ما داریم میائیم
این رودِ خروشان ، از تمام دنیا - سوی کربلا از ، کوه و دشت و صحرا
در شهر کربلا ، میشود چو دریا - کربلا کربلا ، ما داریم میائیم
میلیون میلیون ، همه هر صبح و شام - رو سوی کربلا ، السّلام ای امام
السّلام ای حسین ، سبطِ خیر الانام - کربلا کربلا ، ما داریم میائیم
باقری هم گوید ، درصباح و مسا - السّلام ای حسین ، با صدای رسا
شو شفیع همه ی ، ما به هردوسرا - کربلا کربلا ، ما داریم میائیم
سروده شده توسط حجة الاسلام سیدمحمدباقری پور ماه صفر سال ۱۳۹۸

این همه موکب که باشد در مسیر زائرین

این همه موکب که باشد در مسیر زائرین - روز و شب در حال خدمت از برای شاه دین
 این همه موکب ز مهران تا مسیر کربلا - جملگی خدمت کنان بر زائران اربعین
 این همه موکب زبصره تا نجف تا کربلا - روز و شب در حال خدمت از برای زائرین
 این همه موکب که باشد روز و شب مشغول کار - اجرشان محفوظ باشد نزد رب العالمین
 خادمان این مواکب جمله زایران و عراق - از عرب و از ترک و کرد و فارس هست این خادمین
 جملگی خدمت کنند از بهر زوار حسین - خدمتی از بهر زهرا هم امیر المؤمنین
 باقری خواهد که باشد یک از این خدمت کنان - تا بشوید دست و پای تک تک این زائرین
 سروده شده توسط حجة الاسلام سید محمد باقری پور ماه صفر سال ۱۳۹۸
 تقدیم به خادمین زائرین پیاده حرم سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

إِنَّ الْحُسَيْنَ يَجْمَعُنَا

قال الإمام خاتمه ای ، إِنَّ الْحُسَيْنَ يَجْمَعُنَا - يَجْمَعُنَا حُبُّ الْحُسَيْنِ ، فِي الْحَرَمَيْنِ بِكَرْبَلَا
 حُبُّ الْحُسَيْنِ وَ حُبُّ مَنْ ، كَانَ يُحِبُّهُ الْحُسَيْنِ - باشد مرا روشنی ی ، دیده ی قلب و هر دو عین
 زائرا خوب شعار میدن ، حُبُّ الْحُسَيْنِ يَجْمَعُنَا - وعده ی ما ها همگی ، در اربعین به کربلا
 نگاه بکن به کربلا ، ببین به بینُ الحرمین - چند میلیون جمع شده اند ، این همه عاشق حسین
 این زائرا که عاشقند ، عاشقا همچو جابرنند - همراه جابر همگی ، بهر شهیدا زائرند
 جابر و هم عطیه را ، ببین به راه کربلا - بسوی مرقد حسین ، پیشا پیش مسافرا
 راه نجف تا کربلا ، پُر است ز زوار حسین - پیاده راه طی میکنند ، به عشق دیدار حسین
 زهر طرف تو میبینی ، بیابونا و جاده را - صدها هزارو میلیون ، موج میزنه از زائرا
 قافله های اربعین ، دارن میرن سوی حرم - آل نبی هم میروند ، به کربلا زشام غم
 میرن بسوی کربلا ، همراه زین العابدین - زشام و ایران و عراق ، رو به مزار شاه دین
 مانند زینب خانوما ، با معجرا و چادرا - پیاده و بچه به دوش ، دارن میرن چه با صفا
 بچه ها تو کالسکه ها ، همراه مامان باباشون - راه حسین و اصغر و ، دارن میدن پُما نشون
 سرمه ی چشم ما بُود ، تربت انور حسین - شفای درد ما بُود ، قبر مظهر حسین
 کربلا ای حرم و ، تربت خونبار حسین - این همه زائر آمده ، عاشق دیدار حسین
 این همه زائر آمده ، از سفر دور و دراز - بهر زیارت حسین ، آمده اند سر فراز
 دهند و ایران و عراق ، این همه زائر آمده - به اجتماع اربعین ، به مثل جابر آمده

بِسْوَيِ دَشْتِ کربلا ، برگشته اکنون اُسرا - بدرقه ی آنها ببین ، این زائرای پیاده را
ای باقری دشتِ بلا ، عجیب غوغائی شده - هوائی ی کربلا ، این دل شیدائی شده
سروده شده توسط حجة الاسلام سیدمحمدباقری پور ماه صفر سال ۱۳۹۸
تقدیم به اجتماع عظیم اربعین در کربلای معلی

بانوای کاروان

بانوای کاروان - بار بندید همرهان
جمله سوي کربلا - نوحه خوان سینه زنان
این قلبِ ما میل کربلا دارد - کربلا دیدن خیلی صفادارد
کاروان در کاروان - میروند این همرهان
تُرک و گُرد و فارس و لُر - میروند سینه زنان
این قلبِ ما میل کربلا دارد - کربلا دیدن خیلی صفادارد
زائرین از هر طرف - میروند سوي نجف
پس بسوي کربلا - گشته راهی صف به صف
این قلبِ ما میل کربلا دارد - کربلا دیدن خیلی صفادارد
زین عمود تا آن عمود - میروند از صبحِ زود
چارده و پنجاه و دو - «عمود ۱۴۵۲» - باشد آخرین عمود
این قلبِ ما میل کربلا دارد - کربلا دیدن خیلی صفادارد
اُولین حرف و کلام - یا ابو فاضل سلام
کو دودست و بازویت - ای علمدارِ امام
این قلبِ ما میل کربلا دارد - کربلا دیدن خیلی صفادارد
زائرین با شوروشین - جمله گویند یا حسین
ای شهیدِ کربلا - ای نبی را نورِ عین
این قلبِ ما میل کربلا دارد - کربلا دیدن خیلی صفادارد
باقری دارد نوا - بر عزیزِ مصطفی
بر ابا الفضلِ رشید - بر حسینِ سر جدا
سروده شده توسط حجة الاسلام سیدمحمدباقری پور ماه صفر سال ۱۳۹۸

چرا کربلا این همه عاشق دارد؟

چرا کربلا این همه عاشق دارد؟ که سر از پا نشناخته راهی آن دیار و در آنجا آن اجتماع عظیم را بر پا کرده اند؛ چون کربلا با عشق آمیخته شده است.

کربلا با عشق شد آمیخته

کربلا با عشق شد آمیخته - چونکه آب عشق آنجا ریخته
این همه عاشق که آید کربلا - بر مزار آن شهید نی نوا
حاضرند از جان و دل این عاشقان - تا دهند بهر حسین این جسم و جان
کربلا عشق است و عشق هم کربلا - رهبر عشق آن امام سر جدا
شد چو خاک آفرینش بیخته - کربلا و عشق شد آمیخته
کربلا گشته عجین با آب عشق - زان سبب باشد همی بی تاب عشق
عاشقان از انبیا و اولیا - خفته اند اندر دیار کربلا
گشته مدفون عاشقان در این دیار - جمله چون پروانه ها بر گرد یار
عاشقان گرد حسین پروانه اند - همچو مجنون عاشق و دیوانه اند
یاوران برگرد او گردیده جمع - جمله چون پروانگان بر دور شمع
گفت آن یک گرکه صد جان داشتم - ای حسین در راه تو بگذاشتم
دیگری گفتا که من هفناد بار - حاضرم جان را دهم از بهر یار
کشته کردم زنده کردم در رخت - باز هم آیم حسین من مهرت
آری اینسان عاشقان در کربلا - خفته اند از عشق با مهر و ولا
باقری این گفته از اهل ولاست - مصرع عشاق جانا کربلاست

امام باقر علیه السلام: روزی حضرت علی علیه السلام با جماعتی به سرزمین کربلا رسید. آنگاه فرمود: «قُتِلَ فِيهَا مَائَتَا نَبِيٍّ وَ مَائَتَا سَبْطٍ كُلُّهُمْ شُهَدَاءُ، وَ مَنَاحُ رِكَابٍ وَ مَصَارِعُ عُشَّاقٍ شُهَدَاءُ، لَا يَسْبِقُهُمْ مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ؛ وَ لَا يَلْحَقُهُمْ مَنْ بَعْدَهُمْ»؛ در اینجا دویست پیامبر و دویست نواده پیامبر به قتل رسیده اند که همه آنها شهید هستند. اینجا محل فرود آمدن سواران و قتلگاه عاشقان است، شهیدانی که نه پیشینیان بر آنان سبقت بسته اند و نه آیندگان به مقام آنان خواهند رسید. [ابصارالعین فی انصارالحسین، ص ۲۲؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۸]

کربلا یعنی نمایشگاه عشق - کربلا یعنی که دانشگاه عشق

شورش بلبان سحر باشد - خفته از صبح بی خبر باشد - تیرباران عشق خوبان را - دل شوریدگان سپر باشد - عاشقان کشتگان معشوقند - هر که زنده ست در خطر باشد.

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز - کان سوخته را جان شد و آواز نیامد - این مدعیان در طلبش بی خبراند - کانرا که خبر شد خبری باز نیامد .
در ادبیات ما وقتی از عشق سخن به میان می‌آید ذهنها معطوف به لیلی و مجنون و یا یوسف و زلیخا میشود .

اما اینها عشق مجازی است که با عشق واقعی فرق دارد
عشق آن شعله است کو چون برفروخت - هر چه جز معشوق باقی جمله سوخت...
عشق آن زنده گزین، کو باقی است - از شراب جانفزایت ساقی است - عشق آن بگزین که جمله انبیاء - یافتند از عشق او کار و کیا...
امرّ علی جدار دیار لیلی - اقبل ذا الجدار و ذا الجدارا - و ما حبّ الدّیار شغفن قلبی - و لکن حب من سکن الدیارا

مُنَاحُ رِکَابٍ وَ مَصَارِعُ عُشَاقٍ
... أَبَاتِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَنَّهُ قَالَ: كَأَنِّي بِالْقُصُورِ قَدْ شَيْدَتْ حَوْلَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَ كَأَنِّي بِالْمَحَامِلِ تَخْرُجُ مِنَ الْكُوفَةِ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَ لَا تَذْهَبُ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامُ حَتَّى يُسَارَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَفَاقِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ انْقِطَاعِ مُلْكِ بَنِي مَرْوَانَ . [بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام ، جلد ۴۱ ، صفحه ۲۸۷]

رُوي عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: مَرَّ عَلَيَّ السَّلَامُ بِكَرْبَلَاءَ فَقَالَ لَمَّا مَرَّ بِهِ أَصْحَابُهُ وَ قَدْ اغْرُورَقَتْ عَيْنَاهُ بَيْكِي وَ يَقُولُ هَذَا مُنَاحُ رِکَابِهِمْ وَ هَذَا مُلْقَى رَحَالِهِمْ هَاهُنَا مُرَاقٌ دِمَائِهِمْ طُوبَى لَكَ مِنْ تَرْبَةٍ عَلَيْهَا تَرَاقٌ دِمَاءُ الْأَحِبَّةِ وَ قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَ عَلَيَّ يَسِيرُ بِالنَّاسِ حَتَّى إِذَا كَانَ بِكَرْبَلَاءَ عَلَى مِيلَيْنِ أَوْ مِيلٍ تَقَدَّمَ بَيْنَ أُيْدِيهِمْ حَتَّى طَافَ بِمَكَانٍ يُقَالُ لَهَا الْمَقْدِفَانُ فَقَالَ قُتِلَ فِيهَا مَائَتَا نَبِيٍّ وَ مَائَتَا سَبِطٍ كُلُّهُمْ شُهَدَاءُ وَ مُنَاحُ رِکَابٍ وَ مَصَارِعُ عُشَاقٍ شُهَدَاءُ لَا يُسَبِّقُهُمْ مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ وَ لَا يَلْحَقُهُمْ مَنْ بَعْدَهُمْ . [بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام ، جلد ۴۱ ، صفحه ۲۹۵]

حضرت علی علیه السلام روزی گذرش از کربلا افتاد و فرمود: اینجا قربانگاه عاشقان و مهد شهیدان است شهیدانی که نه شهدای گذشته و نه شهدای آینده به پای آنها نمی‌رسند.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با عده ای از کربلا عبور کردند... : محل پیاده شدن سواران، و بر زمین افتادن شهیدانی است که از گذشتگان کسی از آنها جلو نیفتاده، و از آیندگان کسی به مقام آنها نخواهد رسید. و حضرت باقر علیه السلام شبیه این را فرموده اند.

از کثرت شوق شهادت درد شمشیر و تیر و نیزه را احساس نمی کردند:

حضرت باقر علیه السلام می فرماید: حضرت امام حسین علیه السلام پیش از آنکه شهید شود به یارانش فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمودند: ... جمعی از یارانت با تو شهید شوند که از ضربات شمشیر و نیزه دردی حس نمی کنند...

از امام باقر علیه السلام نقل شده: روزی حضرت علی علیه السلام با جماعتی به سرزمین کربلا رسید. آنگاه فرمود: در اینجا دوستان پیامبر و دوستان نوازه پیامبر به قتل رسیده اند که همه آنها شهید هستند. اینجا محل فرود آمدن سواران و قتلگاه عاشقان است، شهیدانی که نه پیشینیان بر آنان سبقت بسته اند و نه آیندگان به مقام آنان خواهند رسید.

در شب عاشورا برادران، فرزندان، برادرزادگان حضرت اباعبدالله، و فرزندان عبدالله بن جعفر گفتند: برای چه این کار را بکنیم؟ «تورا ترک و در پی دنیای خود برویم» تا پس از تو زنده باشیم؟ خداوند هرگز آن روز را برای ما پیش نیاورد.

نخستین کسی که این سخن را گفت، عباس بن علی علیه السلام بود و دیگران نیز از او پیروی کردند و چنین سخنانی گفتند. عباس بن علی علیه السلام گفت: برای چه دست از تو برداریم؟ برای این که پس از تو زنده بمانیم؟ خدا نکند هرگز چنین روزی را ببینیم!!

جان و مال و اهل خود را فدایت می کنیم و همراه تو می جنگیم، تا هرچه بر سر شما آید بر سر ما نیز همان بیاید؛ که زندگی پس از تو بدبختی است.

مسلم بن عوسجه اسدی برخاست و گفت: اگر تو را رها کنیم، نزد خداوند چگونه عذر آوریم؟ به خدا سوگند با آنان چنان می جنگم که نیزه ام در سینه هایشان بشکند و تا قبضه شمشیرم به دستم باشد، آنان را میزنم و اگر سلاح برای جنگیدن نداشته باشم، به دفاع از تو سنگشان می زنم؛ ولی هرگز تو را رها نمی کنم تا با تو بمیرم.

سعید بن عبدالله حنفی برخاست و عرض کرد: نه، به خدا ای پسر پیغمبر، ما هرگز تو را رها نمی کنیم تا خداوند بداند که ما در غیاب پیامبرش از تو (که فرزندش هستی) محافظت کردیم و اگر بدانم که در راه تو کشته می شوم و سپس زنده می شوم و سوزانده می شوم و سپس ذرات وجودم را به باد می دهند و هفتاد بار با من چنین میشود، از تو جدا نمی شوم تا آنکه در رکاب تو کشته شوم. چرا چنین نکنم با اینکه یک کشته شدن بیش نیست و به دنبال آن عزتی جاودانه خواهد بود.

زهیر بن قین هم برخاست و گفت: به خدا قسم دوست داشتم هزار مرتبه کشته شوم، سپس زنده شوم و در عوضی، خدای متعال کشته شدن را از تو و جوانان اهل بیت تو برطرف کند.

محمد بن بشر گفت: درندگان بیابان زنده زنده ام بخورند اگر از تو جدا شوم.

نافع بن هلال خود را به قدمهای آن حضرت انداخت و عرضه داشت مادرم به عزایم بنشیند من این شمشیر را به هزار درهم و اسبم را هم به هزار درهم خریداری نموده ام ، سوگند به آن خدایی که با محبت تو بر من منت گذاشته است بین من و تو جدایی نخواهد افتاد مگر آن وقت که این شمشیر، کند و این اسب خسته شود .

حبیب بن مظاهر با یاران کنار خیمه بانوان : خطاب به بانوان بنی هاشم چنین گفت : ای دختران پیامبر و ای حرم رسول خدا! اینان جوانان فداکار شما و اینها شمشیرهای برآقشان است که همه سوگند یاد نموده اند این شمشیرها را در غلافی جای ندهند مگر در گردن دشمنان شما و این نیزه های بلند و تیز در اختیار غلامان شماست که هم قسم شده اند آنها را فرونبرند مگر در سینه دشمنان شما.

همه یاران امام حسین (علیه السلام) که به همین مضامین سخن گفتند که به خدا سوگند تو را رها نمی کنیم، بلکه جانهایمان را فدایت می کنیم و دست و صورت و گردن خود را سپر بلای تو قرار می دهیم که اگر در رکاب تو کشته شویم، به عهدی که با پروردگار خود بسته ایم، وفادار بوده و وظیفه ای که به عهده داریم، انجام داده ایم.

به نقل از امام سجاد (علیه السلام) آمده است که وقتی اصحاب، وفاداری خود را اعلام کردند و از رفتن خودداری کردند، پدرم فرمود: همه شما فردا کشته می شوید و یک تن از شما زنده نخواهد ماند. گفتند: سپاس خدای را که عزت شهادت همراه تو را نصیب ما کرد. آن گاه حضرت برای آنان دعا کرد و فرمود: اکنون به بالا نگاه کنید، پس به موقعیت خود در بهشت نظری کردند و امام جایگاه هر یک را نشان می داد... (همچنین گفته شده است در این شب، قاسم فرزند امام حسن مجتبی (علیه السلام) از عمویش سؤال کرد: آیا من هم کشته می شوم؟ امام حسین که از او پرسید: مرگ در نظر تو چگونه است؟ گفت شیرین تر از عسل، امام فرمود: آری، عمومیت فدای تو، تو هم یکی از مردانی هستی که پس از گرفتاری و امتحان بزرگی کشته خواهی شد.)

اطلاعاتی برای زائران

اطلاعات زیر می تواند به زائران پیاده سیدالشهدا (علیه السلام) کمک کند تا مسیر نجف تا کربلا را آسانتر طی کنند.

میزان مسافت: ۸۰ کیلومتر

تعداد ستون ها: ۱۴۵۲ ستون

فاصله بین هر ستون: ۵۰ متر (۲۰ ستون = ۱ کیلومتر)

زمان لازم برای پیاده روی کل مسیر: ۲۰ تا ۲۵ ساعت (متوسط روزی ۷ تا ۸ ساعت)

زمان تخمینی سفر پیاده: ۲ تا ۳ روز

مسیر: مسیر با خیل جمعیت پیاده کاملاً مشخص است و فقط کافی است باقی زائران را دنبال کنید. از درب ساعت (باب الساعه) حرم حضرت علی (علیه السلام) خارج شده و پیاده روی را مستقیم از کنار خیابان امام زین العابدین (علیه السلام) یا خیابان امام جعفر صادق (علیه السلام) شروع کنید. این مسیرها را مستقیم بروید تا به بزرگراه کربلا برسید. به سمت چپ رفته، جایی که هزاران نفر بصورت پیاده به سمت کربلا در حال حرکت هستند. به آنها ملحق شوید.

بعد از حدود ۷۵ کیلومتر در ستون ۱۴۵۲ شما به حرم حضرت عباس (ع) خواهید رسید.

پیاده روی را از طلوع آفتاب آغاز کرده و در مغرب به طور کامل توقف کنید.

اولین شب را در یکی از موبک‌ها (کمپ یا حسینیّه) در حدود ستون ۵۰۰ و دومین شب را حدود ستون ۱۰۰۰ بگذرانید.

مدت طولانی پیاده روی نکنید و هر زمانی لازم بود استراحت کنید.

در زمان نماز مغرب جایی را برای خواب بین صدها موبک (کمپ یا حسینیّه) پیدا کنید. نیازی به نگرانی نیست چون تعدادی زیادی از این موبک‌ها وجود دارد.

مراکز افراد گمشده در ستون‌های ۷۲، ۳۳۵، ۶۰۲، ۱۱۰۳ و حرم حضرت عباس (علیه السلام) قرار دارند. هر سه کیلومتر مرکز گزارش گمشدگان تعبیه شده است.

سعی کنید وسایل کم وزنی را با خود حمل کنید. نیازی به همراه داشتن غذا یا آب نیست چون مقدار زیادی غذا و آب در مسیر موجود است. صرفاً مقداری خشکبار مانند پسته، بادام، انجیر خشک، برگه زردآلو به همراه داشته باشید.

مقداری داروی ضروری برای ۲ یا ۳ روز پیاده روی همراه داشته باشید. مانند قرص سرماخوردگی، پماد برای باز شدن عضلات پا، باندکشی برای بستن پا در صورت نیاز و... البته تعدادی کلینیک‌های کوچک و کمپ‌های درمانی در طول مسیر وجود دارند.

به جای همراه داشتن کیف دستی یا کیف خرید از کوله پشتی سبک استفاده کنید.

برای جلوگیری از سرما خوردگی لباس‌های مناسب به همراه داشته باشید: جوراب، دستکش، کلاه، پوشش گوش، کاپشن و... البته بنابر تجربه هوا در طول روز مناسب و در شب‌ها حسابی خنک است.

لباس‌های گرم‌تان را حتی الامکان جوری انتخاب کنید که دکمه یا زیپ داشته باشد و قابلیت کم یا زیاد کردن لباس‌هایتان را در طول مسیر داشته باشید.

خانمها بهتر است، پارچه‌ای نرم مشکی مستطیل که جلوی صورت را بگیرد تهیه کرده و کش دوخته و چیزی شبیه پوشیه درست کنند تا در طول مسیر از سرما و گرد و غبار محافظت کند. خانمها از چادری استفاده کنند تا امکان انداختن کوله باشد. انواع چادرهای لبنانی و ملی مناسب است.

کرم مناسب برای تاول و عرق سوز به همراه داشته باشید. بد نیست یک عدد کیسه خواب نیز به همراه داشته باشید تا در صورت مناسب نبودن و سرد بودن مکانها برای استراحت از شما در برابر خاک و سرما محافظت کند. شما می‌توانید یک قرآن، دعا و زیارت جیبی و یا مداحی مورد علاقه‌تان را به همراه داشته باشید. البته بهتر است اینها را در موبایل خود داشته باشید تا در حال پیاده روی گوش فرا داده یا بخوانید. کفش‌های نو و بندی را نپوشید. بهتر است یک کفش مناسب و آزاد بپوشید. این مورد خیلی خیلی مهم است. چون در طول مسیر دائما برای استراحت در موکبها ناچار به در آوردن کفش از پا هستید.

پاسپورت و شارژر موبایل «حتی الامکان پاوربانک» را حتما به همراه داشته باشید. امکان گم کردن همراهانتان در طول مسیر وجود دارد بنابراین با توجه به آنتن ندادن موبایل‌تان در بعضی نقاط همچنین به دلیل ترافیک بالای شبکه از همان ابتدای مسیر شماره عمودی (ستون‌ها) را انتخاب کنید که اگر همراهانتان را گم کردید زمان رسیدن به آن عمود توقف کنند. فقط حواستان باشد شماره‌های رند خیلی شلوغ است.

قلم «خودکار و مداد»، دفتر «دفترچه یادداشت»، مسواک و خمیردندان، نخ و سوزن، چفیه «برای استفاده های متعدد»، ملافه سفید «هم حوله حمام است و هم رونداز»، کلاه، لیوان کوچک پلاستیکی یا فلزی «چون شیشه ای میشکنند»،

فهرست کتاب

صفحه	عنوان
۱	ما همگام با زائرین پیاده
۱	همه زائرین همچو جابر
۲	روایات پیاده رفتن به کربلا
۷	سنت حسنه پیاده رفتن به کربلا
۹	تاکیدمراجع بر راهپیمائی اربعین
۱۱	زیارت امام حسین علیه السلام از بالای بام منزل
۱۲	زیارت سایر امامان
۱۳	پاداش زائران پیاده امام(ع)
۱۶	اطعام برای سوگواران و عزاداران حسینی
۱۷	در مسیر بیش از ۸۵ کیلومتری
۲۳	حکایات زیارت امام حسین علیه السلام
۴۹	زیارت امام حسین علیه السلام درگذر زمان
۵۲	گزارش از پیاده روی اربعین
۶۲	مسافت مرزهای مختلف تا نجف اشرف
۶۳	کربلا منتظر ماست
۶۳	حدیث امام عسکری علیه السلام
۶۶	اولین زائر کربلا
۶۸	بازگشت اهل البیت به کربلا در اربعین
۶۹	زیارت اربعین
۷۱	احادیثی در باب زیارت امام حسین علیه السلام
۷۷	احادیثی در آداب زیارت
۸۳	زمزمه های راهیان کربلا
۸۸	اشعار سروده های مؤلف باقری پور
۹۲	این همه موکب که باشد در مسیر زائرین
۹۲	کربلا کربلا ما داریم میائیم

فهرست کتاب

صفحه	عنوان
۹۴	إِنَّ الْحُسَيْنَ يَجْمَعُنَا
۹۵	بانوایِ کاروان
۹۶	کربلا با عشق شد آمیخته
۹۹	اطلاعاتی برای زائران

کتابهای الکترونیکی ما :

در اینترنت ، وب سایت ما «بنام هدایت hedayat.org» در فهرست عناوین مطالب - در عنوان اشعار باقری اشعار و سروده های ما موجود است ، و در عنوان کتاب موبایل باقری ، کتابهای الکترونیکی ، موبایلی ما با عناوین زیر موجود است:

همراه زائرین عتبات عالیات «چاپ اول آن به اتمام رسیده» ، قرآن مجید ۱۱۴ سوره ای ، قرآن مجید سی جزئی برای ماه مبارک رمضان ، نهج الفصاحه ، نهج البلاغه ، حلیه المتقین ، خصال شیخ صدوق ، ریاحین الشریعه ، ثواب الاعمال ، امالی شیخ صدوق و شیخ مفید ، تحریر الوسیله ، کلیات مفاتیح الجنان «با انضمام باقیات الصالحات» ، مقتل خوانی «حاوی کتب مقاتل ابی مخنف - سید بن طاووس - مقرر - روضه الشهداء - مقتل امام حسین» ، منازل الآخره ، نزهة النواظر ، چهارده معصوم علیهم السلام به ترتیب نام از معصوم اول تا معصوم چهاردهم ، حضرت زینب «س» ، حضرت عباس «ع» ، فاطمه ام البنین «س» ، فاطمه معصومه «س» ، رساله توضیح المسائل بیست و پنج مرجع هم جدا جدا و هم ۲۵ رساله بصورت یکجا ، ذکر خدا ، روضه خوانی ، محرم و صفر ، پنجاه روز عزداری از اول محرم تا اربعین ، پیام رهبری «پیامهای نوروزی و سخنرانیهای اول هر سال از سال ۶۹ تا ۹۴» ، کشکول باقری حاوی ۵۰۰ صفحه مطالب گوناگون ، امام روح الله «زندگینامه و مقالات در رابطه با حضرت امام خمینی ره» ، منتخب قوانین «قوانین کاربردی دادگاهها» ، منتخب دادخواستها «نمونه دادخواستها و شکوائیه ها» ، آداب معنوی ، گنجینه معنوی ، سیاحت غرب ، احادیث فارسی ، معجم احادیث ، صدچهل حدیث ، احکام نماز ، احکام روزه ، بهجت عارفان «زندگینامه آیه الله بهجت ره» ، فضائل و رذائل «درباب اخلاق» ، هزار عنوان «برای منبر و سخنرانی» ، جهاد و شهادت ، راهیان نور ، شهدا و جبهه ها ، زنان نمونه ، ختومات هُدا ، ماه رجب «اعمال ماه رجب» ، ماه شعبان «اعمال ماه شعبان» ، ماه رمضان «اعمال ماه رمضان» ، همراه زائرین مکه و مدینه ، همراه زائرین سوریه ، همراه زائرین مشهد الرضا «ع» ، سه هزار داستان ، و چندین کتاب موبایل دیگر...

به علاوه ده ها عنوان مقاله که در سایت ما موجود است

تهیه ، تنظیم ، ویرایش ، تنظیم صفحات ، فهرستنگاری ، طرح جلد و چاپ کتاب ، توسط مؤلف حجّة الاسلام سید محمد باقری پور در مؤسسه فرهنگی هدایت مشهد مقدّس انجام شده است.

سید محمد باقری پور : مدیر سایت هدایت

سایت هدایت : «www.hedayat.org»

ایمیل : «hodarayaneh@gmail.com»

تلفن همراه : «۰۹۱۵۵۸۱۹۲۳۰»

کتابهای چاپ شده از تهیه کننده این کتاب

مبانی اسلام «شرح حدیث بُنَى الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ از امام باقر علیه السلام»، شرح حدیث عبدالعظیم حسنی از امام رضا علیه السلام، بانوان و جامعه امروز «شرح حدیث کَيْفَ بَكُم إِذَا فَسَدَتِ نِسَاؤُكُمْ»، قصّه های قرآنی «شرح حال مختصر پیامبران در آیات قرآنی» مردان و زنان بافضیلت «شرح آیه ۳۵ سوره احزاب»، ذکر خدا «دعاهای مورد نیاز مؤمنین در طول هفته» مکالمات عربی، شهر رمضان «درباب اعمال و دعاهای ماه مبارک رمضان»، هفت پایه اسلام «شرح حدیث شریف قَوَاعِدُ الْإِسْلَامِ سَبْعَةٌ از امام علی علیه السلام»، چهارپایه دین و دنیا «شرح حدیث قَوَامُ الدِّينِ وَالْدُنْيَا بِأَرْبَعَةٍ از امام علی علیه السلام»، شرح حدیث شریف سلسلة الذهب از امام رضا علیه السلام در باب توحید و امامت و...، روضه های محرم و صفر، همراه زائرین عتبات عالیات، همراه زائرین مشهد الرضا علیه السلام، همراه زائرین حضرت معصومه، شاه عبدالعظیم و شاه چراغ علیهم السلام، همراه زائرین مکه و مدینه «برای آشنائی زائرین با عربستان، مکه، مدینه و مختصر مناسک حج و عمره»، مجموعه اشعار باقری، آداب اسلامی «آنچه باید کرد و آنچه نباید کرد برگرفته از سنن النبی صلی الله علیه و آله و فعل و قول و تقریر پیامبر و ائمه علیهم السلام»، پرسشها و پاسخهای حقوقی، کشکول حکایات باقری، کشکول اشعار باقری، کشکول مواعظ باقری، کشکول مدایح و مراثی باقری، مواعظ حسنه، احادیث مناسبتی، مختصر دعاهای ماه رجب، شعبان و رمضان، چهارده معصوم، شرح دعای اللهم ارزقنا، دعاهای مجالس، تعقیبات نمازها، صرف افعال عربی، احکام اموات، توضیح الحکم شرح و توضیح ۴۸۰ حکمت نهج البلاغه، توضیح الاربعة «شرح چهل حدیث»، توضیح الجنود «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، طب المعصومین بیان نظرات استاد آیت الله سید حسن ضیایی، زیارتنامه امام رضا علیه السلام، زیارت رفتن پیاده .